
اطلس لغات و اصطلاحات

دندانسازی

الفبای رشد و حرفهای شدن هر دندانساز

تألیف:

زینب رحیمزاده زارع
مدیر فنی لابراتوار (های دنست)

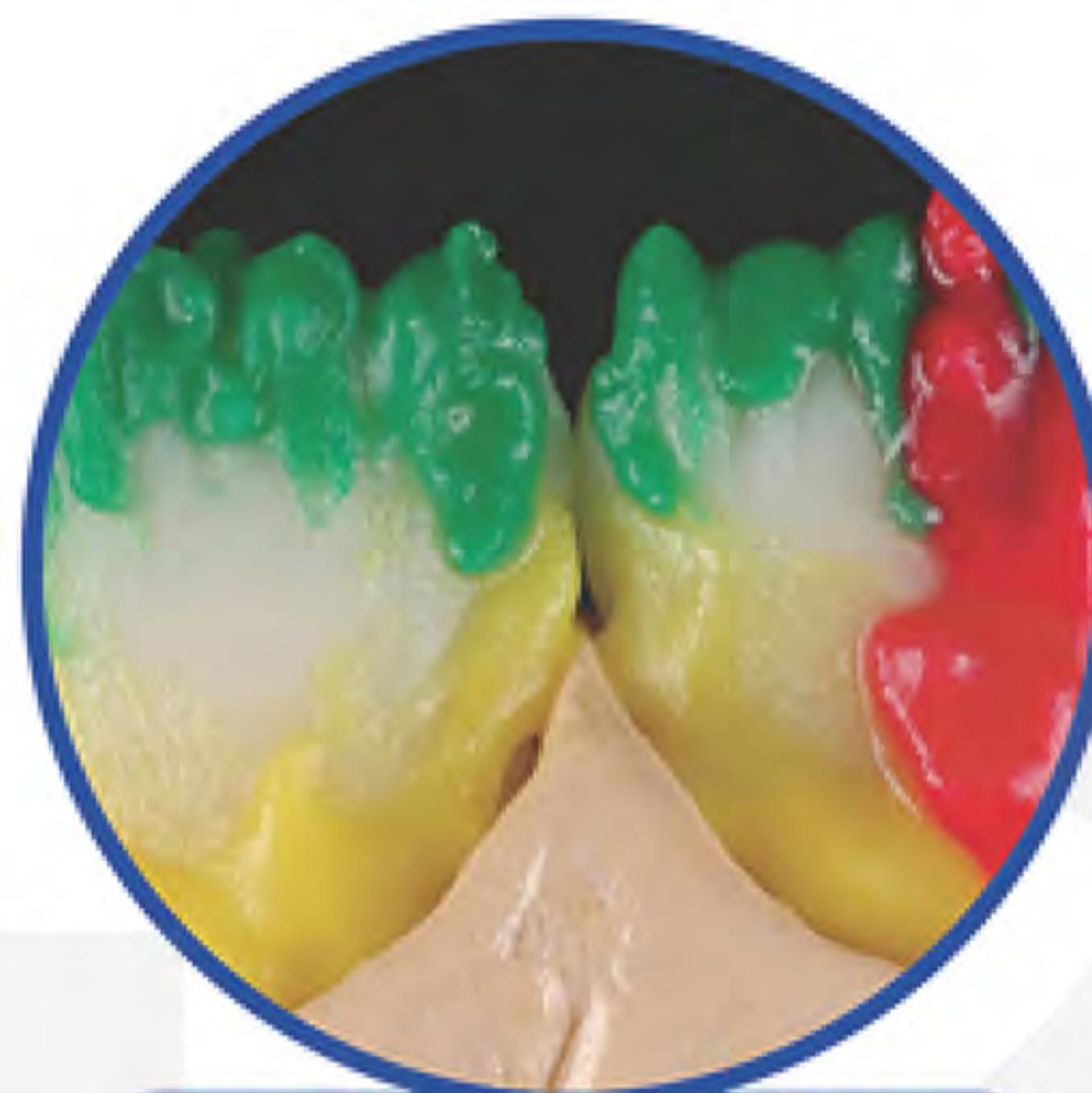


یک گام تا حرفه‌ای شدن در دندانسازی

اگر در حال تحقیق برای آموزش به صورت عملی و حرفه‌ای هستید
باید بگوییم دقیقاً متعلق به اینجا هستید



Laminate



Porcelain



Implant



PFM

دوره‌های تخصصی
لمنیت

دوره‌های تخصصی
پُرسلن گذاری

دوره‌های جامع
پروتزهای ایمپلنت

دوره‌های جامع
پروتزهای ثابت

دوره‌های جامع و تخصصی نرم افزاری اگزود، طراحی لبخند
ارائه خدمات مشاوره و راه اندازی بخش دیجیتال توجیه پذیر و سودآور

exocad
DSD
Digital Smile Design

پس برای حرفه‌ای شدن و متمایز شدن مسیر خود را سریع و آسان کن

۰۲۱ - ۲۸۴۲۶۰۵۰

اطلس لغات و اصطلاحات دندانسازی

A



abutment clamp

هر وسیله ای که برای قرار دادن اباتمنت ایمپلنت بر روی بدن ایمپلنت استفاده شود.



abutment driver

هر وسیله دستی که معمولاً به طور اختصاصی برای سهولت قرار دادن و محکم کردن یک اباتمنت ایمپلنت بر روی قسمت فوقانی یک ایمپلنت ساخته شده است.



abutment healing cap

هر پوشش موقتی که برای تامین سیل بر روی قسمت فوقانی یک ایمپلنت استفاده شود؛ بیشتر این پوشش ها فلزی هستند و به منظور استفاده موقت پس از باز کردن سطح فوقانی ایمپلنت به محیط دندان به کار می روند.



abutment interface

محل برخورد سطوح پایه ایمپلنت و بدن ایمپلنت است.



abutment post

بخشی از اباتمنت ایمپلنت که به ساختمان داخلی ایمپلنت ادامه پیدا می کند و به منظور تامین گیر و / یا ثبات اباتمنت ایمپلنت استفاده می شود.

acquired centric occlusion

جفت شدگی حداکثری دندانهای مخالف ، صرف نظر از موقعیت کندهیل.



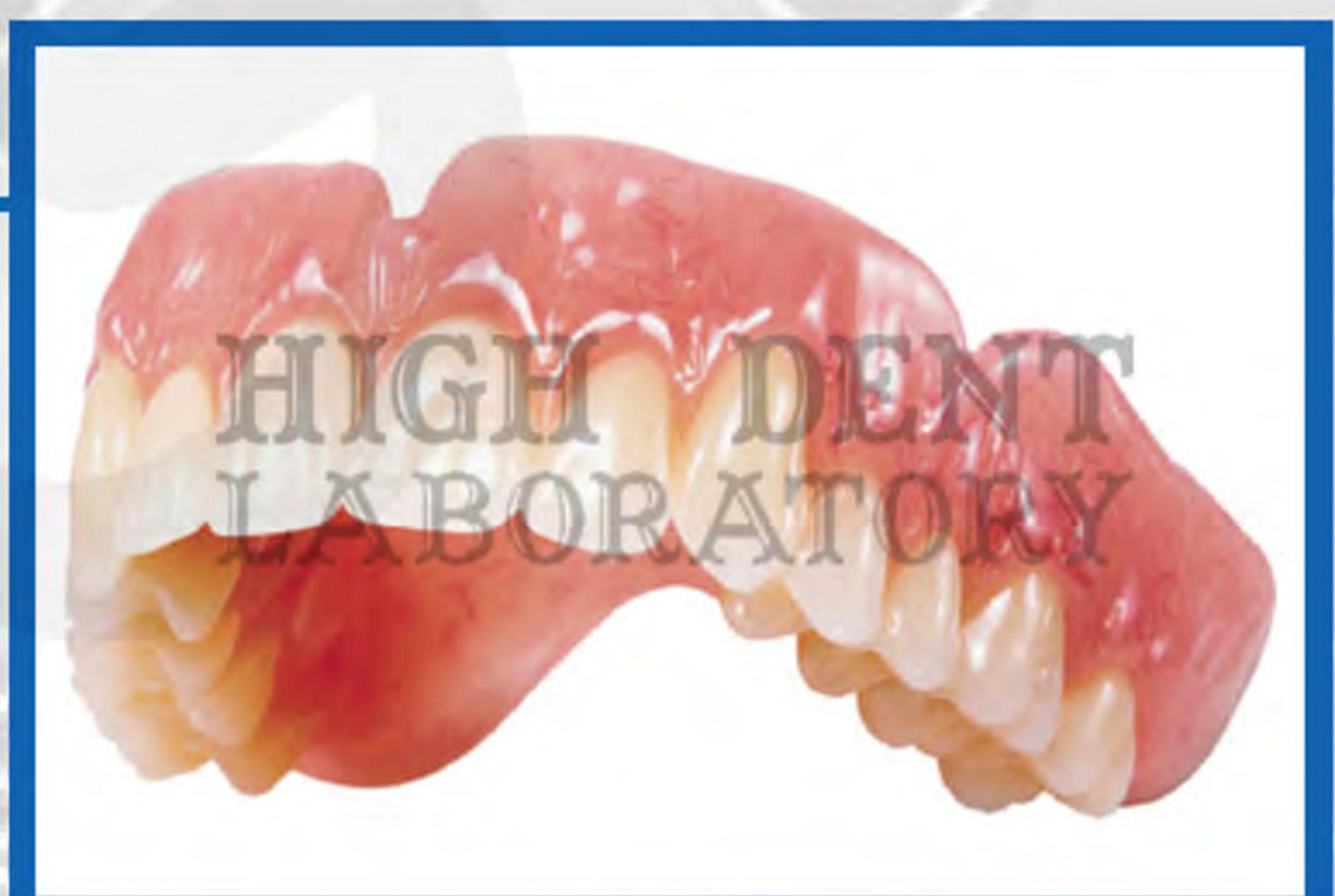
acrylic

رزین پلاستیکی پلیمریزه ای که در ترمیم های دندان استفاده می شود. رزین های آکریلیک به دلیل مقاومت بالا ، وزن سبک و مقاومت در برابر سایش انتخاب می شوند.



acrylic resin base

یک بیس بنچر که از رزین آکریلیک ساخته شده است.



activating tool

ابزاری که برای فعال سازی یا افزایش نگهداری یک وسیله ای اتصال مورد استفاده قرار می گیرد.



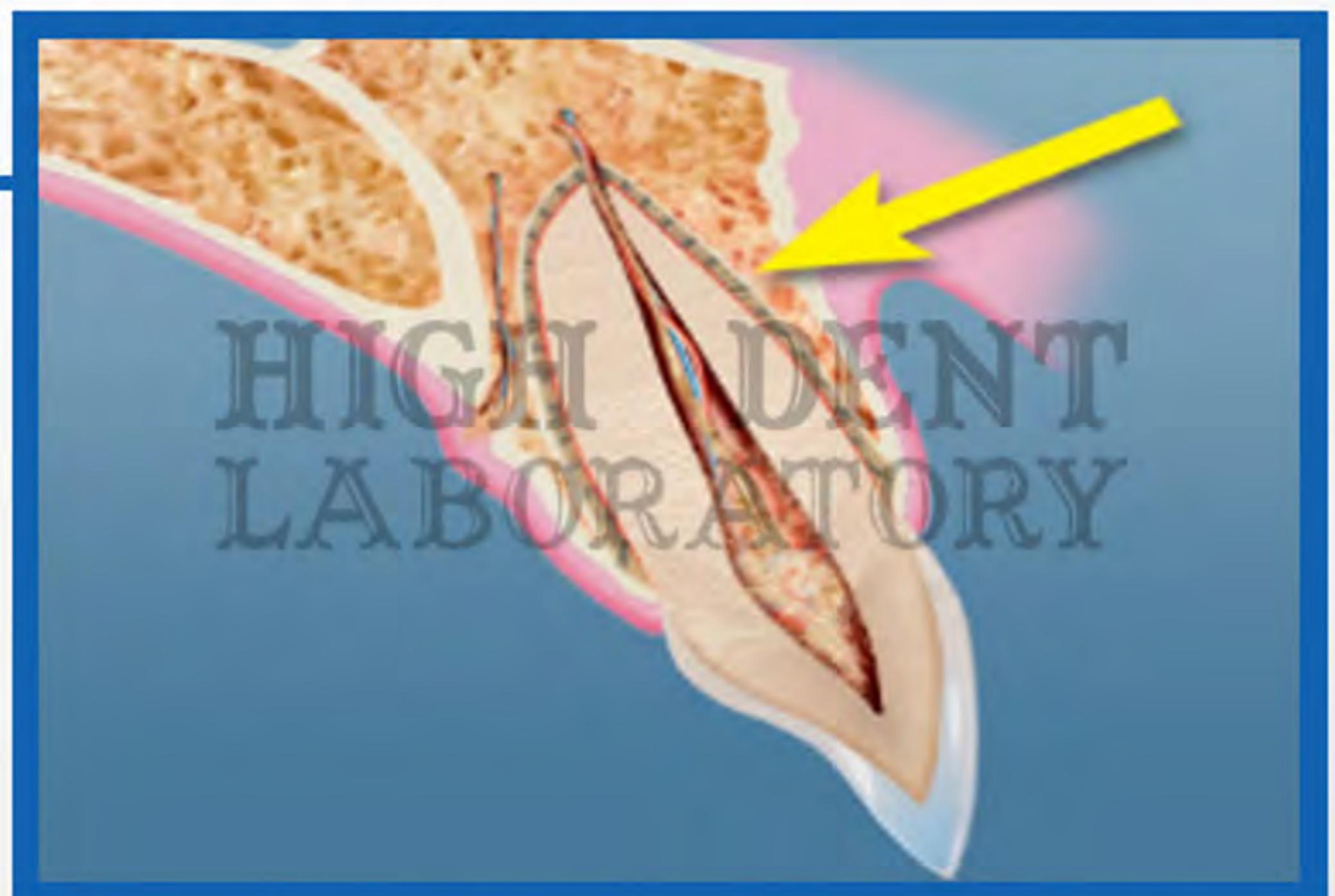
activator

۱. هر عامل شیمیایی که یک آغازگر شیمیایی را برای آغاز یک واکنش شیمیایی فعال می کند.
۲. یک ماده که در مقدار انداز برای افزایش اثر یک شتاب دهنده شیمیایی استفاده می شود.



alveolar process

زاده آلوئولار: ساختار استخوانی اسفنجی و متراکم که دندان‌ها را در بر گرفته و آنها را ساپورت می‌کند.



alveolar resorption

آب رفتن خط الراس آلوئولار که بعد از کشیدن دندانهای طبیعی رخ می‌دهد. به دلیل شکل خط الراس آلوئولار، میزان جذب بیشتر در زیر زبان و بوکال فوقانی اتفاق می‌افتد و باعث می‌شود قوس فک پایین با افزایش سن پهن و قوس فک بالا باریک شود.



alveolar ridge

افزونه برجسته بر فک پایین یا فک بالا که حاوی آلوئولها است، سوکت هایی که دندانها را احاطه کرده و آن را ساپورت می‌کنند. اغلب برای توصیف روند آلوئولار پس از از بین رفتن دندانها استفاده می‌شود.



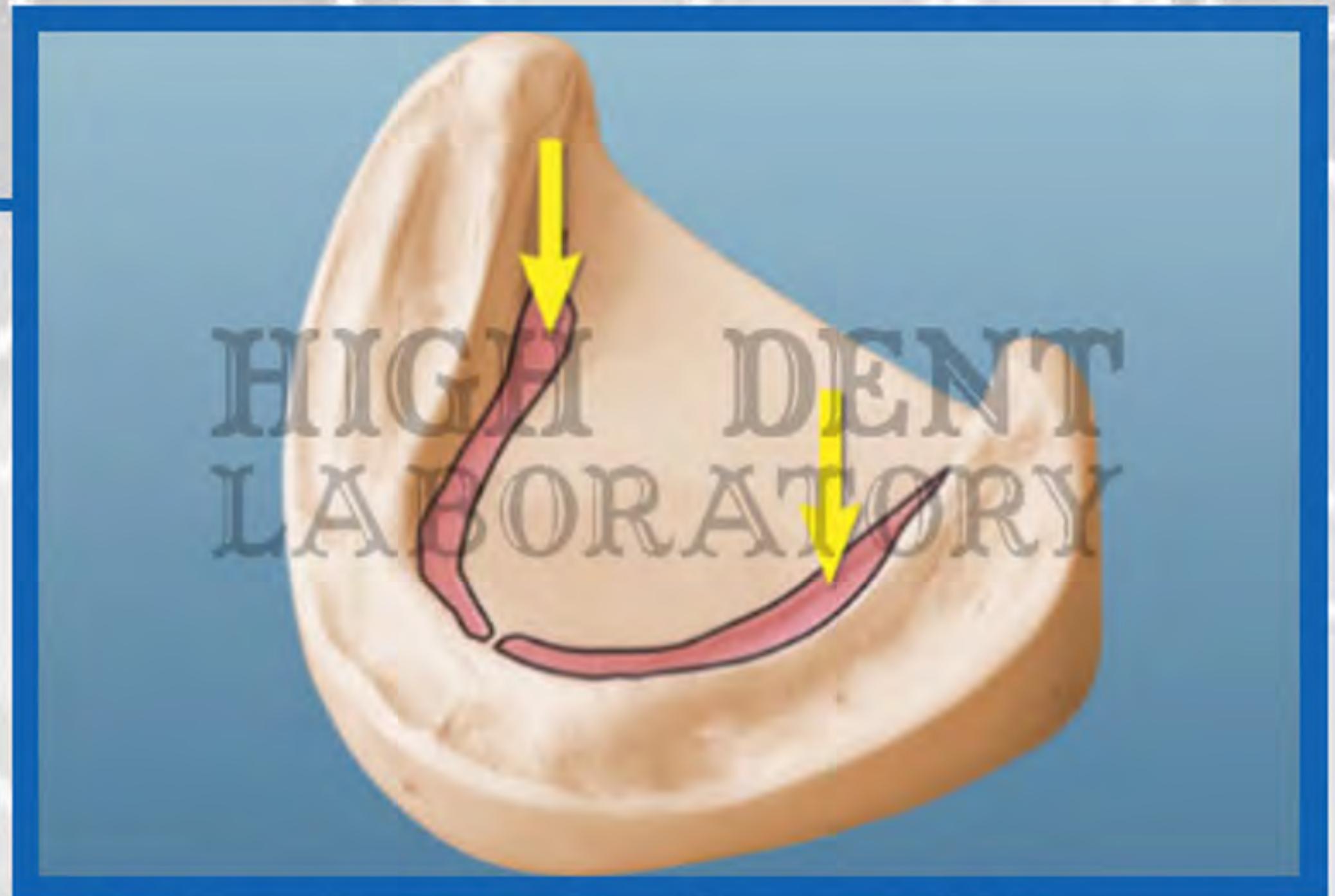
alveolinguinal

روند آلوئولار زبانی



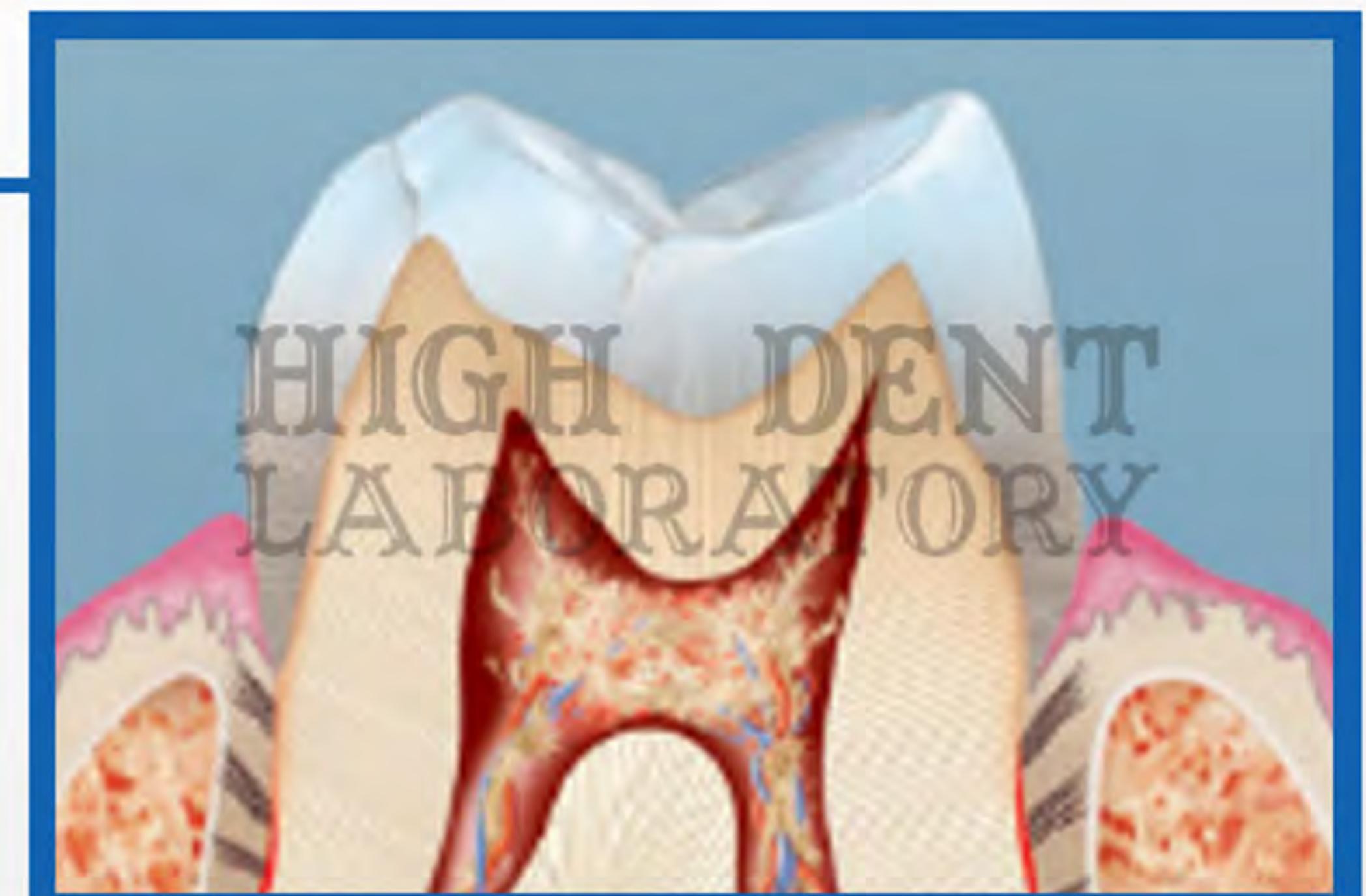
alveolinguinal sulcus

گودی در کف دهان بین زبان و روند آلوئولار



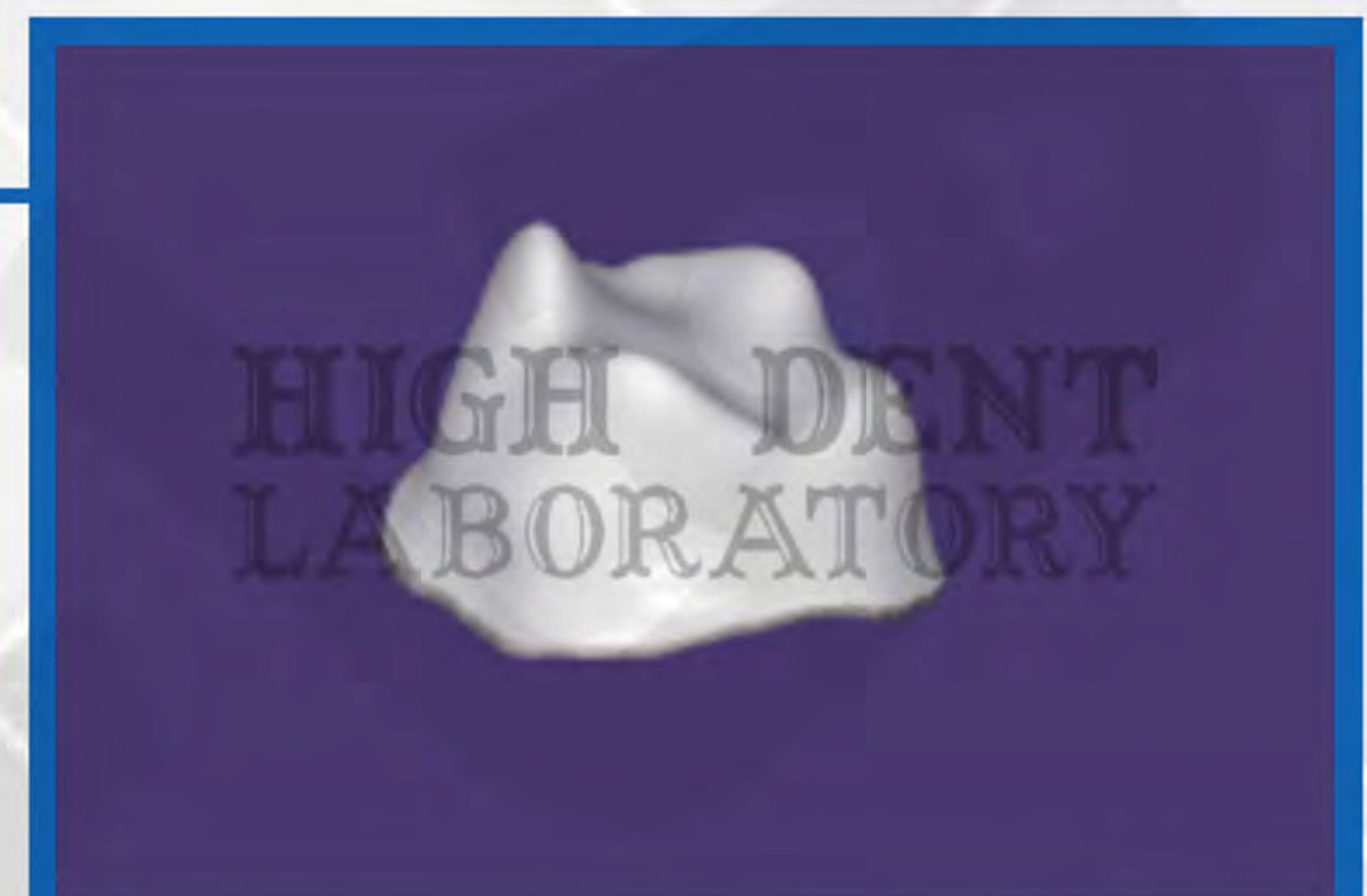
anatomic

۱. مربوط به آناتومی.
۲. مدام العمر ، واقعی.
۳. داشتن فرم مشخص.
۴. در دندانپزشکی ، داشتن تمام نقاط برجسته دندانهای طبیعی یا بافت‌های نرم.



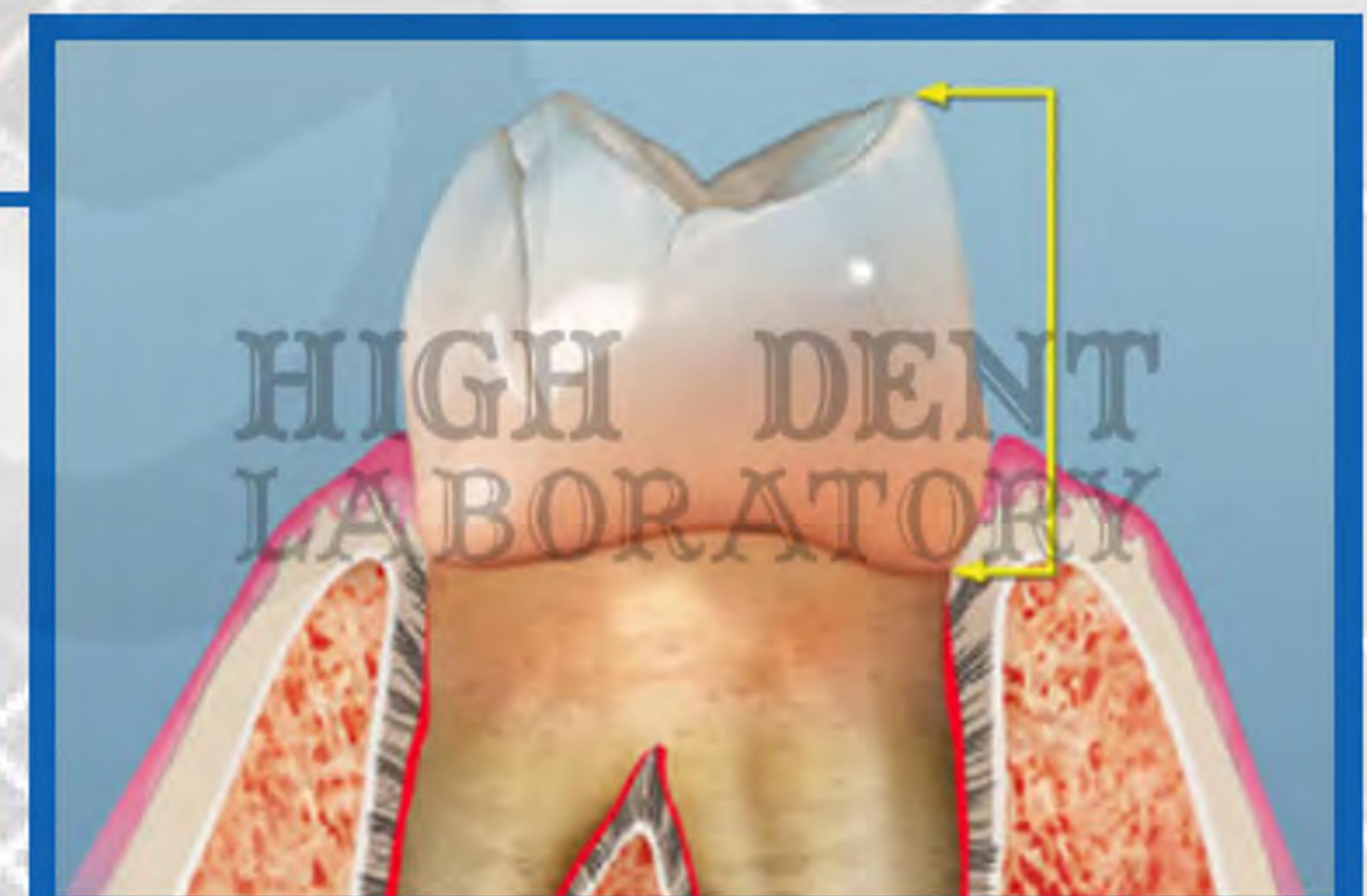
anatomic coping

پوششی که سطح آن یک مقدار یکنواخت از سطح تاج پوشاننده را متوازن می‌کند.



anatomic crown

بخشی از یک دندان طبیعی که از حد فاصل سمان و مینا (CEJ) به سمت کرونال گسترده شده است. همچنین گفته می‌شود anatomical .crown



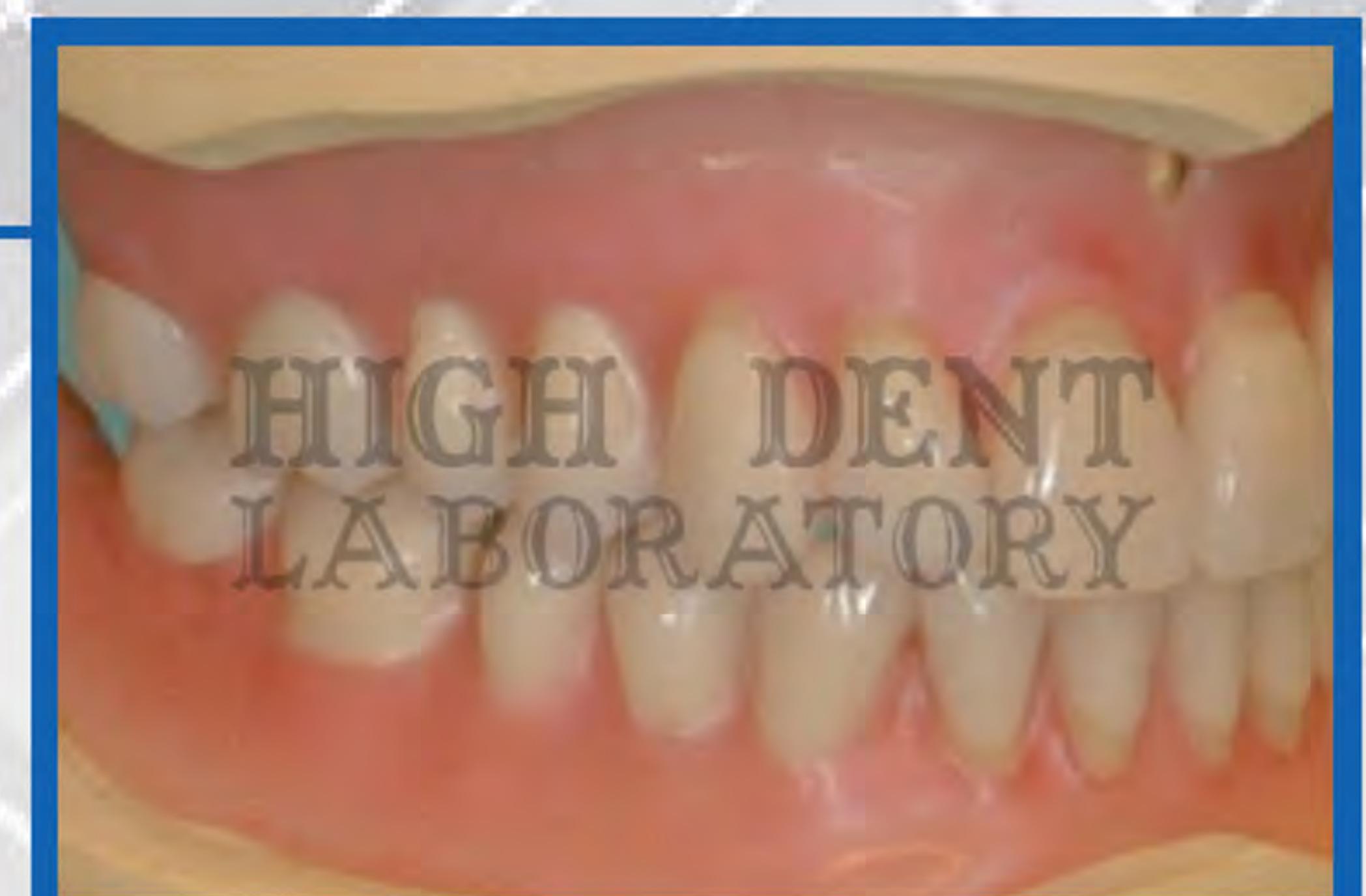
anatomic landmark

یک ساختار اتوومیک قابل تشخیص که به عنوان یک نقطه مرجع استفاده می‌شود.



anatomic occlusion

یک چیدمان اکلوزال برای پروتزهای دندانی که در آن سطوح جونده دندان های مصنوعی خلفی شباهت نزدیکی به دندانهای طبیعی سالم دارد و با سطوح مشابه دندانهای طبیعی با مصنوعی جفت می‌شود (articulate). همچنین گفته می‌شود anatomical occlusion



B



bar clasp

یک بازوی گیر که بدنه آن از یک اتصال دهنده اصلی یا بیس دنچر گسترش می یابد، از مجاور بافت های نرم عبور می کند و از یک مسیر ژنثیو و اکلوزال به دندان می رسد.



bar connector

یک قسمت فلزی که طول آن از عرضش بیشتر است و قسمت های یک پروتز پارسیل را به هم متصل می کند.



bar overdenture

یک پروتز که توسط یک نوار نگه داشته شده است.



bar retainer

یک بار فلزی که معمولاً بر سطح لینگوال دندان ها تکیه می کند و برای ثبات آنها و نیز به عنوان نگهدارنده فرعی عمل می کند.



basal

متعلق بودن به بستر (base) ، نزدیک به بستر.



bleach

سفید کردن دندان ها به روش شیمیایی.



blend

۱. انتقال تدریجی یک رنگ از شکل یا بافت به رنگ دیگر.
۲. ترکیب تدریجی رنگها برای تولید رنگی متفاوت.



block out

۱. حذف اندرکات های نامطلوب بر روی یک کست
۲. روند استفاده از موم یا ماده موقت مشابه در نواحی اندرکات یک کست به منظور باقی گذاشتن اندرکات های ضروری در ساخت برنامه ریزی شده یک پروتز. یک کست بلاک اوت شده ممکن است شامل سایر تغییرات سطحی مورد نیاز مربوط به ساخت پروتز باشد.



block out wax

- مومی که از آن برای مسدود کردن قالبها استفاده می شود.
- ۱- موم با درجه حرارت بالا که می تواند قبل از موم کاری با موم با درجه حرارت پایین، قالب را مسدود کند.
 - ۲- یک موم نرم و قابل استفاده ، که قبل از ریختن مدل به راحتی در قالبها شکل می گیرد. می توان از آن برای ساخت پایه ، ساخت اسپلینت یا قالب تزریق ، استفاده کرد.

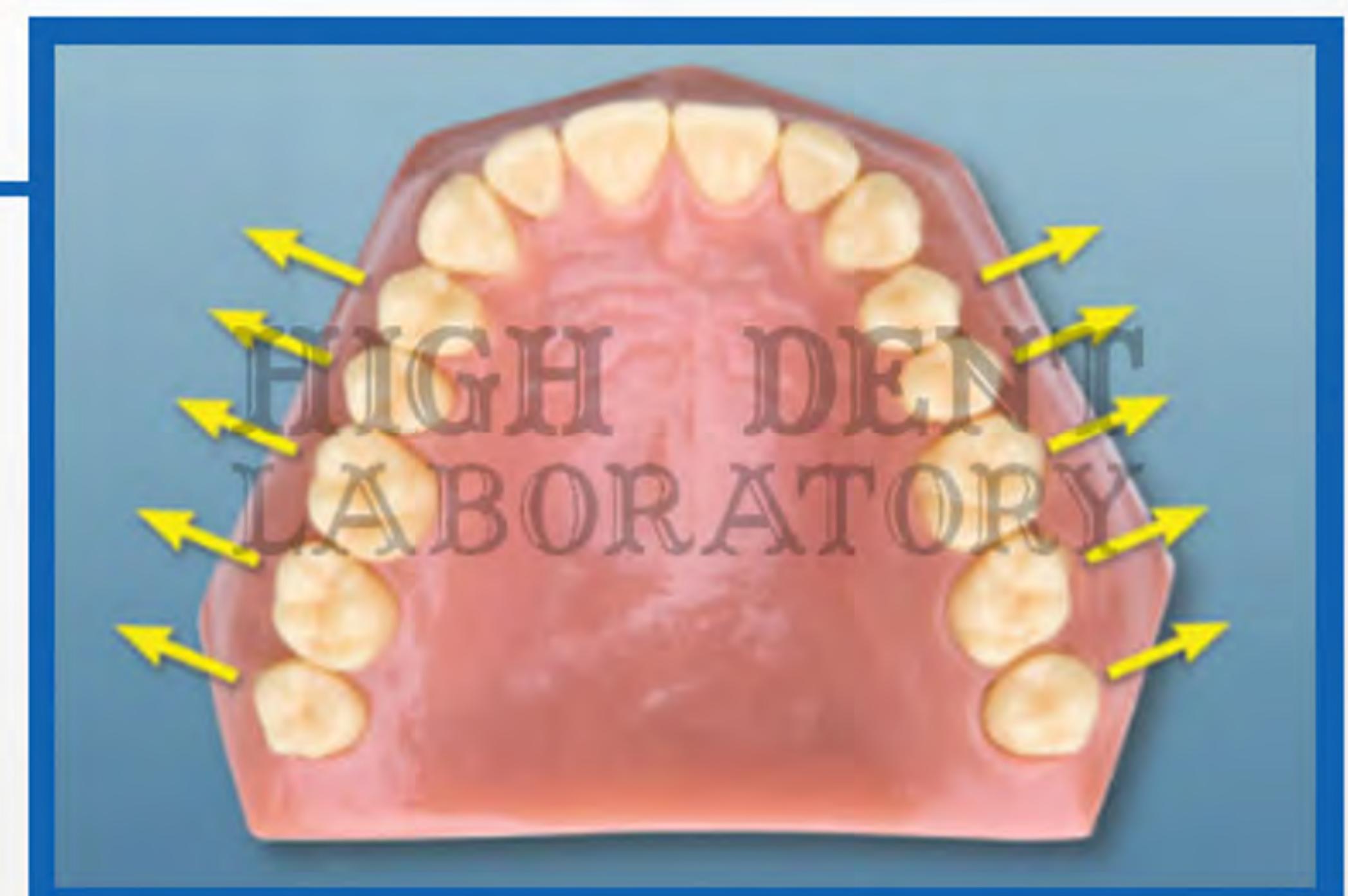


body porcelain

یک مخلوط پرسلن که برای تامین قسمت عمده حجم یک ترمیم سرامیکی به کار می رود.

buccal

متعلق بودن به گونه یا نزدیک گونه ، گونه ای



B

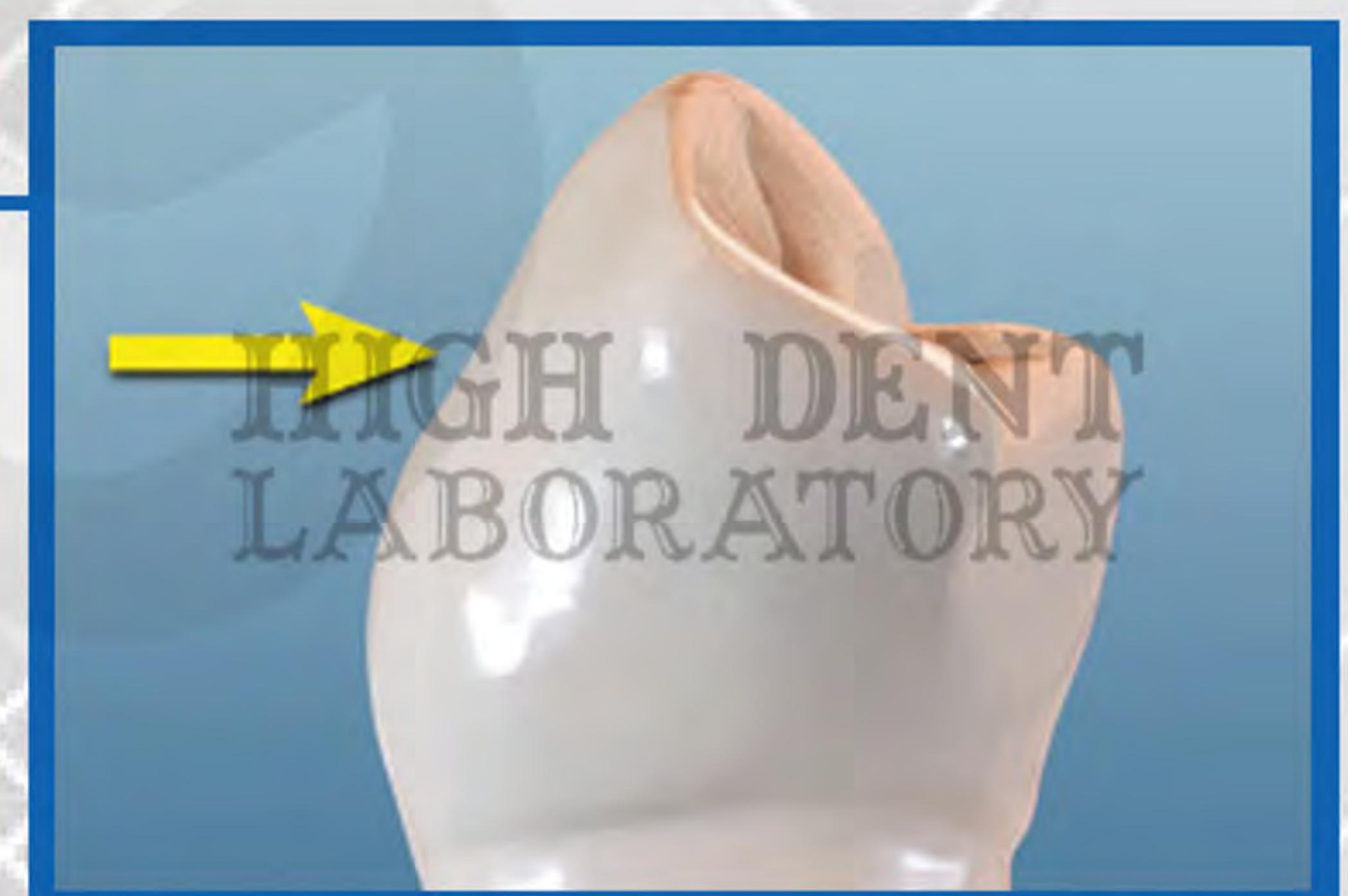
buccal corridor

جداسازی بصری بین گونه ها و سطح باکال دندانهای عقبی ، که در هنگام لبخند زدن فرد مشاهده می شود.



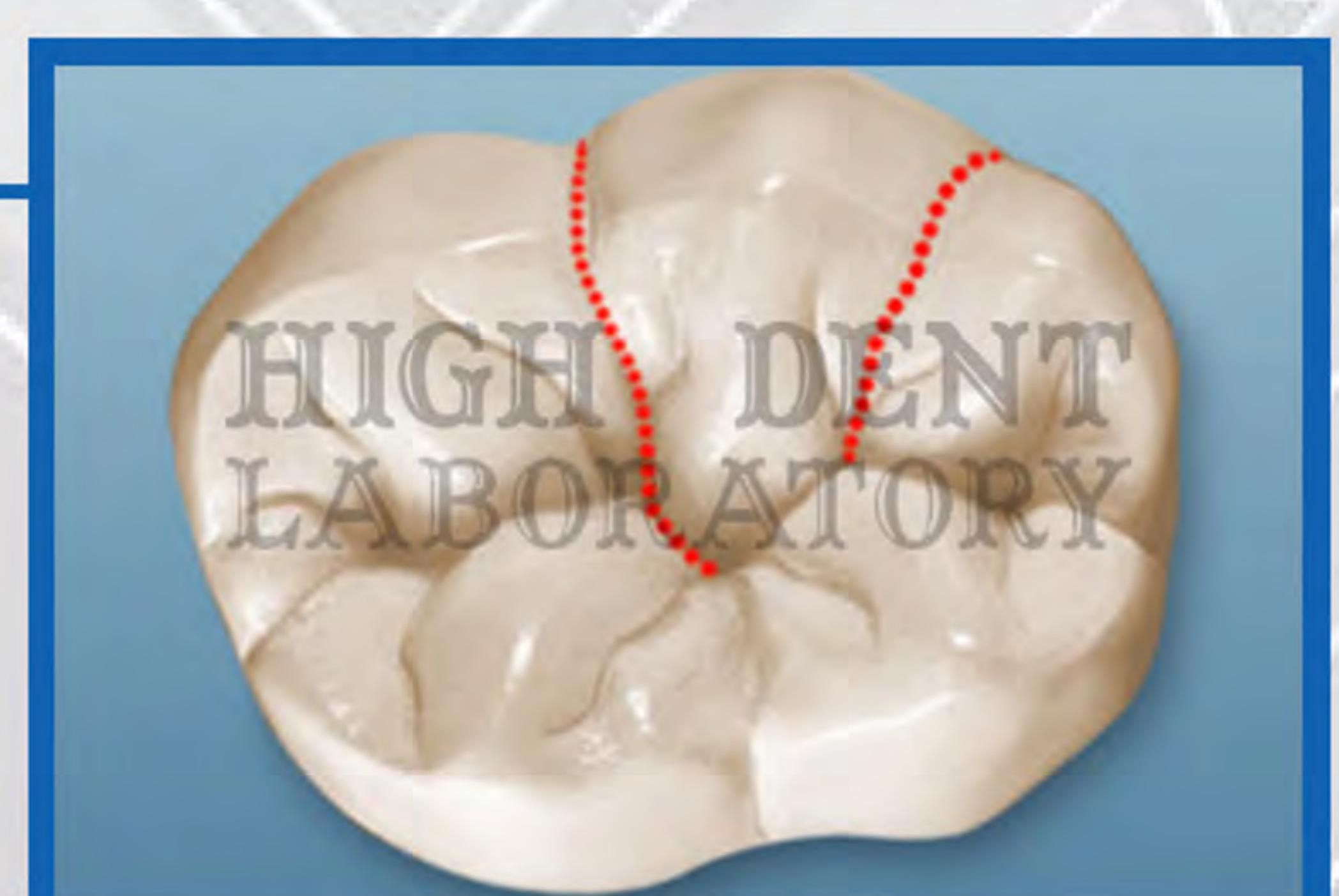
buccal depression

گودی کم عمق بر سطح باکال یک دندان عقبی در نزدیکی یک سوم میانی.



buccal dissectional groove

شیار جداکننده بر روی دندان آسیاب که از برش مرکزی شیار به سمت باکال عبور می کند ، قفسه های باکال را جدا کرده و تا سطح باکال ادامه می یابد.



buccal embrasure

فضای ۷ شکل بین سطوح منحنی پروگزیمال دندانهای خلفی مجاور، باکال تا سطح تماس دندان ها.



buccal pouch

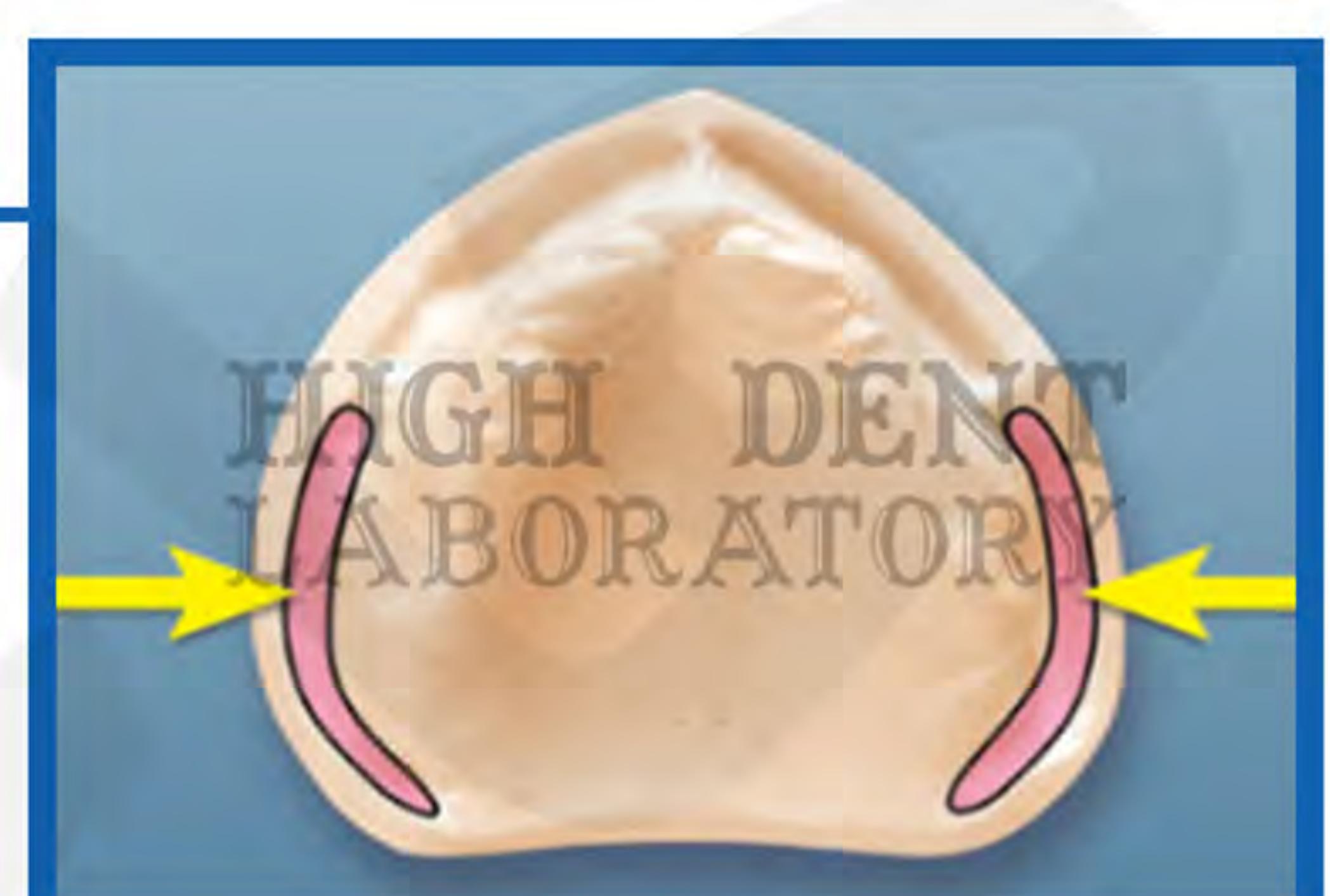
- فضای بین گونه و پروسه آلوئولار.
- انتهای عقبی دهليز باکال که اغلب در بیماران مسن در ناحیه آسیاب اول مدل فوقانی دیده می شود. در ساخت دندان مصنوعی بسیار مهم است به طوری که پروتز فوقانی در روند کورونوئید راموس اختلال ایجاد نکند.



B

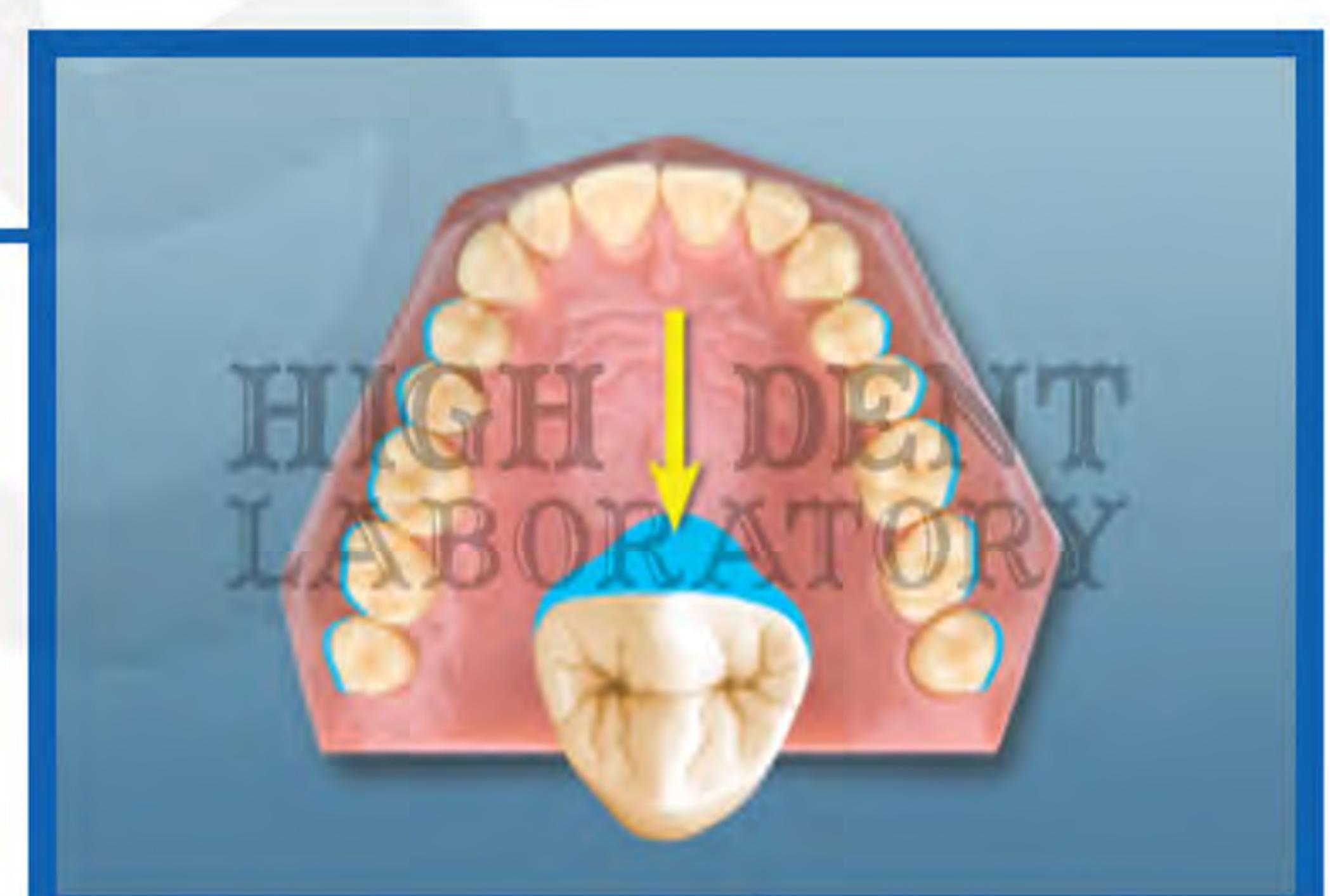
buccal sulcus

- گودی بین گونه و روند آلوئولار هر فک ، که از چین غشایی باکال شروع می شود و تا قسمت پشت دهان گسترش می یابد.



buccal surface

سطح دندان خلفی رو به روی گونه



buccal vestibule

بخشی از حفره دهان که از یک سمت به دندان ها ، لثه و ریج آلوئولار (در افراد بی دندان، ریج باقیمانده) و از سمت جانبی به گونه در خلف فرنوم های باکال محدود شده است .



buccinator

عضله پهن و نازک گونه ، که گونه را صاف کرده و گوشه های دهان را جمع می کند. در ناحیه آسیاب به به فک پایین و فک بالا و رباط گلو متصل می شود و الیاف آن تا داخل orbicularis oris گسترش می یابد.





burnout

روند از بین بردن الگوی مومی از قالب توسط حرارت.



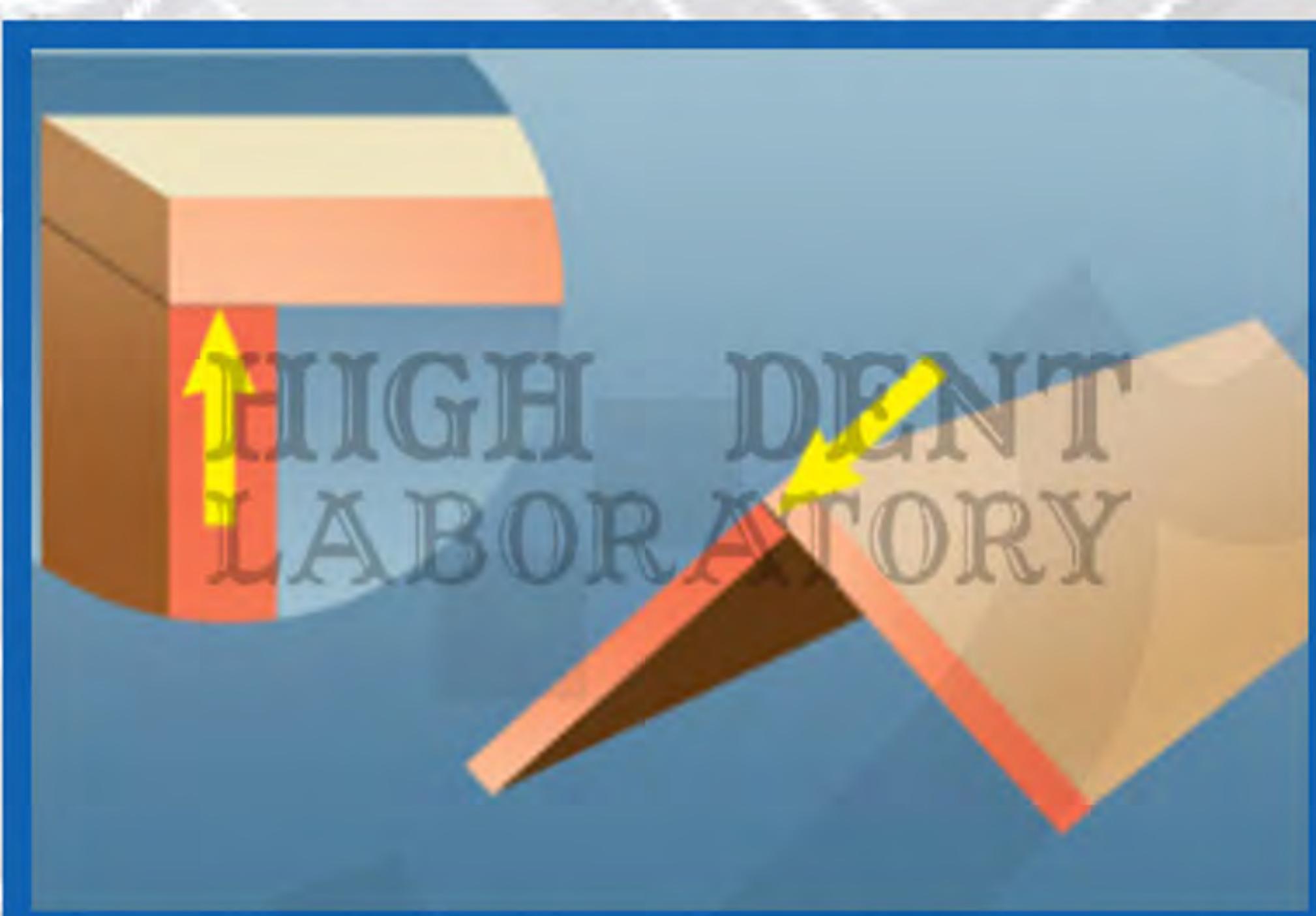
burnout furnace

کوره ای که برای از بین بردن موم از قالب در مرحله آماده سازی ریخته گری استفاده می شود.



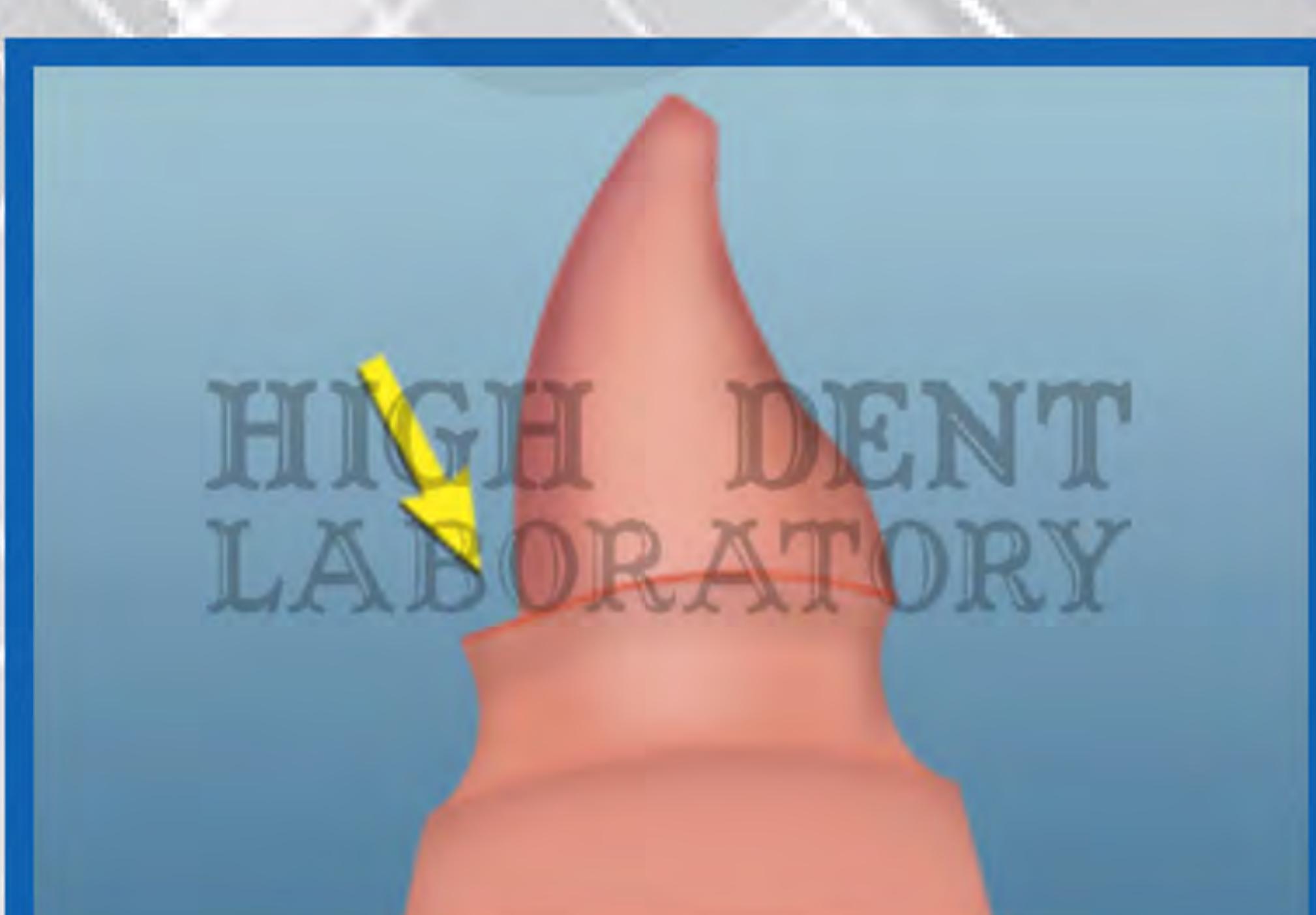
burnout temperature

دمایی که برای از بین بردن موم و گسترش و آماده سازی قالب برای ریخته گری به درستی به دست می آید ، عموماً در محدوده ۹۰۰ تا ۲۰۰۰ درجه فارنهایت است.



butt joint

مفصل تشکیل شده توسط دو سطح به طور مربعی در کنار هم قرار گرفته و بدون همپوشانی است.



butt margin

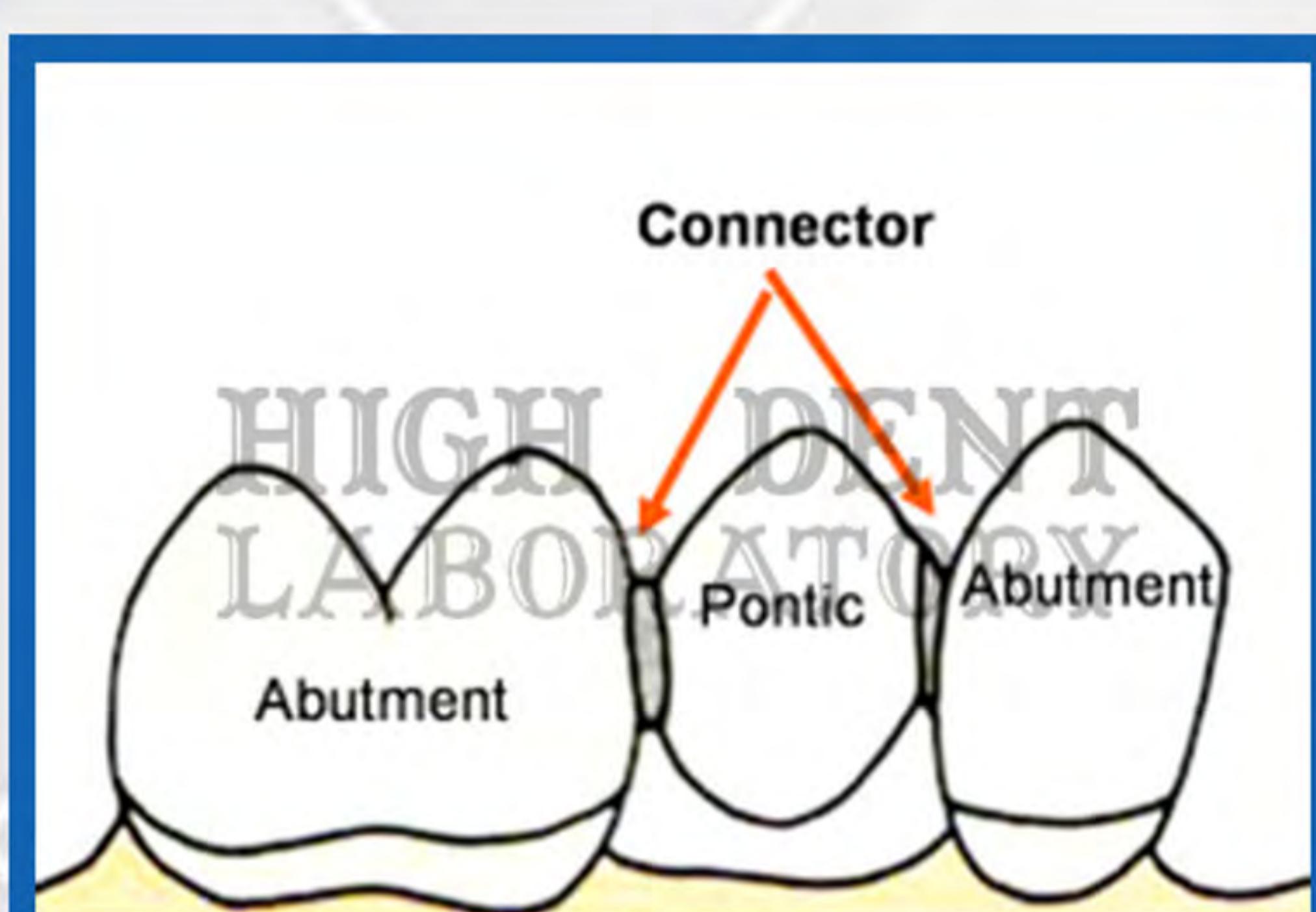
۱. آماده سازی که در آن دیواره محوری از حاشیه لثه برداشته می شود و یک پله را در حدود ۹۰ درجه از عمودی می گذارد.

۲. چینی برای ترمیم فلز با چینی که تمام راه را برای آماده سازی مارجین بسط می دهد و هیچ فلزی در معرض آن باقی نمی ماند.



cast clasp

یک کلاسپ (بازو) پروتز متحرک که با روش ریختگی حذف موم ساخته شده است.



cast connector

یک اتصال فلزی ریختگی بین نگهدارنده (ها) و پونتیک (ها) در یک پروتز ثابت



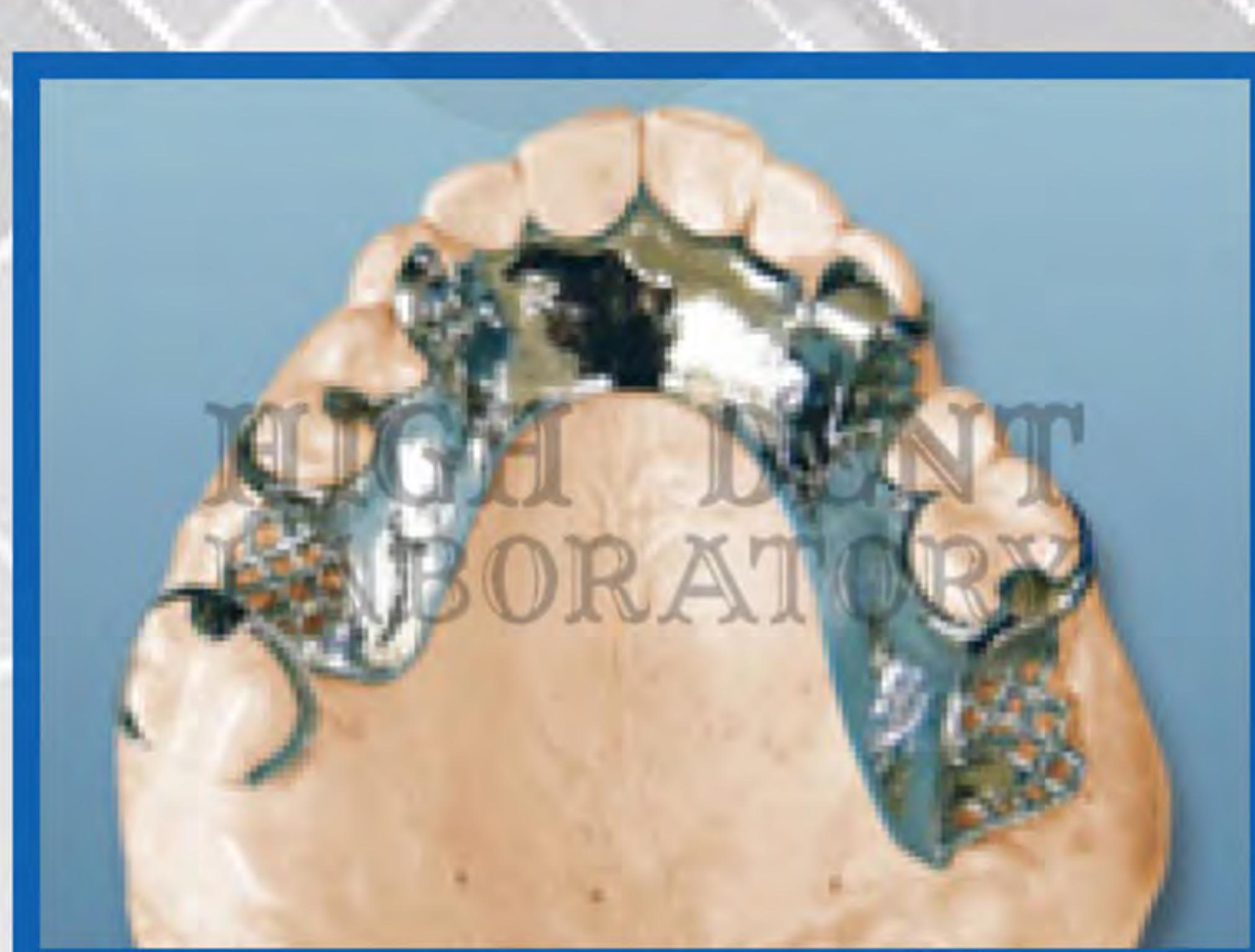
cast metal

ترمیم دندان با روش ریخته گری موم از دست رفته ساخته شده است



cast metal core

ترمیم زیرساخت (foundation) که به صورت غیر مستقیم با روش حذف موم برای یک پروتز ثابت ساخته می شود.



cast partial

پروتز جزئی متحرک از چارچوب چدن که از چارچوب فلزی تشکیل است که معمولاً حاوی دندان‌های مصنوعی در یک رزین اکریلیک می باشد.

اطلس لغات و اصطلاحات دندانسازی



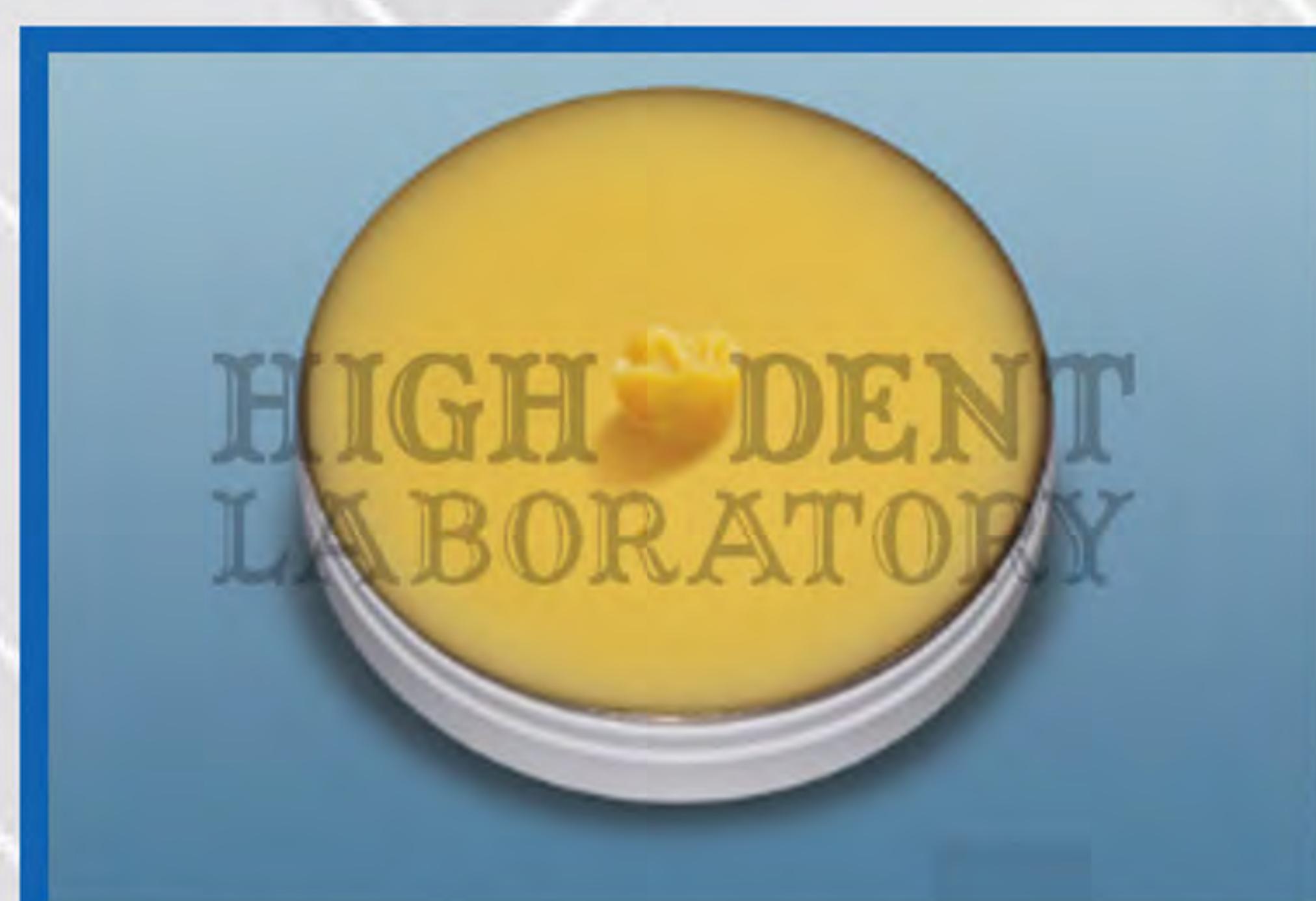
casting machine

ماشینی که در آن مواد مذاب با کمک نیروی گریز از مرکز ، وزن ، فشار و / یا خلاء در قالب ها ریخته می شوند.



casting ring

یک لوله فلزی که در آن یک مولد refractory جهت ریختگی ترمیم های دندانپزشکی ساخته می شود.



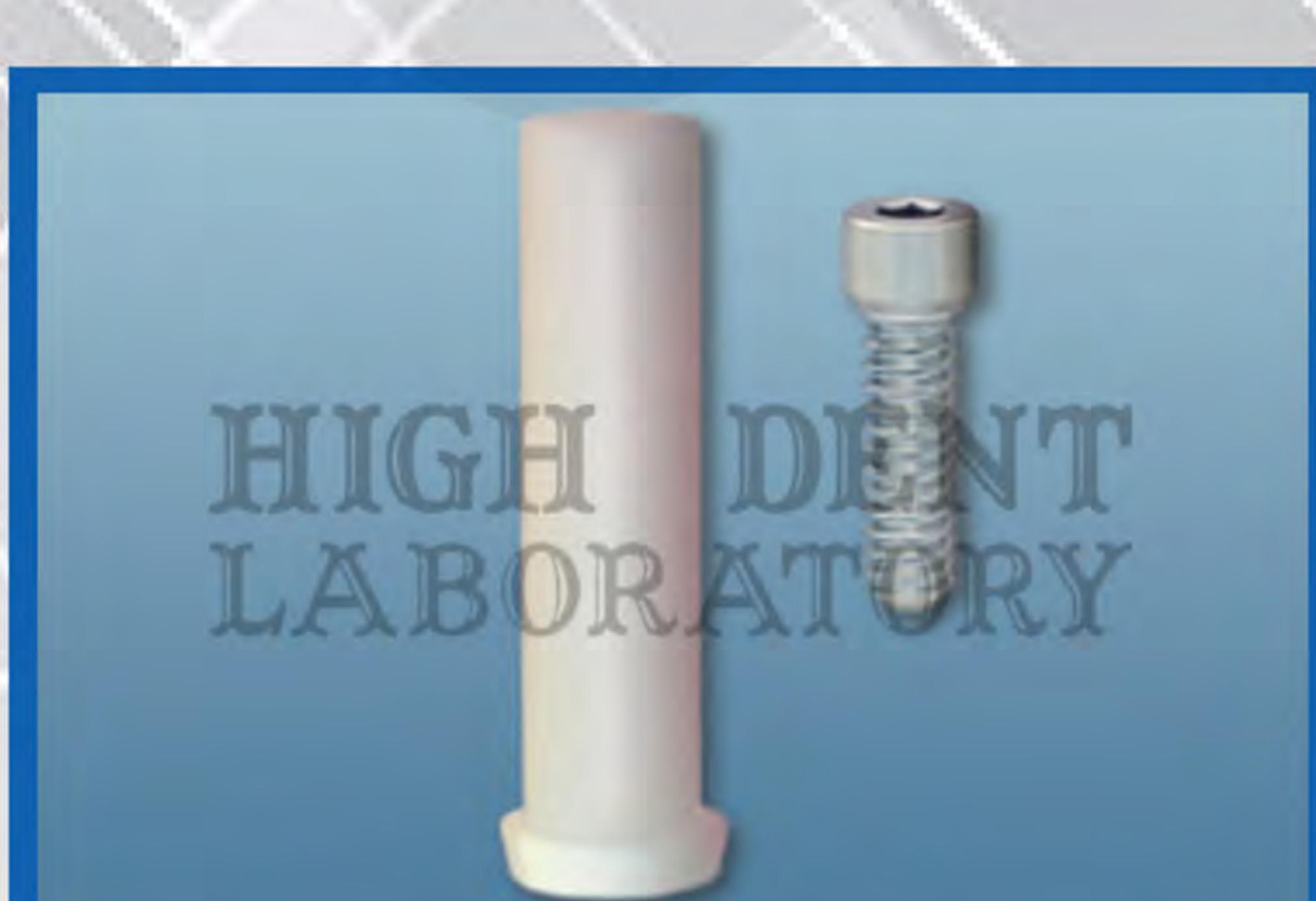
casting wax

یک ترکیب متشکل از موم های مختلف با خصوصیات مطلوب جهت ساختن الگو های مومی که تبدیل به ریختگی های فلزی می گردد.



cast-to

تکنیکی که قطعات سفارشی موم کاری شده و مستقیماً به اجزای فلزی معین ریخته می شوند ، نه اینکه بعداً لحیم کاری یا جوش داده شوند.



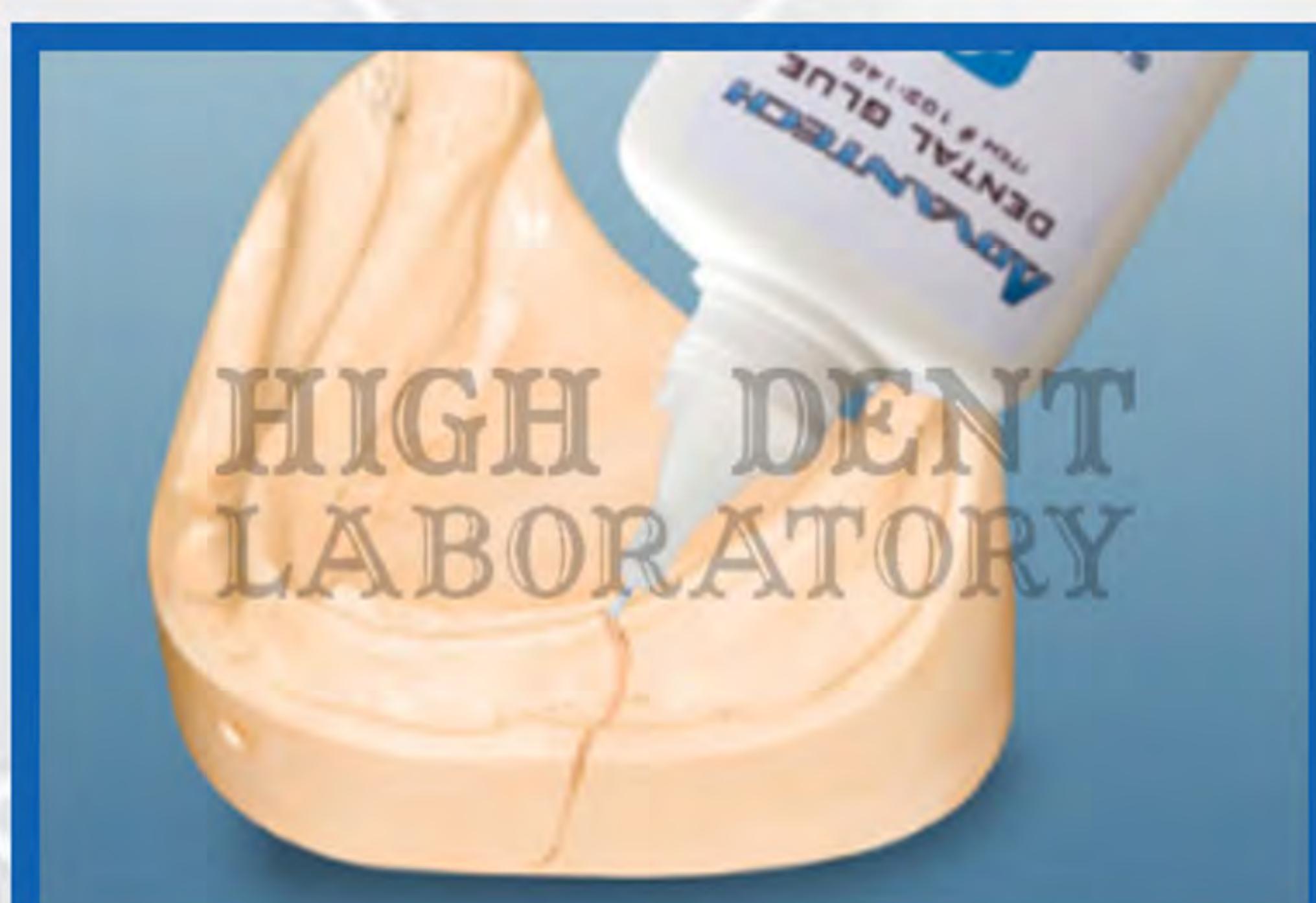
cast-to abutment

پایه ایمپلنت که با استفاده از تکنیک cast-to به صورت سفارشی قابل انجام است. کامپوننت یک پایه مومی یا پلاستیکی برای ساپورت کردن از ترمیم آینده، اصلاح شده است و سپس در فلز ریخته گری می شود.



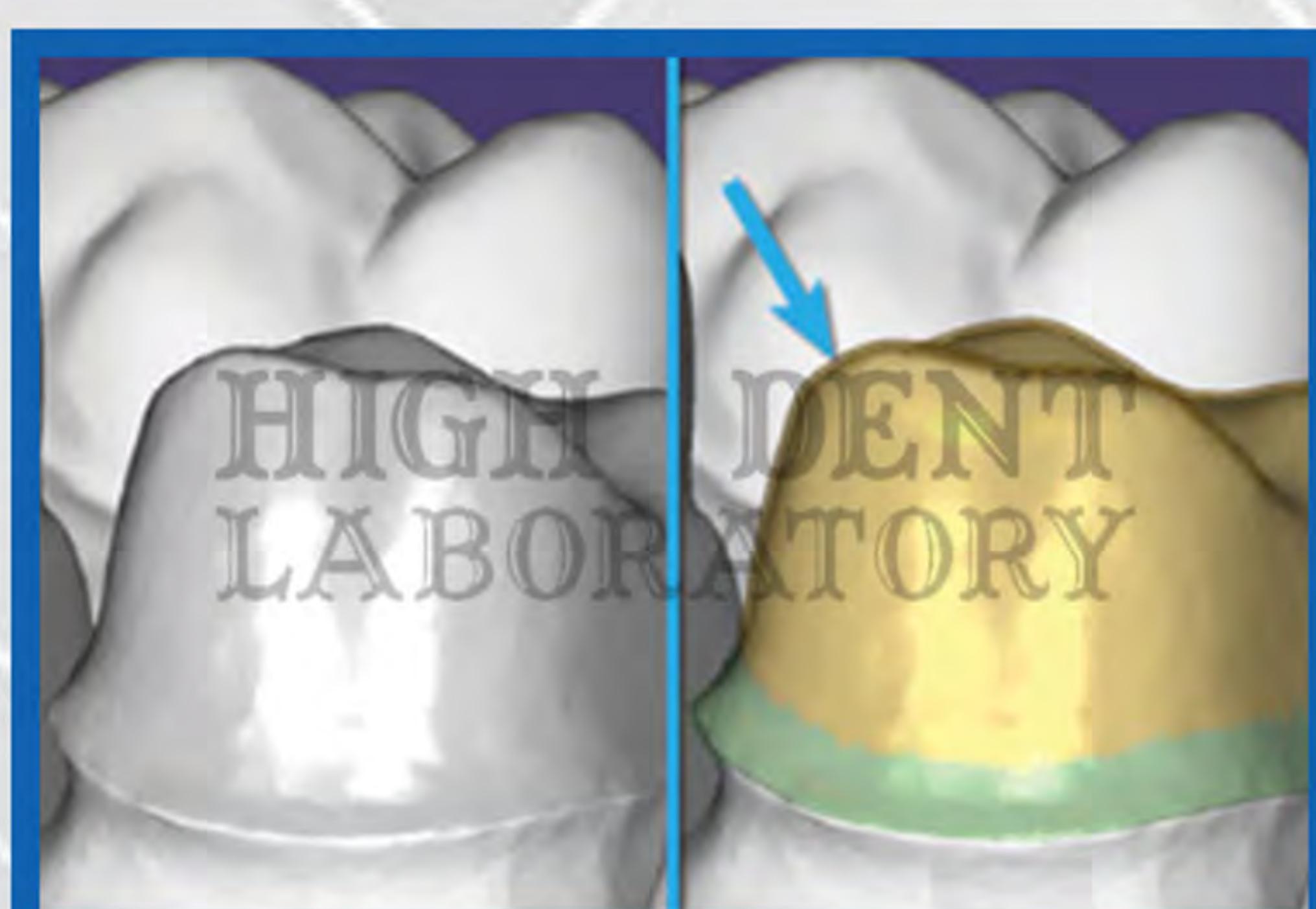
CEJ

جایی که سیمانه دندان و لشه با هم یرخورد می کنند.
مخفف: cemento-enamel junction



cement

یک ماده که با سفت شدنش ، یک فضا را پر ، و یا اجسام مجاور را به هم متصل می کند .
یکی کردن یا محکم کردن توسط سمان ، چسباندن .



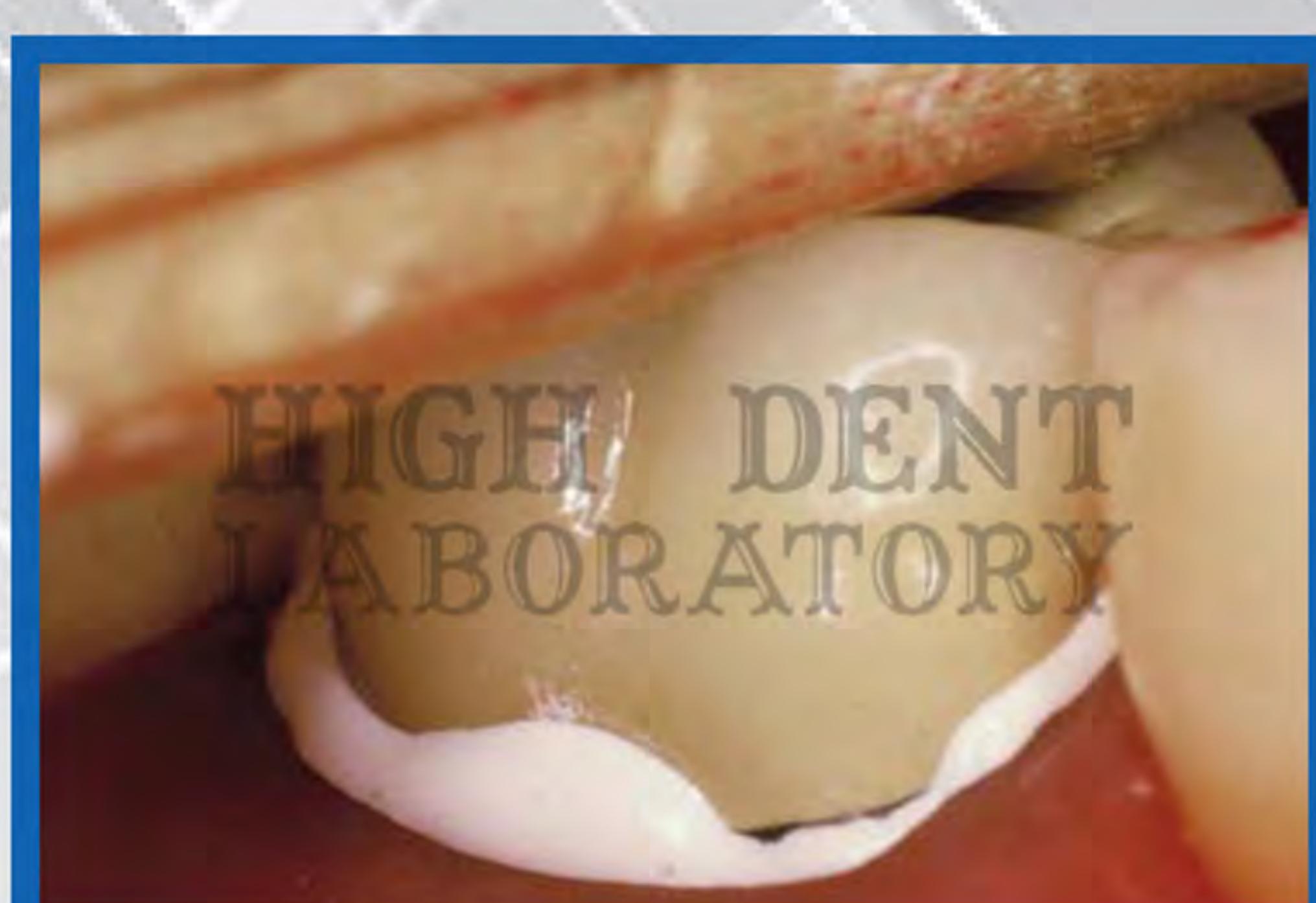
cement gap

فضایی که در داخل ترمیم ثابت قرار دارد ، ضخیم تر از بدنه آماده سازی و در حاشیه، باریک تر است ، تا فضای سیمان فراهم شود. بدون چنین شکافی ، تاج به دلیل ضخامت اشغال شده سیمان کاملاً روی دندان نمی ماند.



cement retained

ترمیم دندان که توسط سیمانه حافظت می شود.



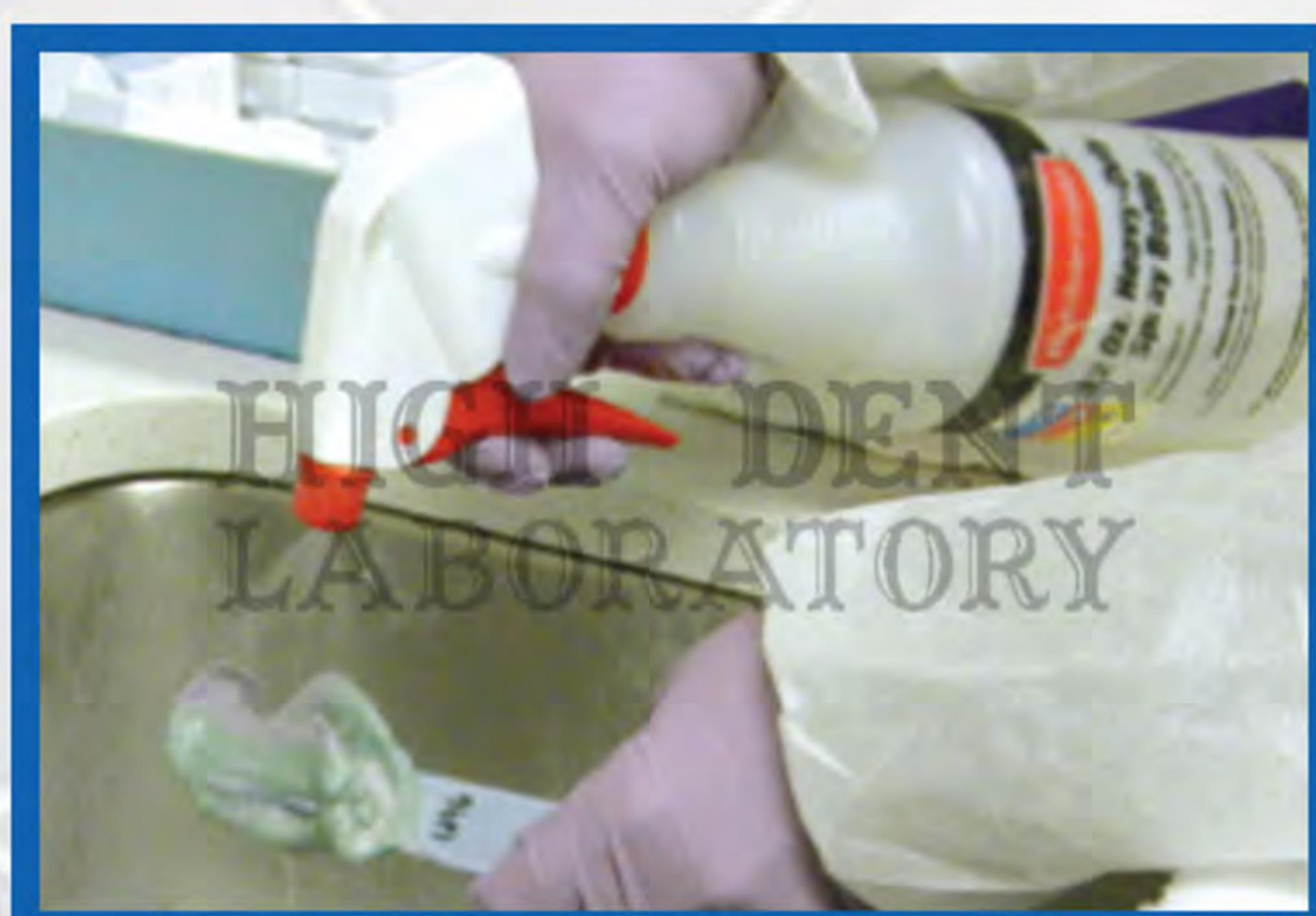
cementation

1. روند اتصال اجزا توسط سمان
2. اتصال یک ترمیم به دندانهای طبیعی توسط سمان



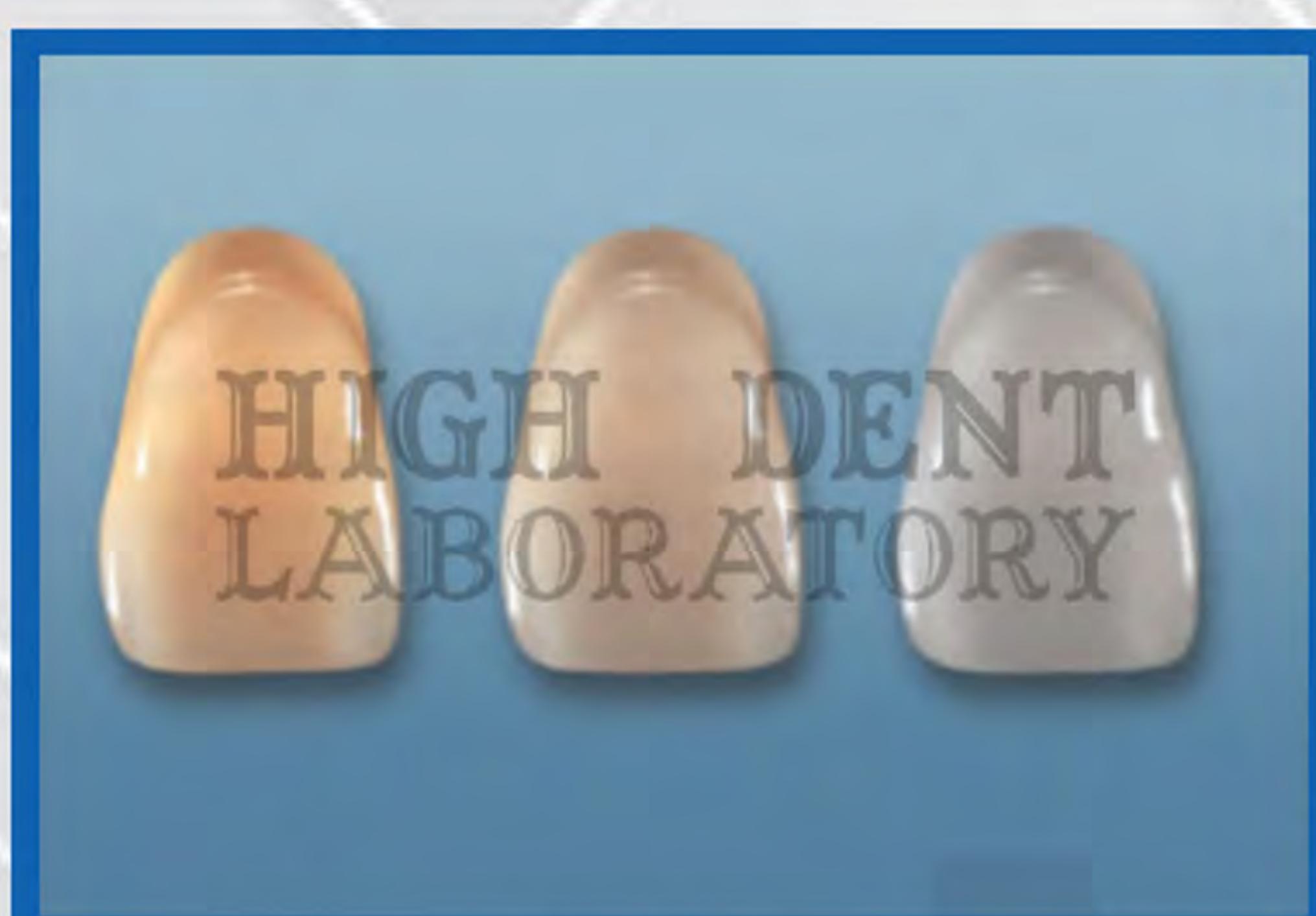
check line

- ترک مینای دندان ، که معمولاً به صورت عمودی در دندان طبیعی قرار دارد.
- ترک در ترمیم پرسلن ناشی از فشارهای داخلی.



chemical disinfectant

یک ماده شیمیایی برای ضد عفونی سطح استفاده می شود.



chroma

- خلوص یک رنگ، یا فاصله آن از سفید یا خاکستری
- شدت یک هیو (hue) مشخص، میزان اشباح یک هیو
- کرومای بیانگر میزان قدرت یا اشباح هیو (رنگ) می باشد.



chroma dentin

پرسلن نیمه مات که برای پوشش دادن انتقال از پرسلن با بدنه شفاف به یک پرسلن مات یا شفاف استفاده می شود.

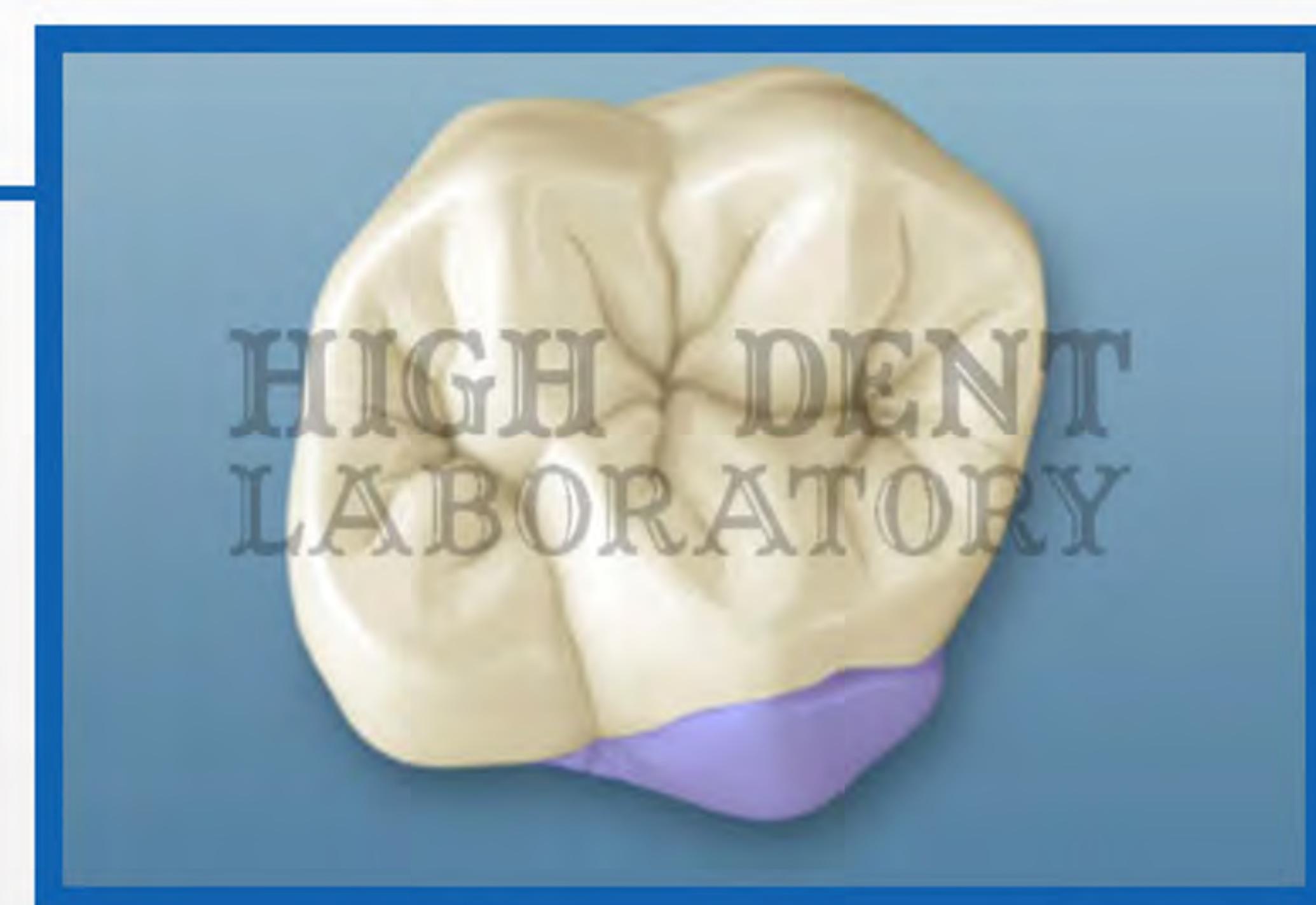


chrome cobalt

یک آلیاژ غیر قیمتی از کروم و کبالت با استحکام و پولیش بسیار بالا با قابلیت ریخته گری و آسیاب شدن و برای چارچوب های تاج و پل ، پایه ایمپلنت و پروتزهای جزئی استفاده می شود.

cusp of Carabelli

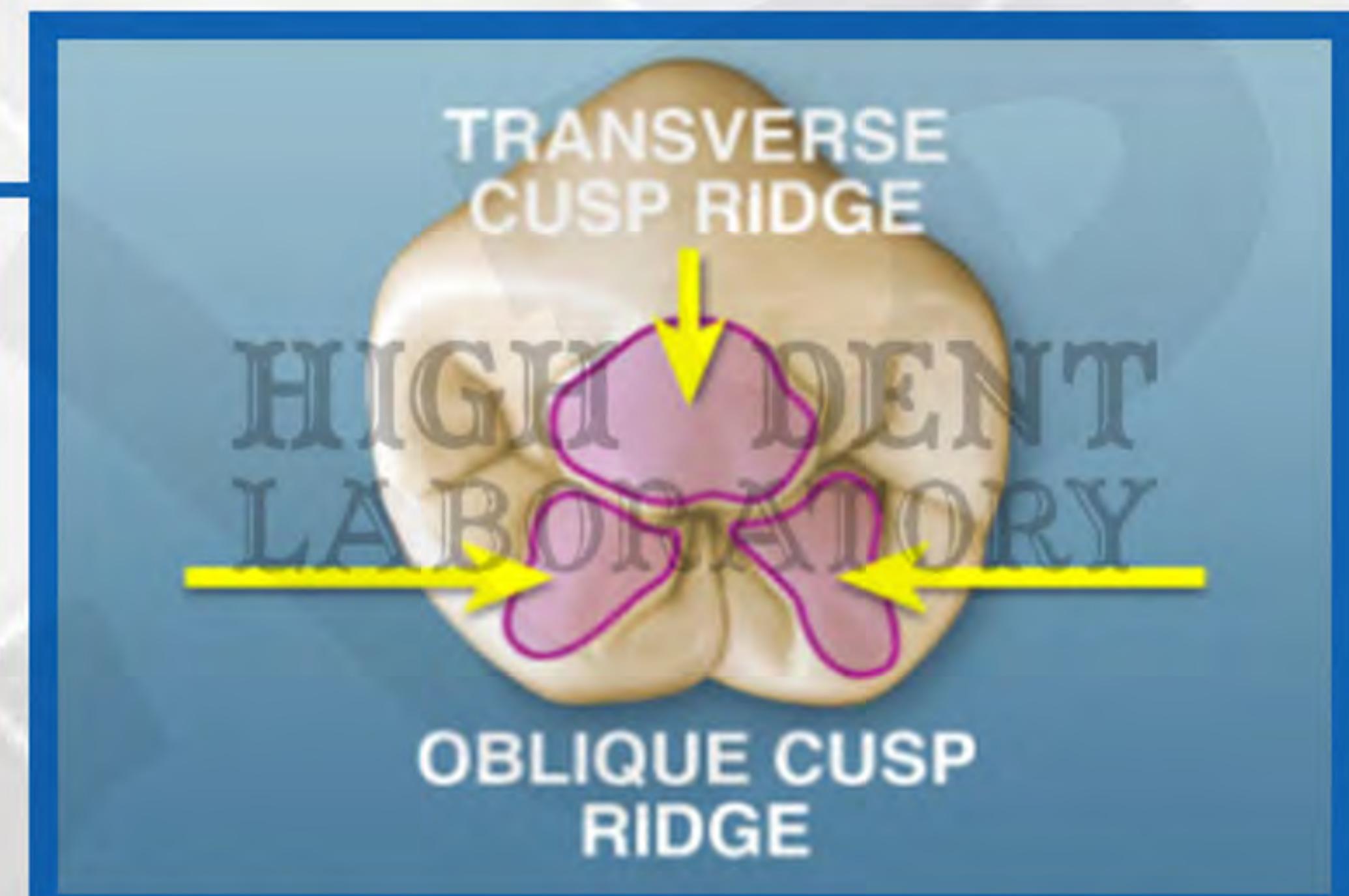
برآمدگی برجسته شده بر بالای mesio-lingual از یک دندان آسیاب فوقانی ، که اغلب در آسیاب اول فوقانی دیده می شود.



C

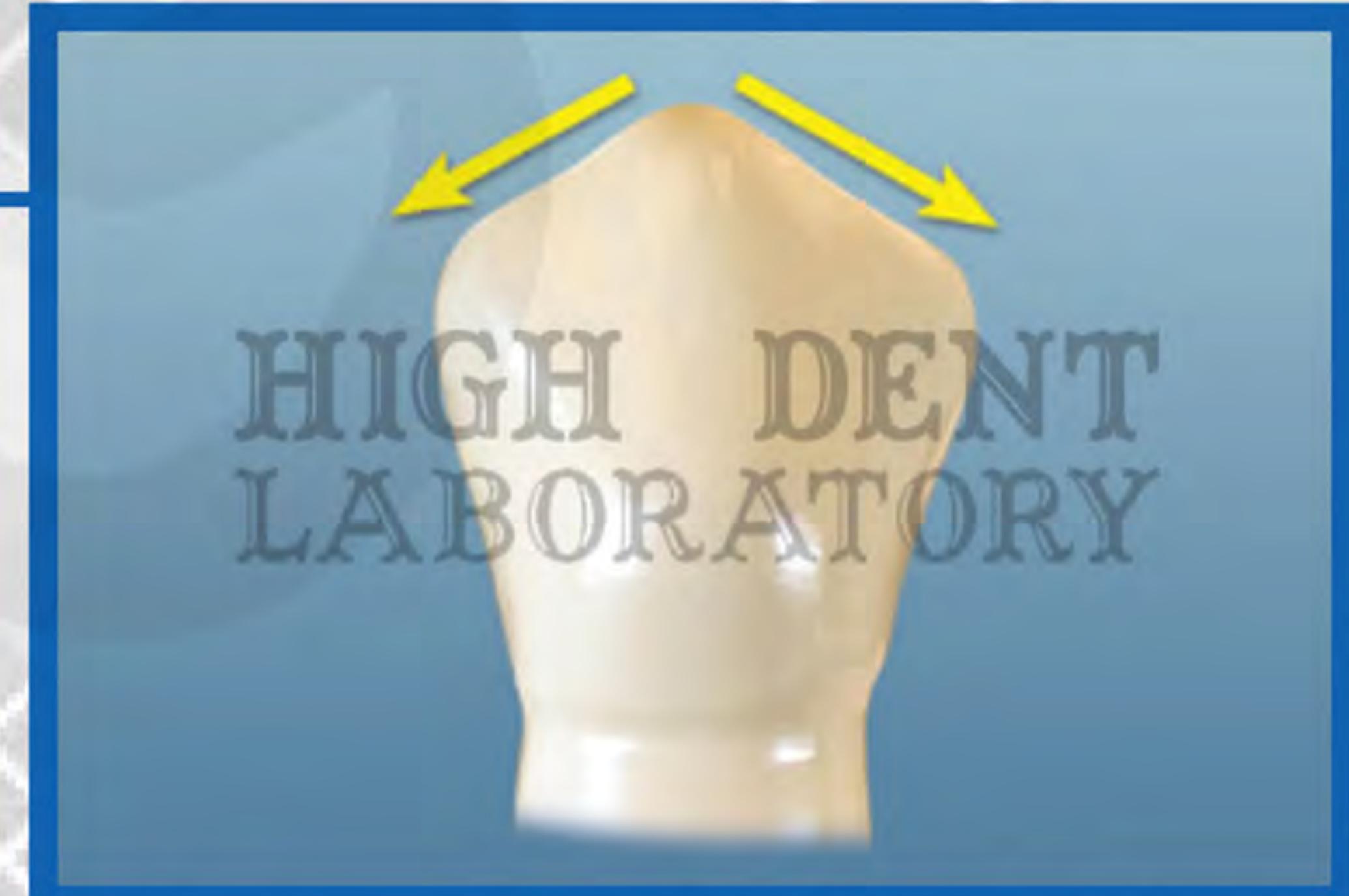
cusp ridge

قسمت بالایی از سطح اکلوزالی دندان خلفی که از یک نوک شکاف به سمت شیار دیسکشنال مرکزی حرکت می کند. نوک های شفاف یا عمود بر شیار برش مرکزی (عرضی) یا با زاویه (مورب) اجرا می شوند.



cusp slope

ضلع های مزیال و دیستال ، که با زاویه تا ۴۵ درجه شیب دارد.



cusp tip

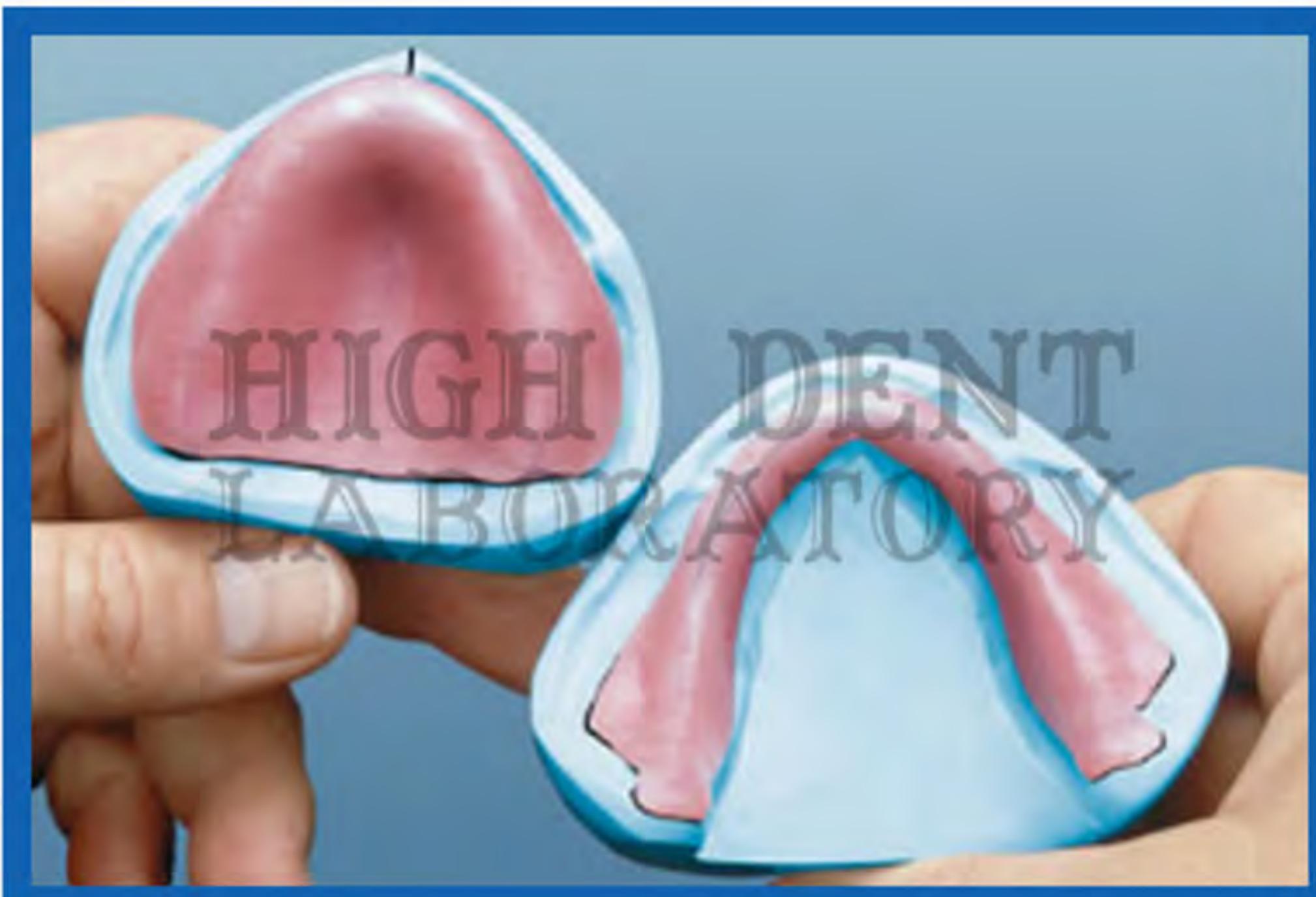
بالاترین نقطه از یک نوک تیز.



cusp-fossa articulation scheme

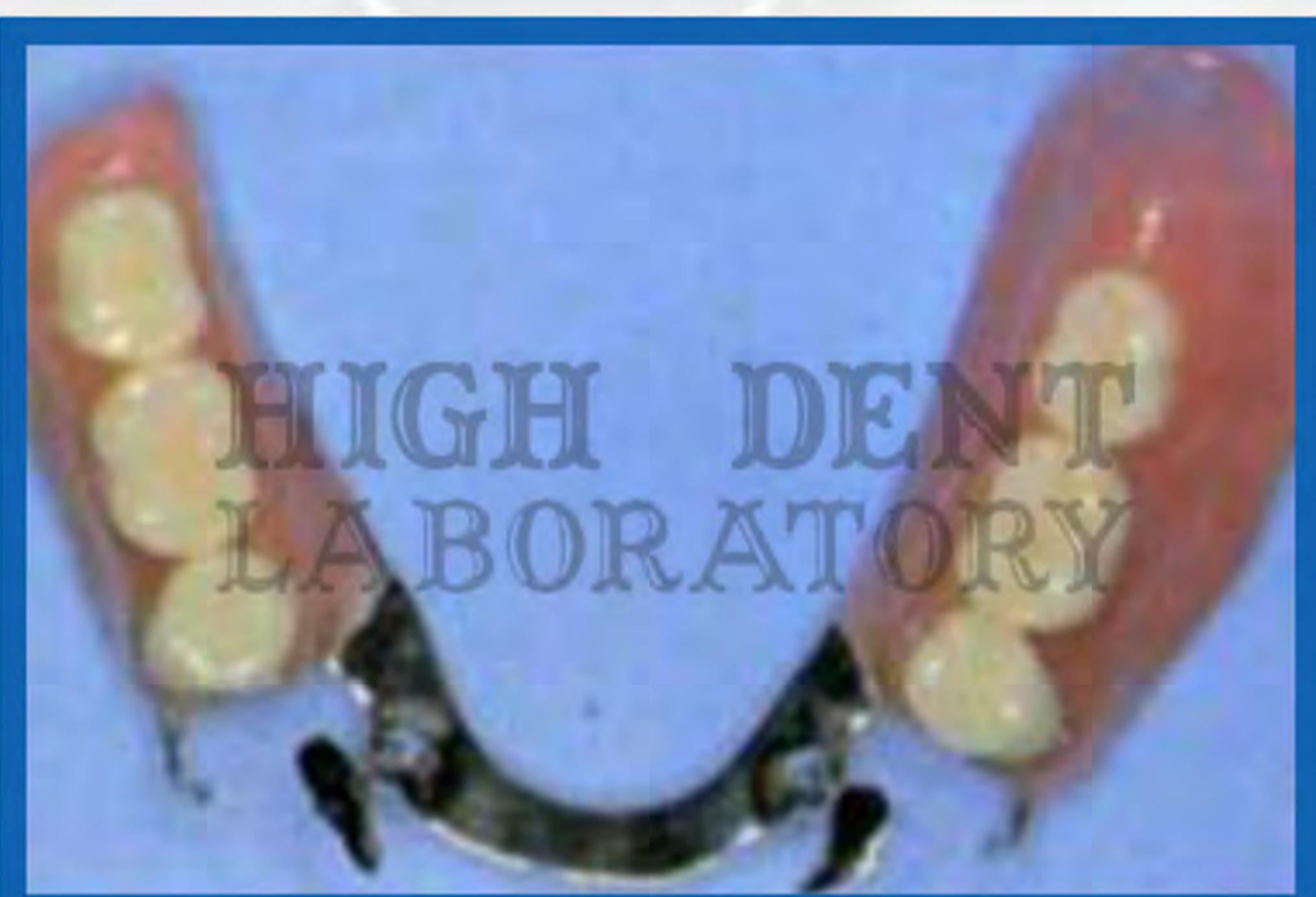
نوعی قرارگیری اکلوزال که در آن کاسپهای سنتریک فک بالا و پایین در موقعیت حداکثر تماس بین کاسپی، در فوشهای مقابل قرار می گیرند.





denture base

بخشی از دنچر که بر روی ساختارهای زیر بنایی تکیه می کند و دندان ها به آن متصل هستند.



denture base saddle

۱. بخشی از یک دنچر که بر روی مخاط دهانی قرار می گیرد و دندان ها به آن متصل هستند.

۲. بخشی از یک دنچر کامل یا پارسیل که بر روی بازال سیت تکیه می کند و دندان ها به آن متصل هستند.



denture border

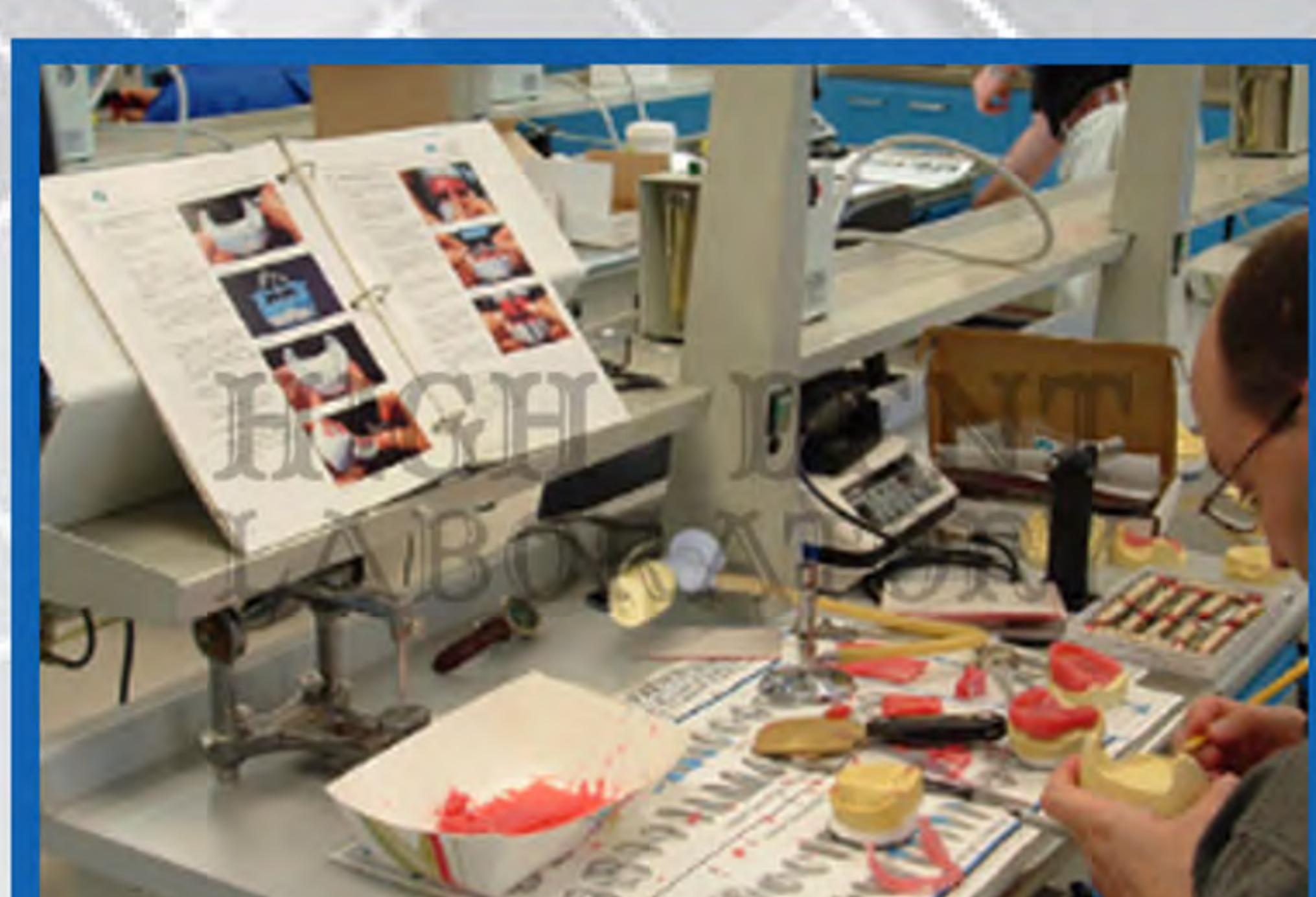
۱. لبه دنچر بیس در محل اتصال سطح پالیش شده با سطح قالب گیری دنچر

۲. لبه محیطی یک دنچر بیس در محدوده فاسیال ، لینگوال و نواحی خلفی



denture characterization

تغییر فرم و رنگ دنچر بیس و دندان ها جهت ایجاد ظاهری طبیعی تر و زنده تر



denture department

بخش آزمایشگاه دندانپزشکی که پروتزها را می سازد.

die prep

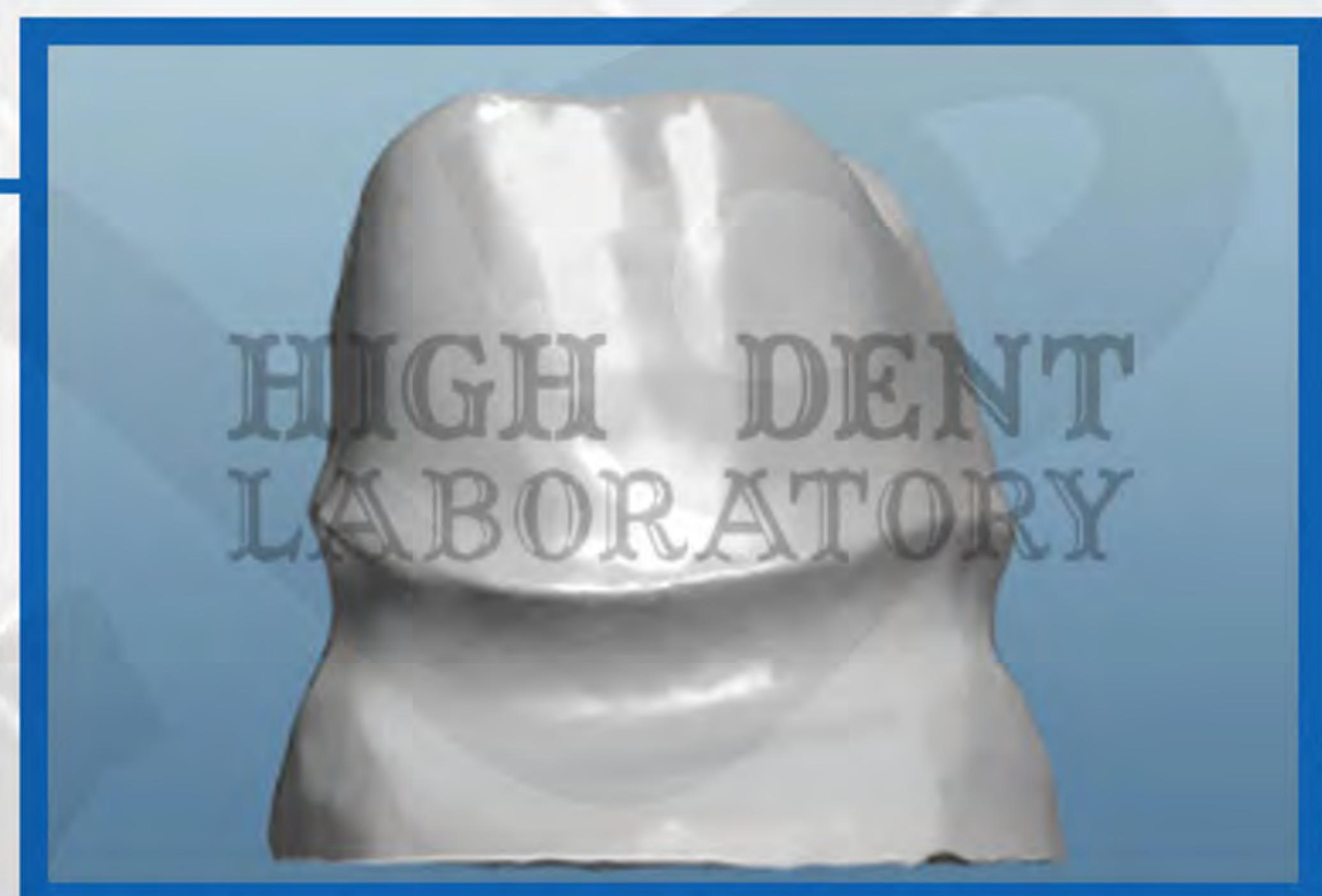
اصطلاحی برای توصیف نظم و انضباط مدلهای ریخته شده برای ساخت یک مرمت ، شامل مارک مارژین ، اضافه شدن درزگیرها ، سخت کننده ها و اسپیسرهای قالب.



D

die scan

۱. یک اسکن به نمایندگی از یک قالب شخصی.
۲. عمل اسکن یک قالب شخصی.



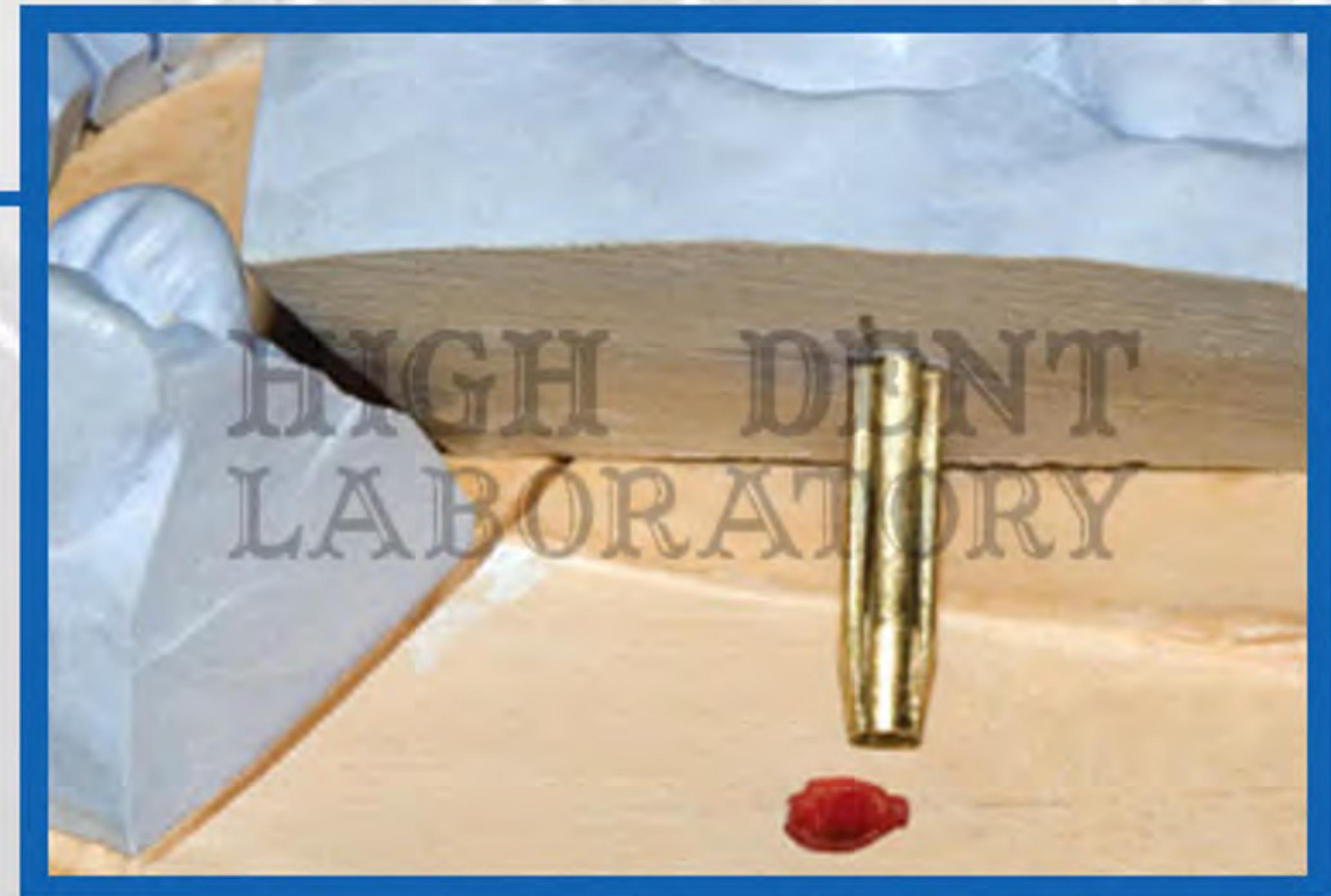
die sealer

یک درزگیر بکار رفته بر روی یک قالب سنگی برای آب بندی منافذ موجود در سنگ، سخت شدن سطح و محافظت از حاشیه.



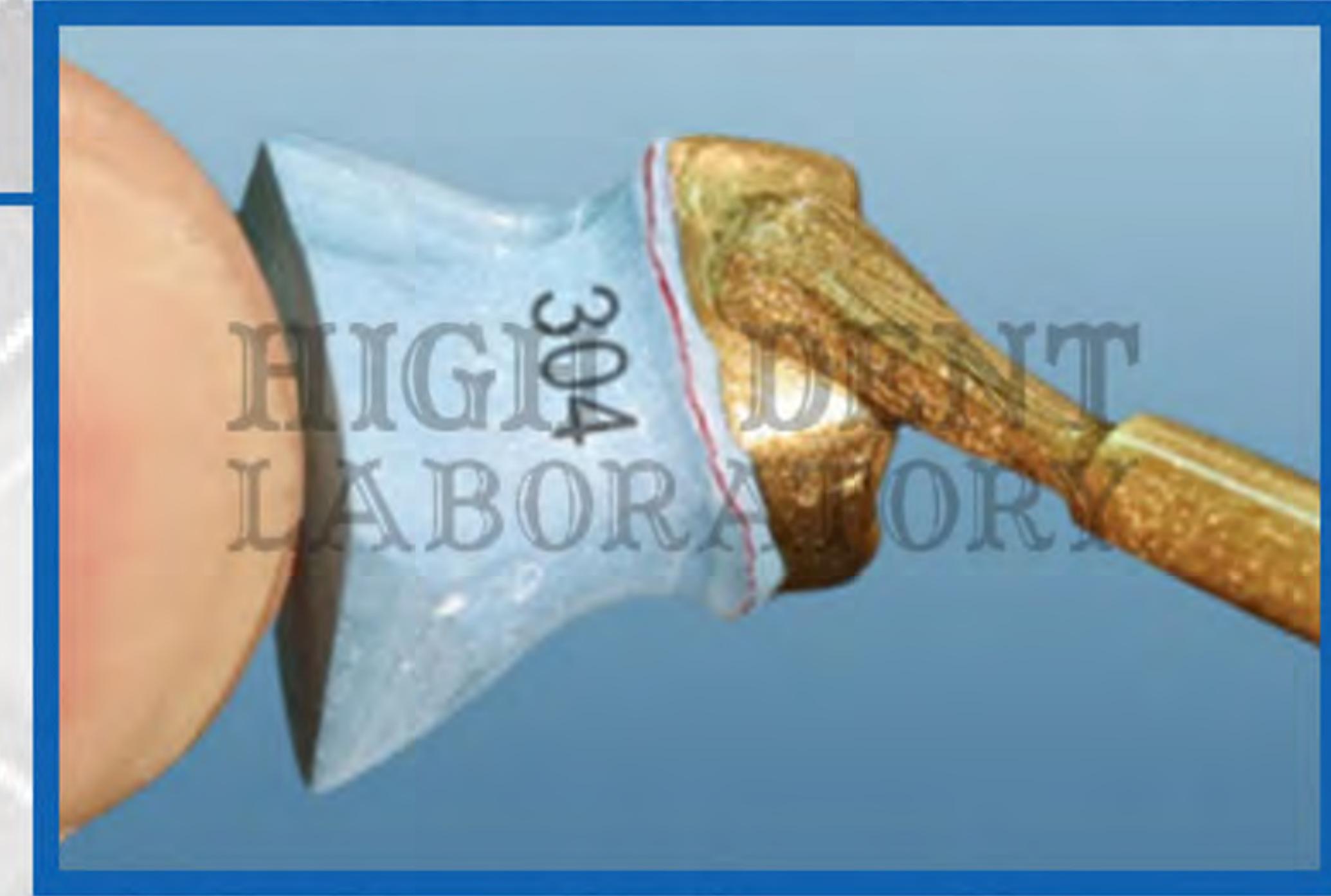
die section

بخش متحرک از یک مدل. این بخش ممکن است شامل یک دندان منفرد، چندین دندان یا یک ناحیه بی دندان باشد.



die spacer

ماده ای که به منظور تامین فضا برای ماده چسباننده در ریختگی نهایی، بر روی دای آغشته می شود.





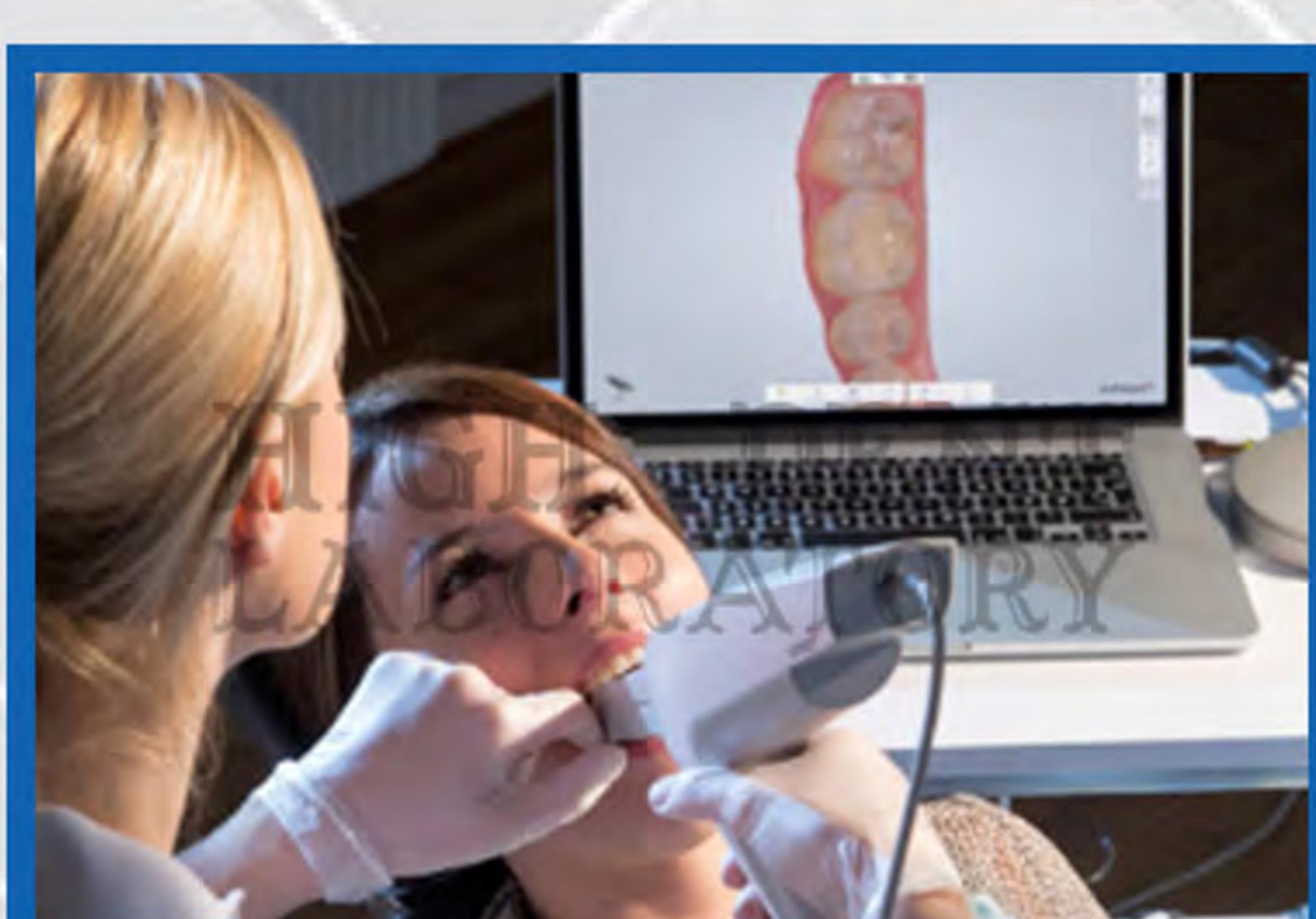
die stone

سنگی بادوام و محکم که به دلیل استحکام در مدلهاهی دندانهای آماده استفاده می شود.



digital

1. مربوط به اطلاعاتی است که به عنوان مجموعه ای از اعداد ذخیره می شود.
2. استفاده یا مربوط به فناوری رایانه.



digital impression

اسکن دیجیتالی از دهان که می تواند در آن ترمیم دیجیتال طراحی شود، جایگزین نیاز به برجسته سازی فیزیکی می شود.



digital model

بازنمایی دیجیتالی دهان یا دندانهای تولید شده توسط اسکنر



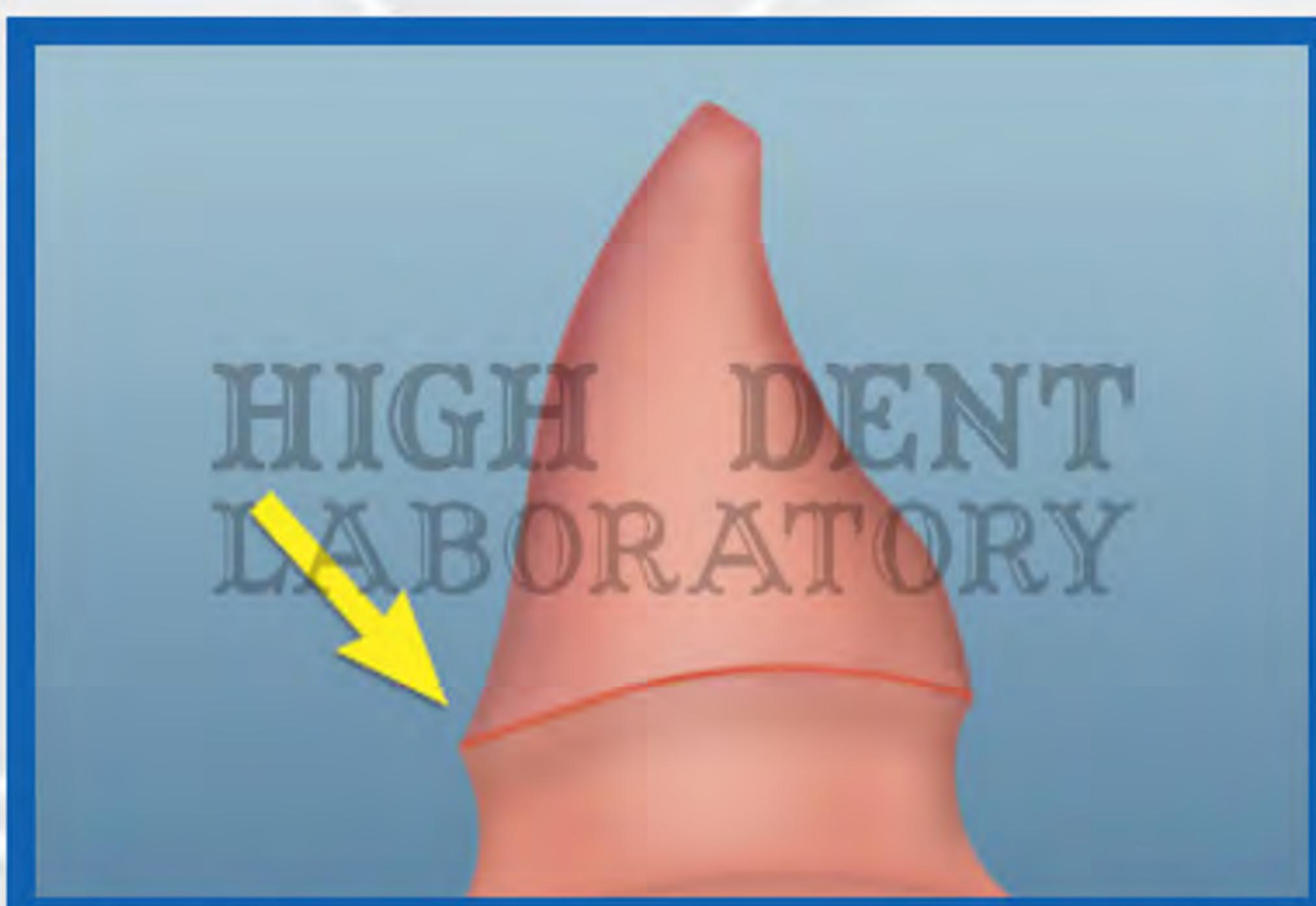
digital restoration

ترمیم دندان که کاملاً یا جزئی از رایانه ساخته می شود ، معمولاً اسکن، آسیاب یا چاپ شده است.



facing

یک پوسته از هر ماده ترمیمی که بر روی یک دندان طبیعی یا پروتز به عنوان یک رستوریشن استفاده می شود تا نمای یک دندان طبیعی را شبیه سازی کند.



feather preparation

آماده سازی که در آن دیواره محوری با زاویه تقریبی ۱۸۰ درجه با سطح آماده نشده برخورد می کند. به طور معمول مورد استفاده قرار می گیرد که در این مرمت ، تمام حاشیه های فلزی وجود دارد که به لبه چاقو اجازه می دهد خط پایانی را ببرد.



feldspathic

مرتبط با فلدسپار یا دارای فلدسپار ، مخصوصا در ارتباط با گلیز پرسلن از این واژه استفاده می شود .



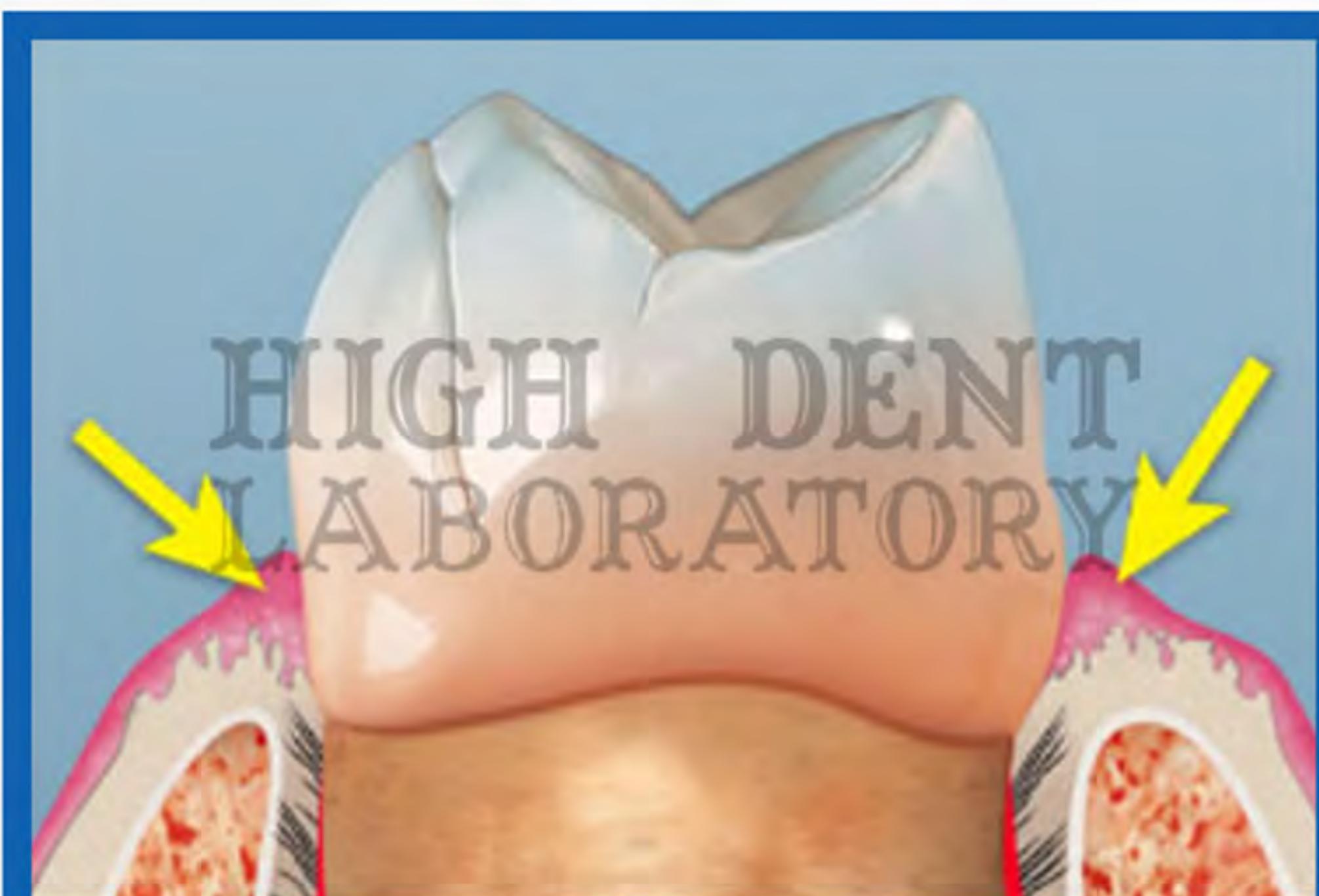
feldspathic porcelain

نوعی پرسلن که از مواد معدنی طبیعی گروه فلدسپار ساخته شده است. این ماده از ترکیبات اکسیژن با فلزات سبکتر و غیرفلزات ساخته شده و معمولا شامل یک کاتریکس بدون شکل (غیرکریستالی) با یک یا چند فاز کریستالی می باشد (مانند لوسیت 4SiO_2 , Al_2O_3 , K_2O)



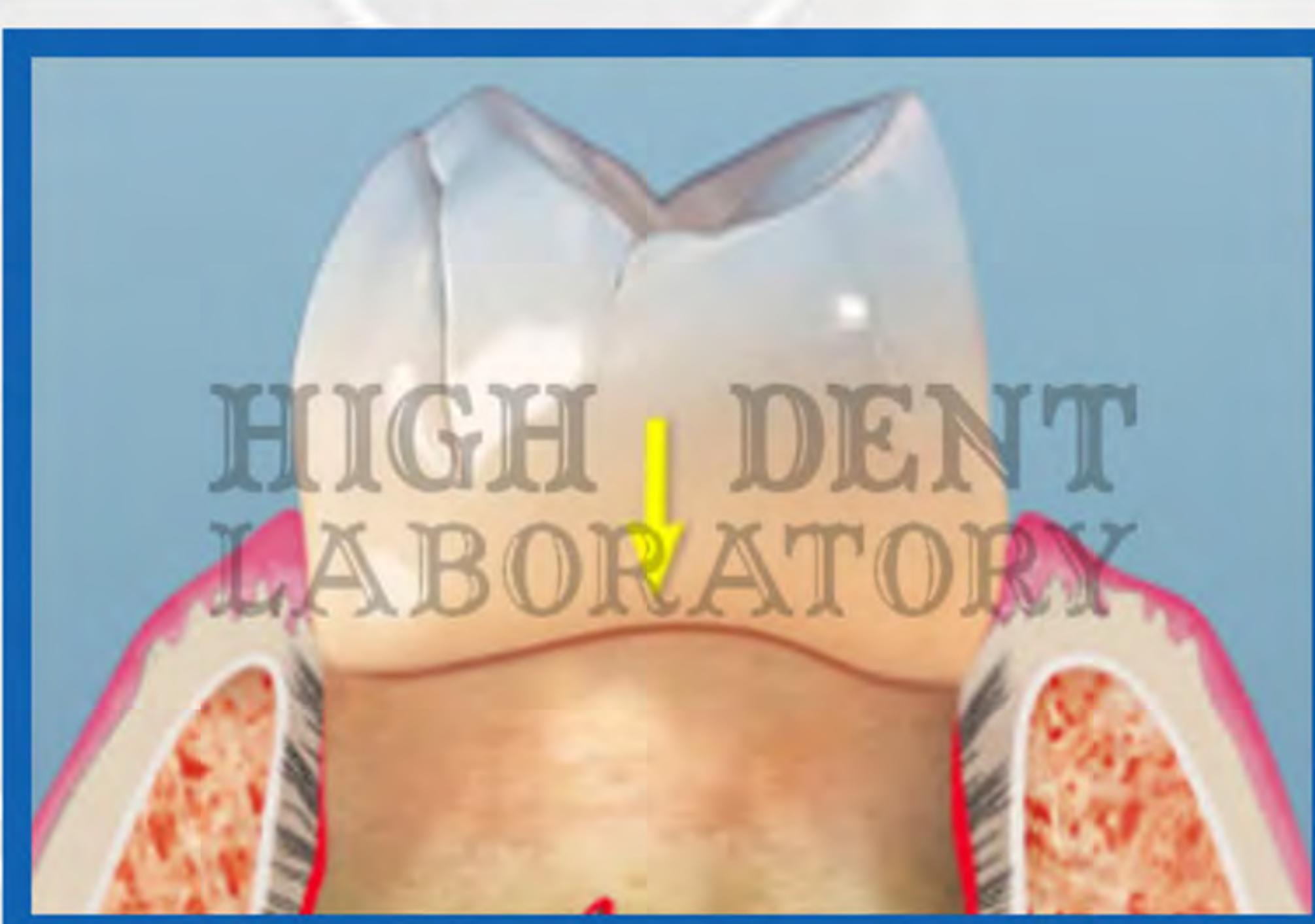
female characteristics

خصوصیات و ویژگی جسمی که عموماً با ظاهری زنانه همراه است (ظریف ، گرد ، نرم و غیره). در مورد جنسیت زن ، دندانها و آرایش آنها باید از این خصوصیات طبیعی و پذیرفته شده پیروی کند. این ارزش زیبایی شناختی زیادی دارد وقتی که ما مفاهیم خطوط لبخند و باکال کریدور را با این نوع آرایش دندان زنانه ترکیب می کنیم).



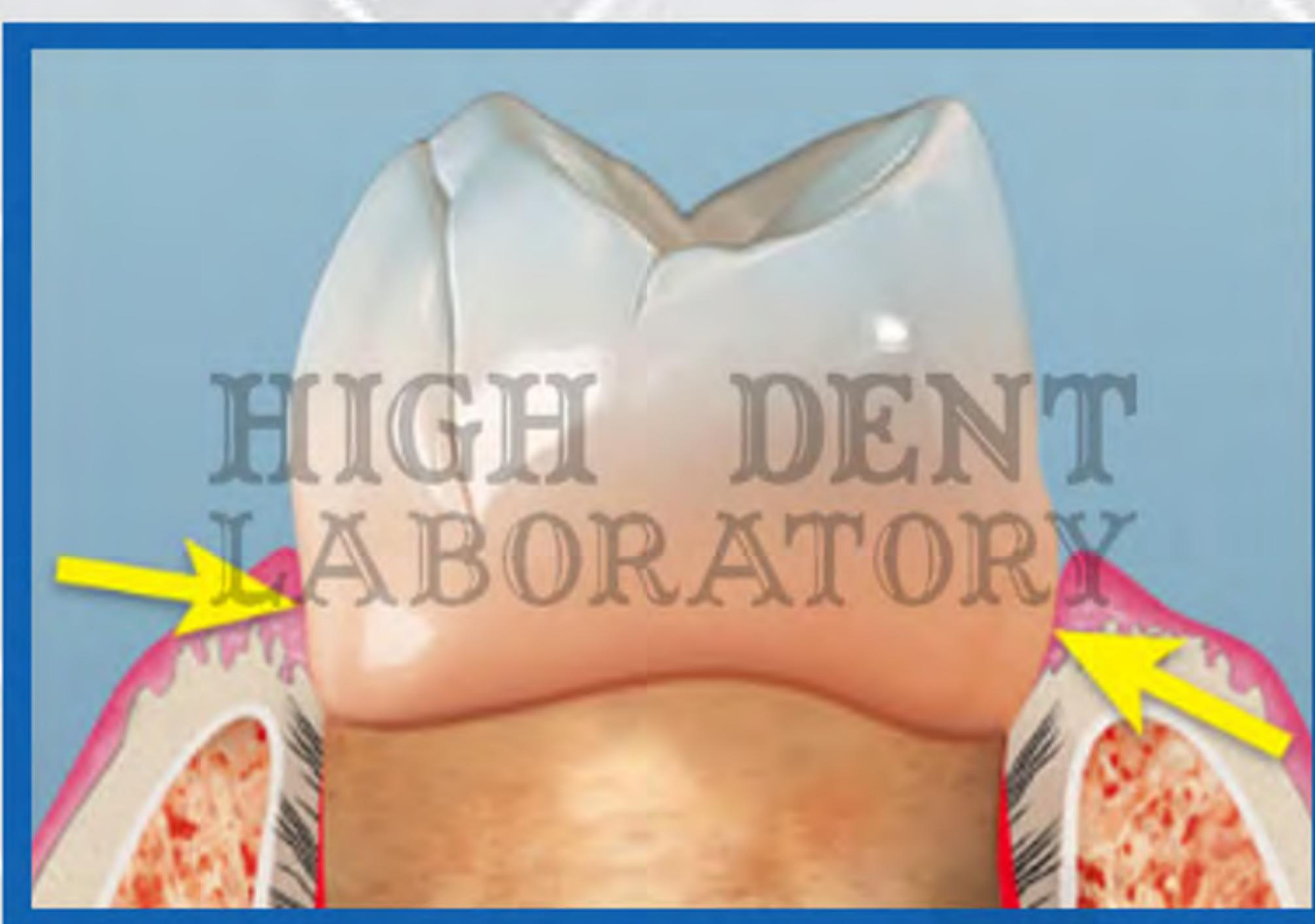
gingiva

لثه، بافت فیبروز پوشاننده، که توسط اپی تلیوم پوشانده شده و دندان را احاطه می‌کند و به غشای پریودنتال دندان و بافت‌های مخاطی دهان متصل است.



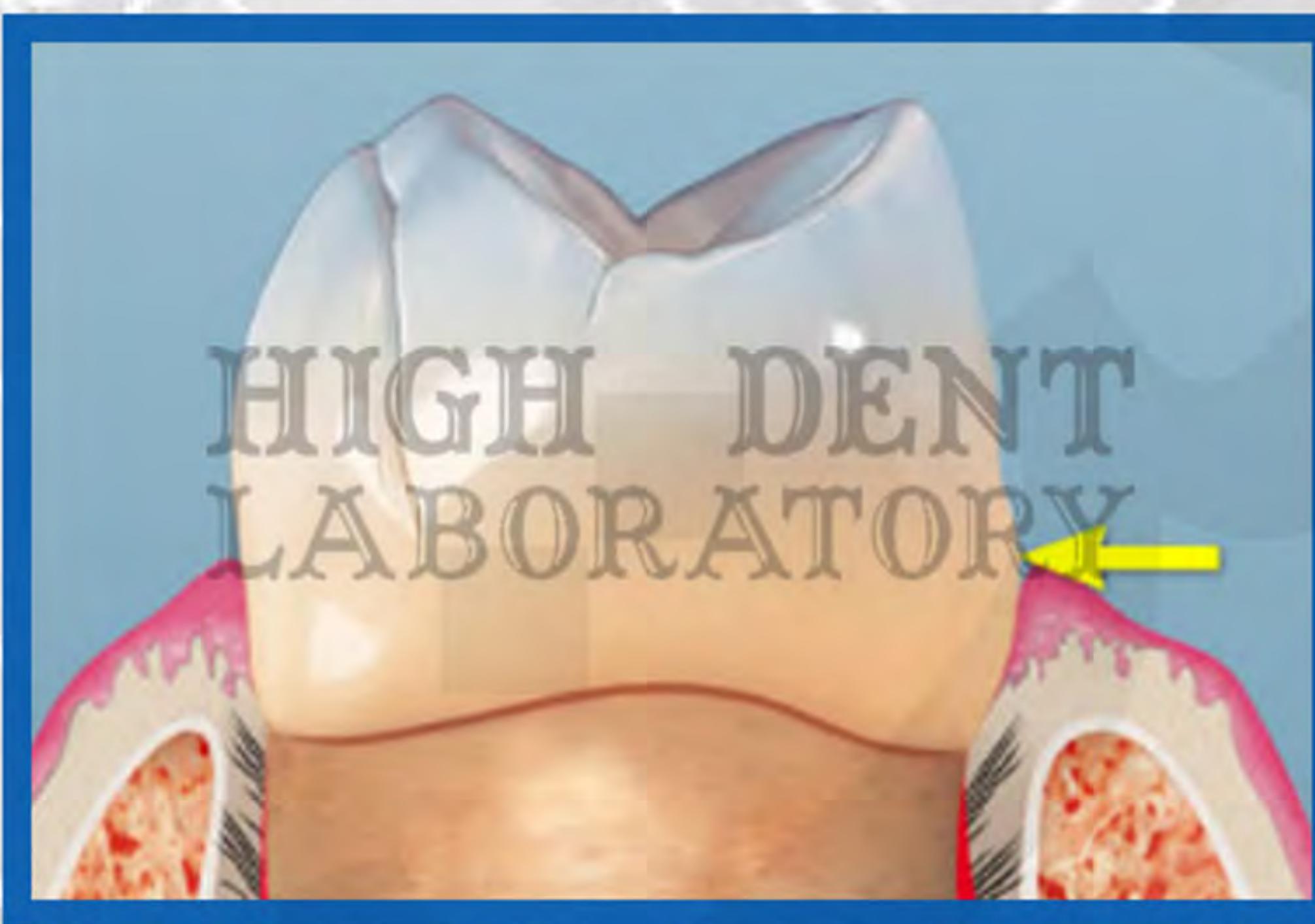
gingival

1. مربوط به لثه.
2. ناحیه‌ای از دندان که نزدیک به لثه است.



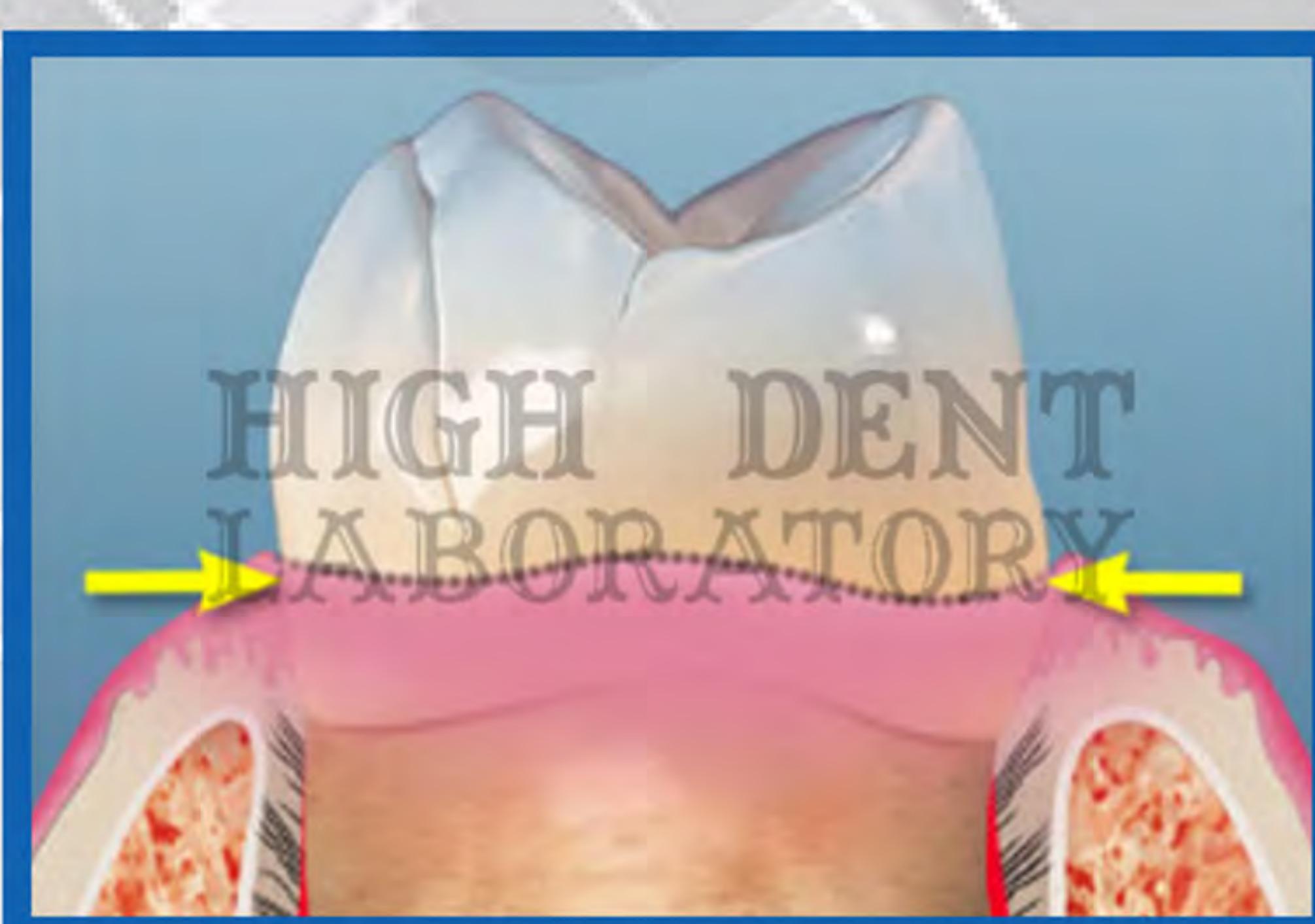
gingival attachment

اتصال لثه به دندان‌ها



gingival bulge

ناحیه محدب درست بالای خط گردن که باعث می‌شود مواد غذایی به دور از لثه منحرف شوند.



gingival collar

اتصال لثه در اطراف دندان.



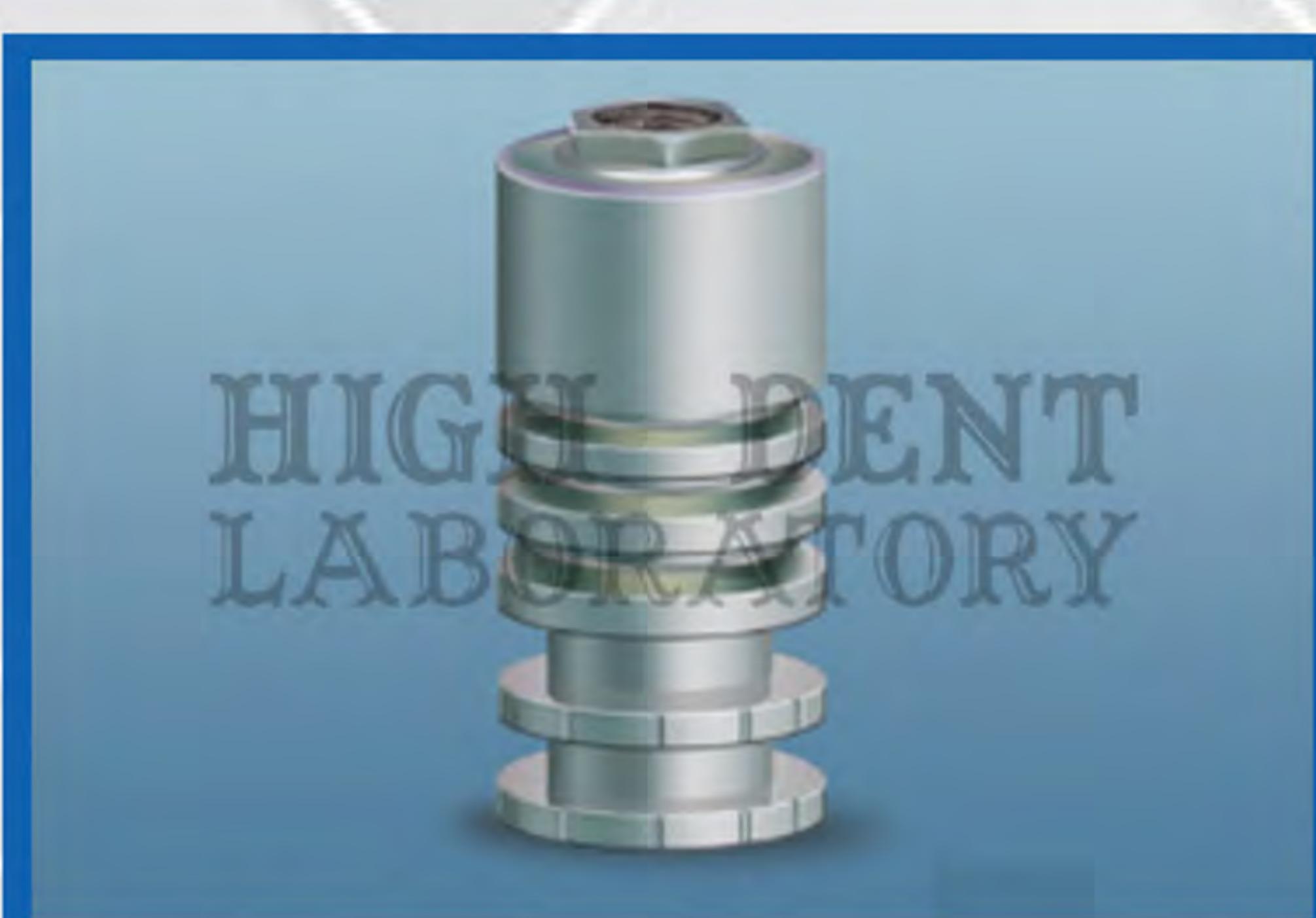
implant

هر شیء یا ماده همانند پیوند آلپلاست یا بافت دیگری که تماماً و یا بخشی از آن برای مقاصد درمانی، تشخیصی یا آزمایشگاهی در بدن قرار گرفته یا پیوند زده می شود.



implant abutment

بخشی از ایمپلنت دندانی که ترمیم به آن متصل شده است، اغلب یک جزء واسطه بین بدن ایمپلنت و ترمیم است.



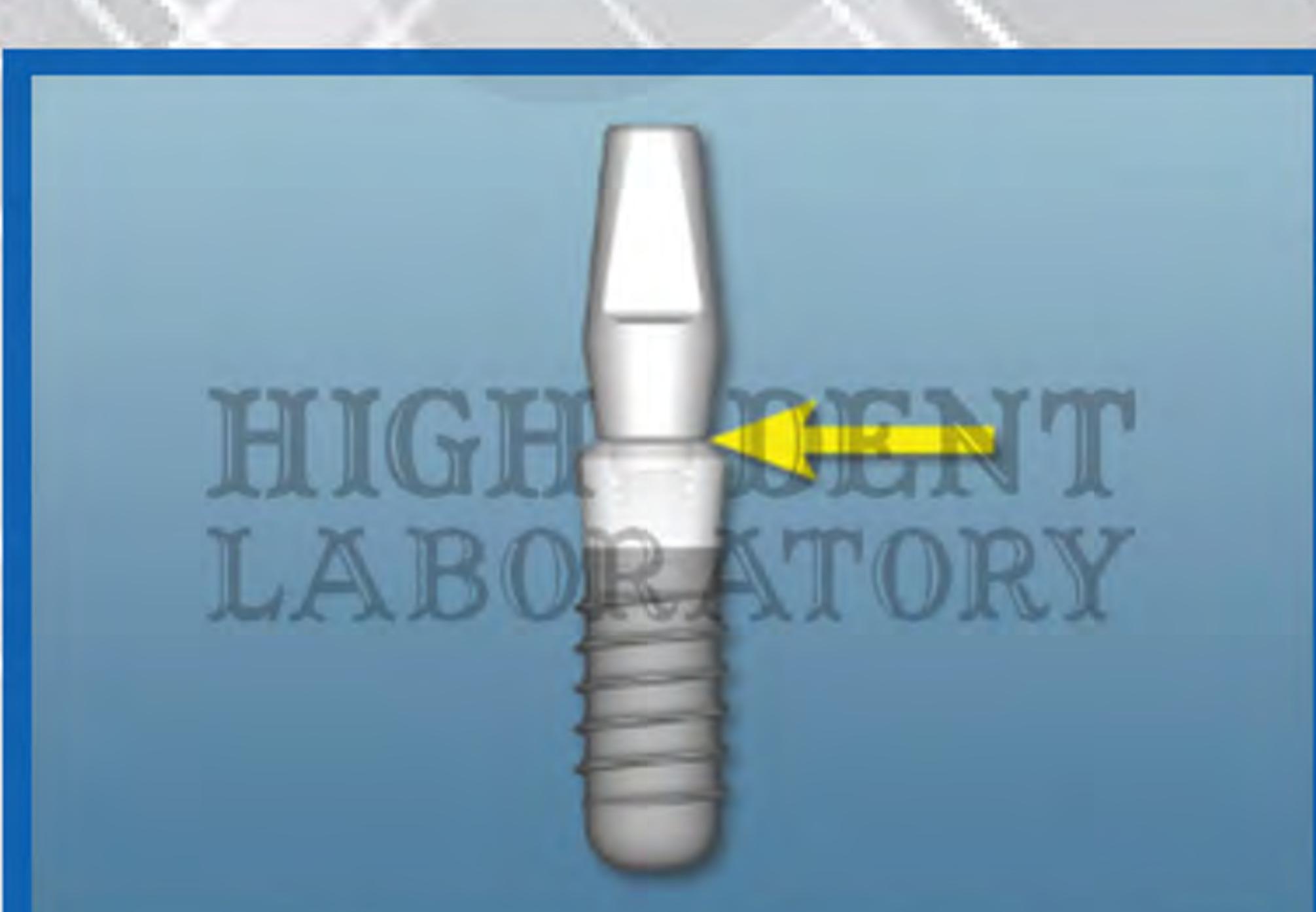
implant analog

وسیله ای ساخته شده که در کست جاسازی شده است و در ساخت پروتزهای آزمایشگاهی برای تکثیر شکل و موقعیت ایمپلنت استفاده می شود.



implant body

بخشی از ایمپلنت دندان که در تماس مستقیم با استخوان قرار دارد و در واقع تثبیت به استخوان را فراهم می کند.



implant cervix

بخشی از یک کاشت دندانی که بدن ایمپلنت را به پایه متصل می کند.

implant fixture

بدن ایمپلنت ، بخشی از ایمپلنت دندان است که در تماس مستقیم با استخوان قرار دارد و در واقع ثبیت به استخوان را فراهم می کند.



implant interface

محل برخورد سطح یک ایمپلنت دندانی و بافت های میزبان در اطراف آن.



implant model

مدلی که روی آن یک ایمپلنت دندان ساخته می شود.



implant platform

بخشی از ایمپلنت که پایه روی آن تکیه کرده است.



implant prosthodontics

شاخه ای از پروتز که درباره جایگزین کردن دندان های از دست رفته و یا ساختار های مرتبط توسط رستوریشن های متصل به ایمپلنت می باشد.





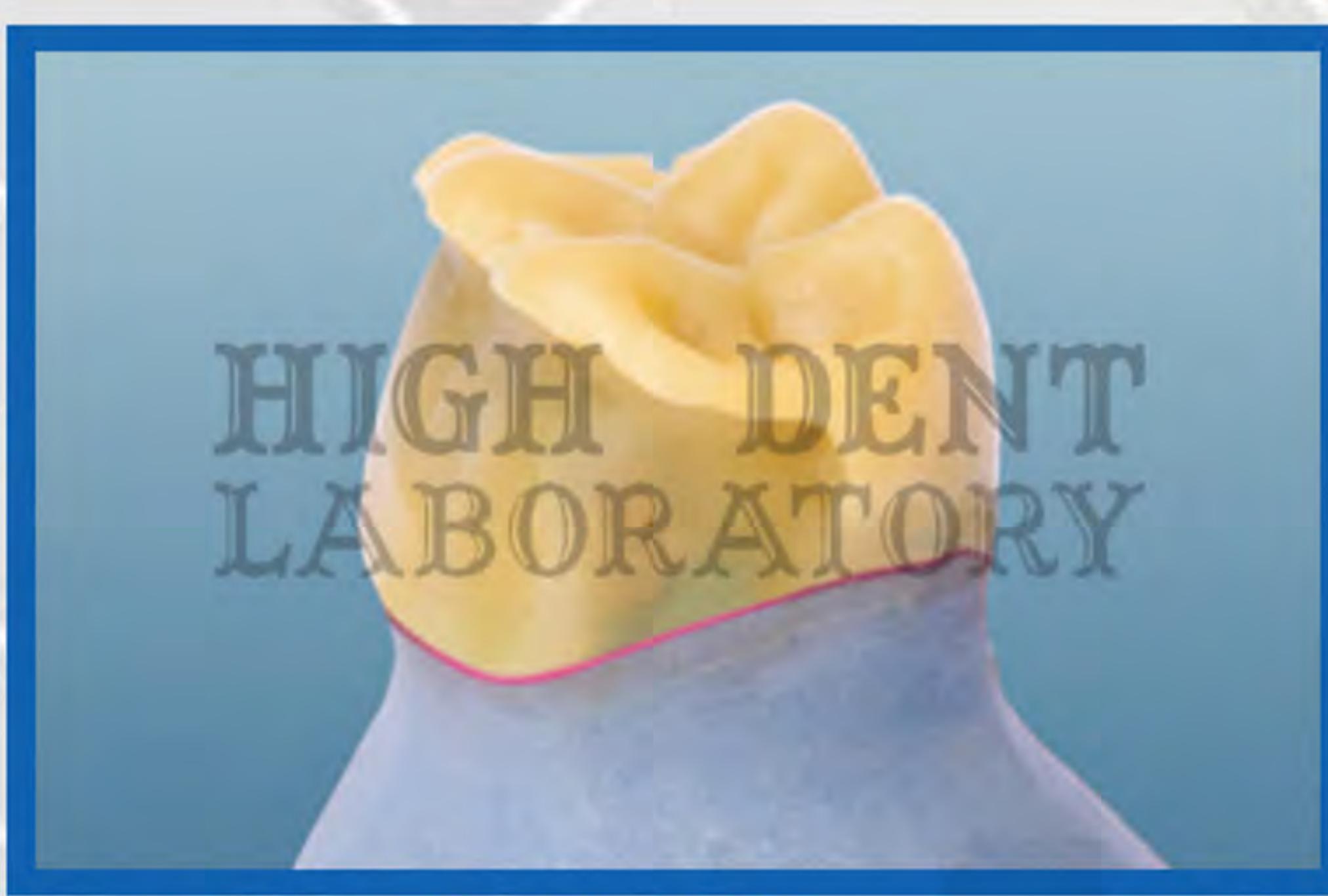
metal ceramic restoration

یک پروتز ثابت دندانی یا متكی بر ایپلمنت که یک زیرساخت فلزی دارد و روی آن یک پوشش سرامیک قرار گرفته است (باند شده به فلز).



metal collar

یک نوار باریک از فلز شدیداً پالیش شده که مجاور مارژین فاسیالی یا باکالی روی یک رستوریشن متال-سرامیک قرار گرفته است.



metal occlusal

تاج PFM با فلز روی سطح اکلوزال و پرسلن روی باکال ، که گاهی اوقات با موارد زیر انتخاب می شود:

۱. سطح اکلوزال برای ظروف چینی بسیار نازک است.
- ۲ ، نیاز به ساخته شدن سطح اکلوزال از مواد ساینده کمتر مانند طلا وجود دارد.
۳. در صورت عدم انسداد ، چینی در معرض خطر شکستگی قرار می گیرد.



metamerism

جلوه بصری که در آن یک رنگ در زیر نورهای مختلف متفاوت به نظر می رسد. روکش های سرامیکی و بریج ها ممکن است سایه ای متفاوت تحت منبع نوری به غیر از روشی که با آنها تولید شده اند ، به نظر برسند.



micro crack

در پرسلن، یکی از چندین عیوب سطحی که به تجمع استرس کمک می کند و باعث کاهش استحکام حداقلی می شود.



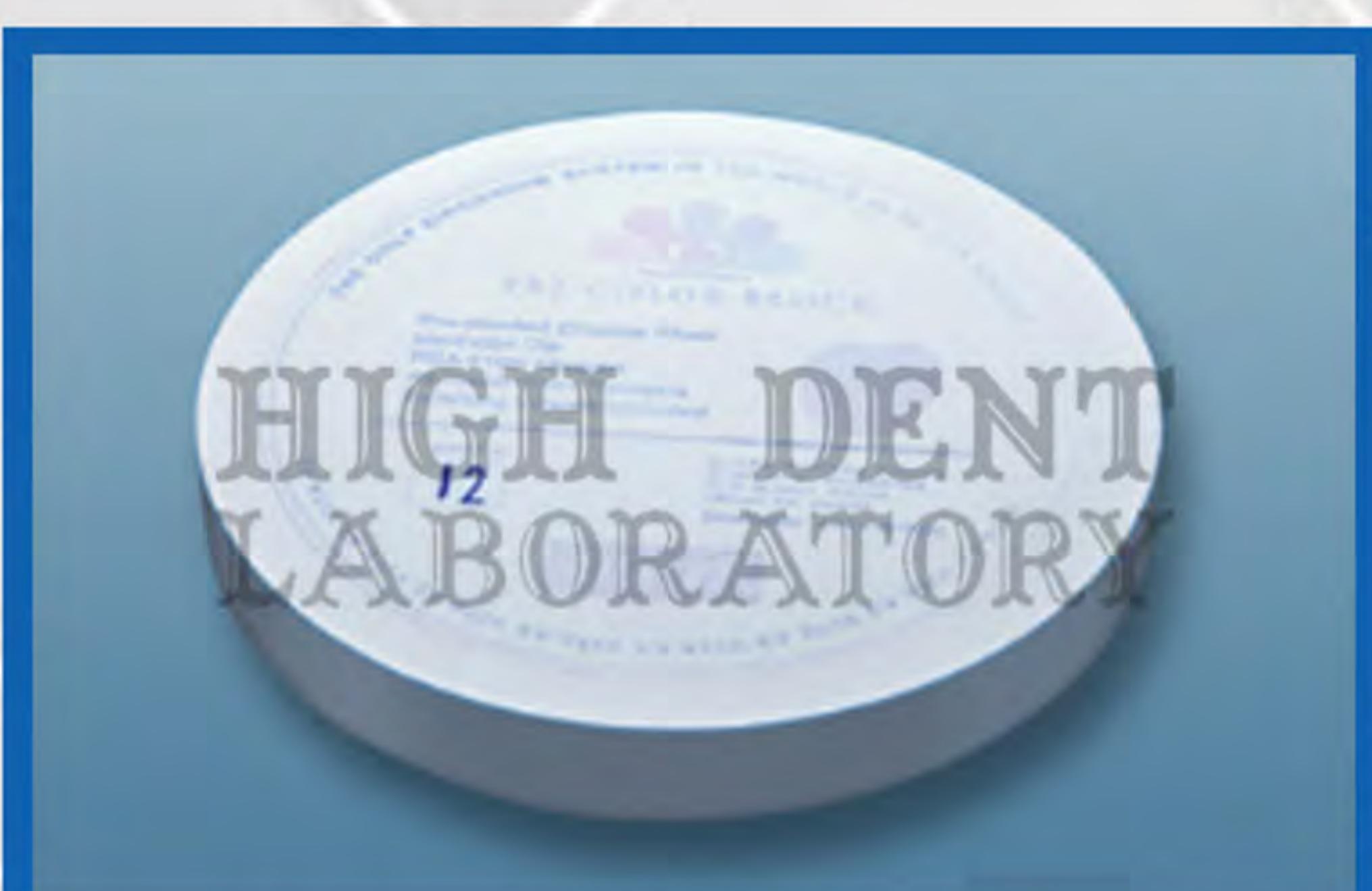
milling

۱. فرایند ماشینکاری قطعات با برش دوار.
۲. فرایند ماشینکاری ترمیم دندان از یک بلوک جامد از مواد.



milling block

بلوک ماده ای که می تواند در دستگاه تراش جای گیرد و از آن می توان ترمیم های دندانی را تراش داد.



milling disc

بلوک استوانه ای از مواد که می تواند در دستگاه فرز جای گیرد و از آن می توان ترمیم دندان را تراش داد.



milling instrument

وسیله ای شبیه به نقشه بردار ، که برای فرزکاری و حفاری دقیق مورد استفاده قرار می گیرد. استفاده می تواند از موازی سازی ساده سطوح تا ساخت کامل ترمیم متفاوت باشد.



milling machine

ماشینی که در آن کار در حمل کننده ایمن شده و توسط کاترهای چرخان شکل می گیرد.

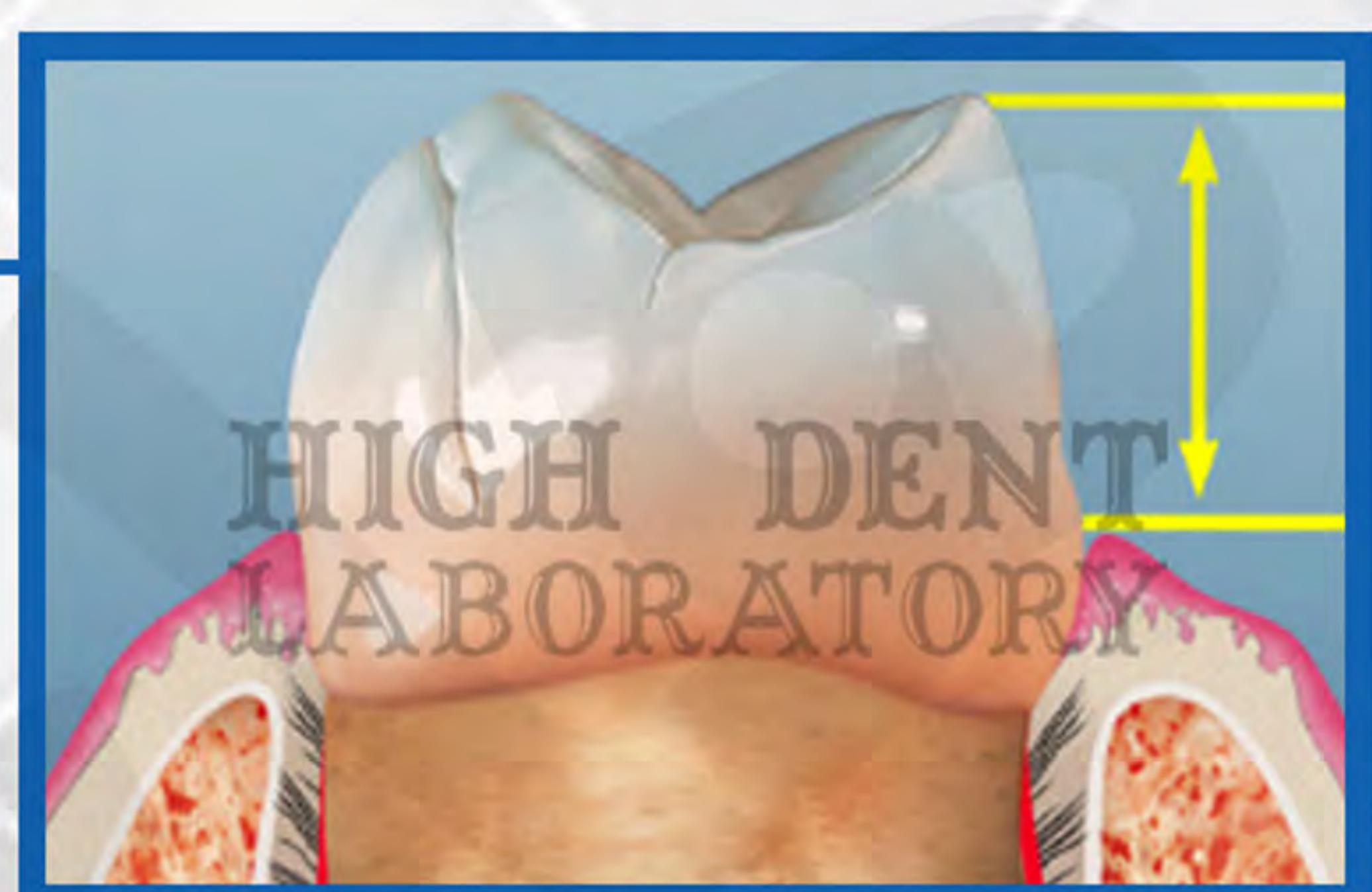
occlusion rim

سطح جفت شونده که از بیس دنچرهای موقت یا نهایی به منظور ثبت رابطه فک بالا و پایین و چیدن دندان‌ها ساخته می‌شوند؛ همچنین **record rim** هم نامیده می‌شود.



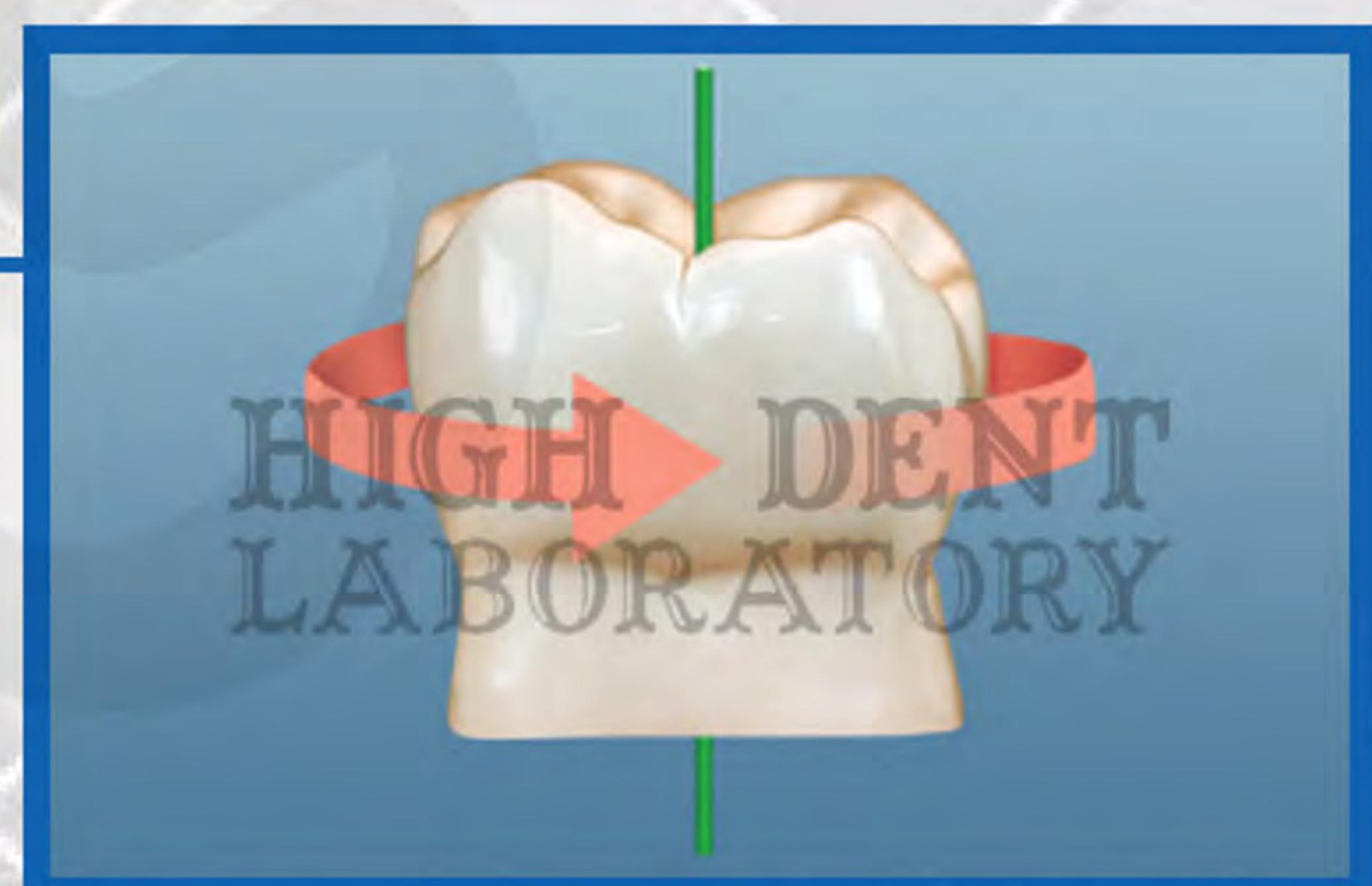
occlusogingival

۱. گسترش از اکلوزال تا لثه.
۲. فاصله از اکلوزال تا لثه.



occluso-gingival rotational axis

یک محور چرخشی در صفحه عمودی دندان خلفی ، به طور خاص، محوری که از اکلوزال تا لثه در امتداد دارد.



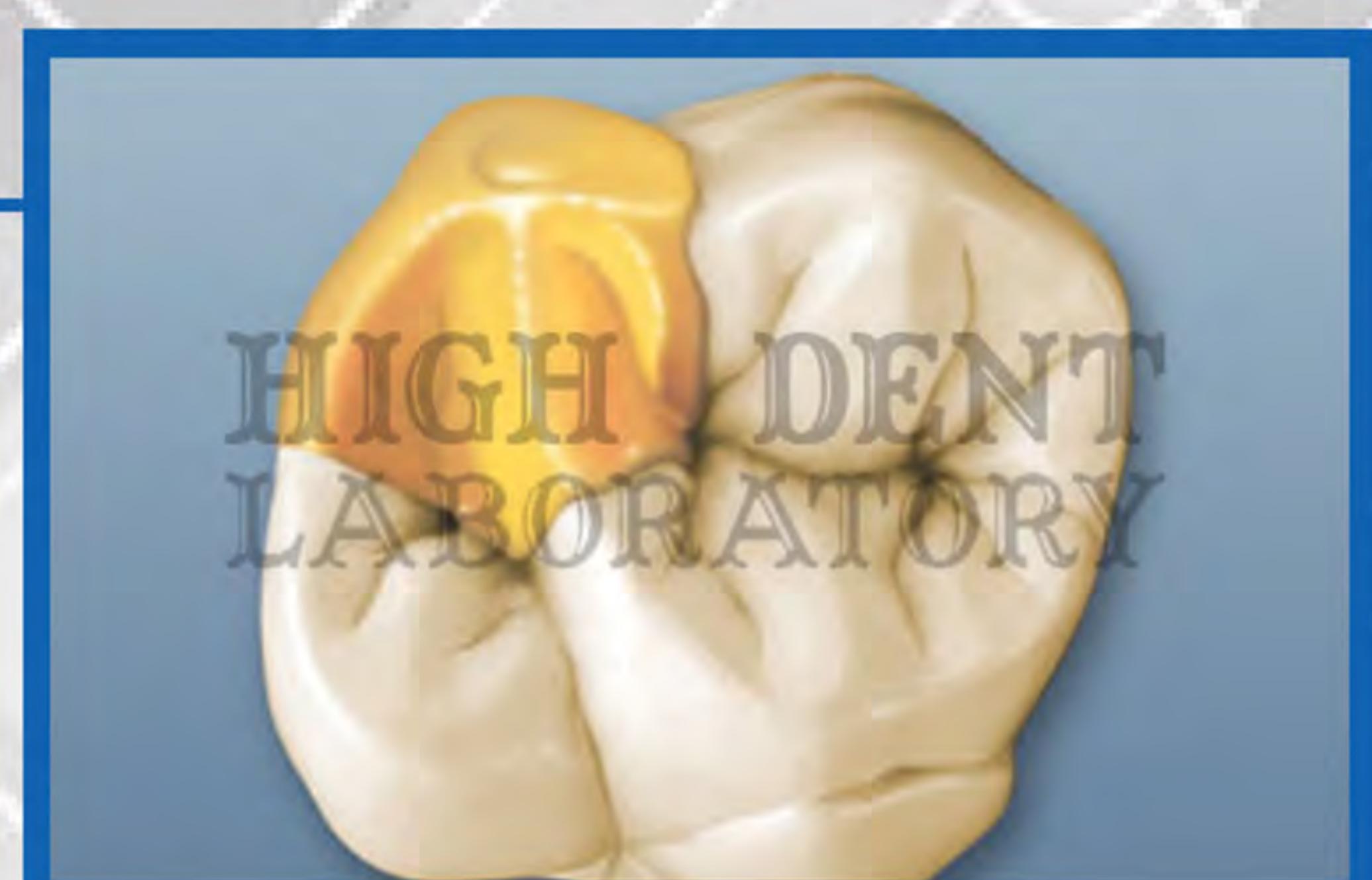
one-piece implant

یک کاشت دندان غیر **hexed** که در آن بدن و پایه ایمپلنت به عنوان یک قطعه ساخته می‌شود.



onlay

ترمیم ثابت بر روی سطح اکلوزالی است که یک یا چند کاسپ را می‌پوشاند.



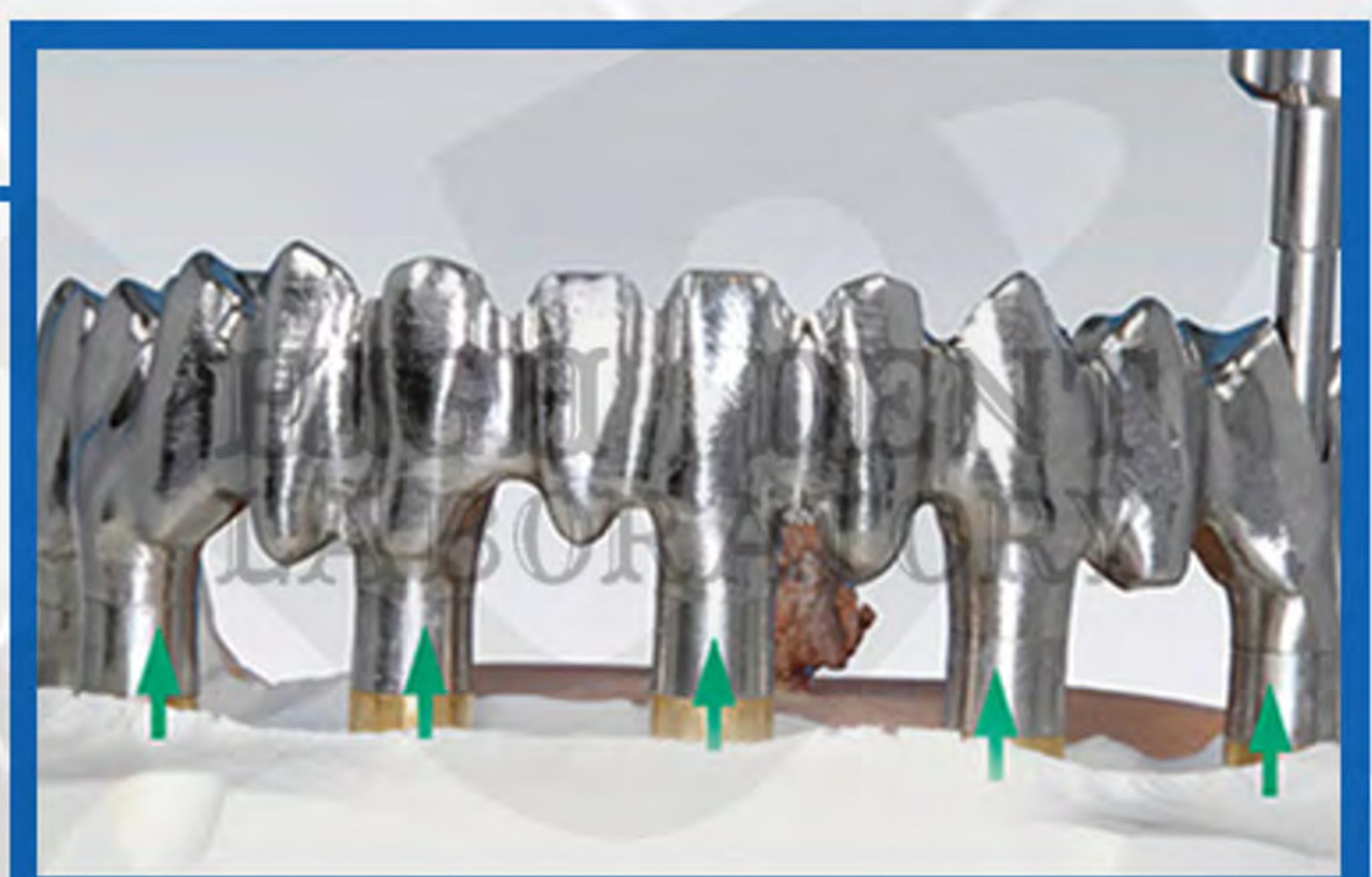
passivate

۱. غیر فعال کردن یا کم کردن فعالیت
۲. حفاظت در برابر آلودگی با پوشاندن یا آماده سازی سطحی

HIGH DENT
LABORATORY

passive fit

شرایطی که ترمیم وارد شده بدون فشار روی دندانهای پشتی یا ایمپلنت نشسته است.



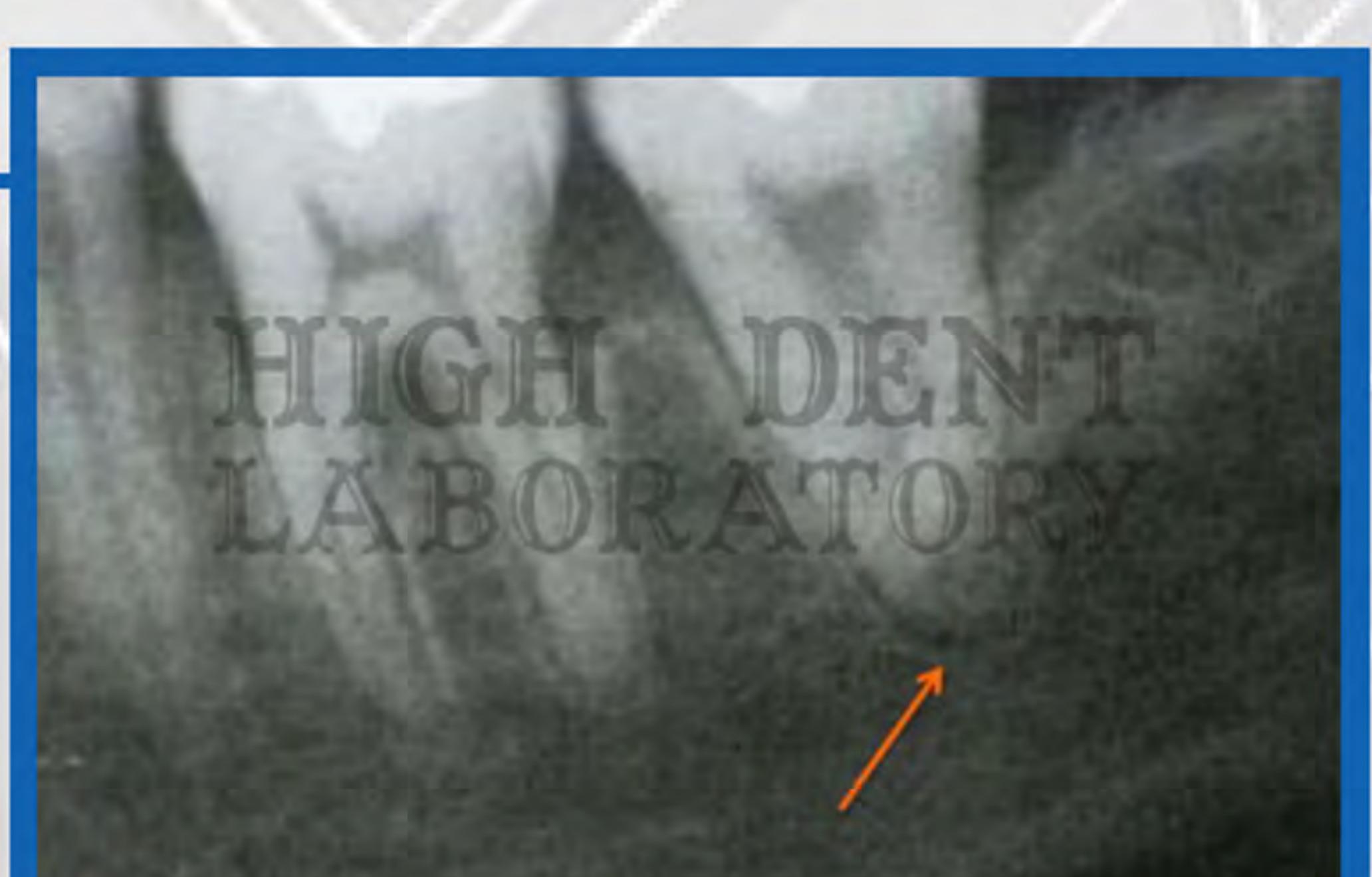
path of insertion

جهت مشخصی که باید پروتز در محل کار گذاشته شود.



pathogenic occlusion

یک رابطه اکلوزالی که قادر به تولید بیماری است.



patrix

قسمت نری یک پیوست.





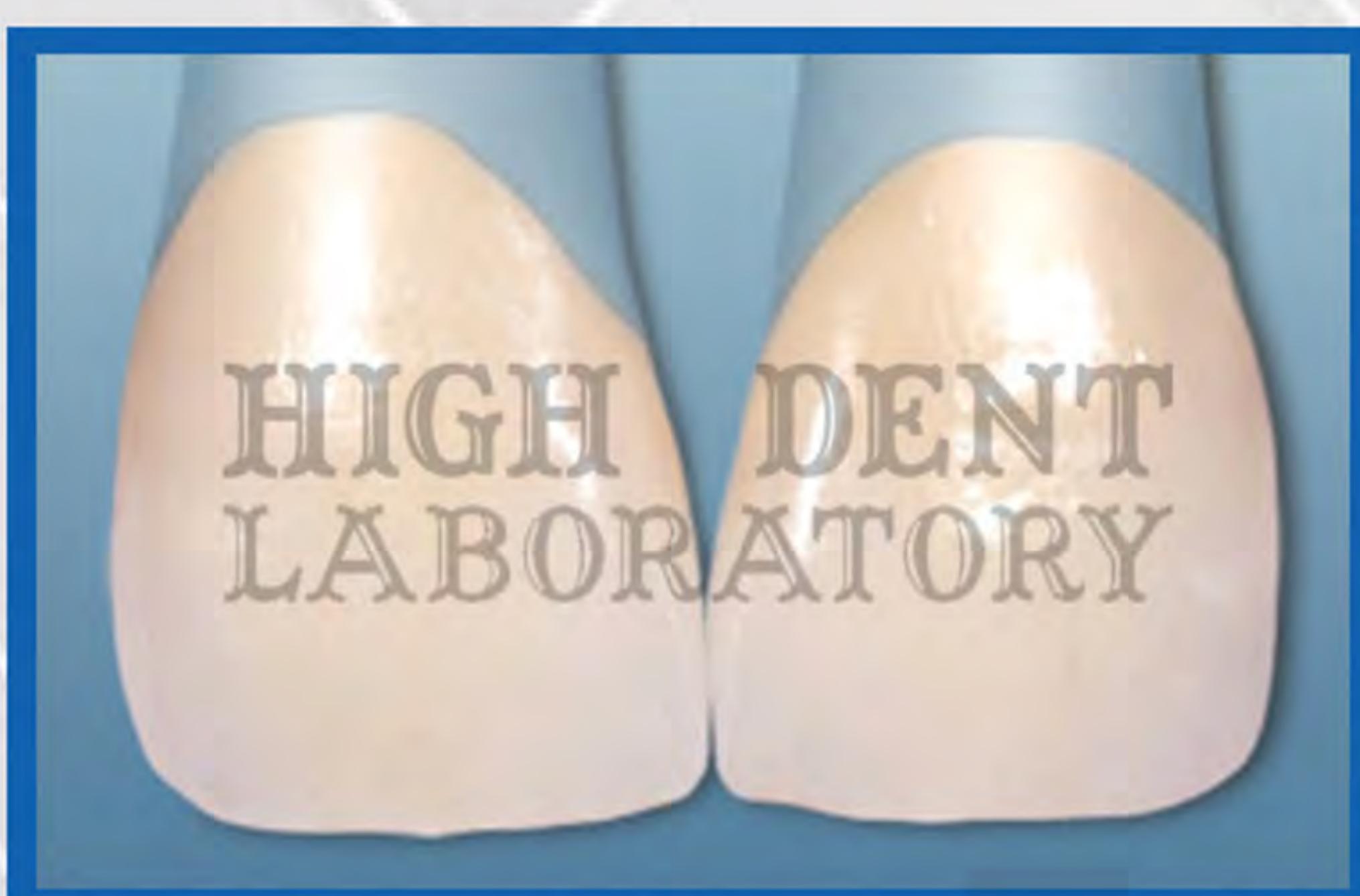
porcelain furnace

کوره ای که برای پخت پرسلن استفاده می شود.



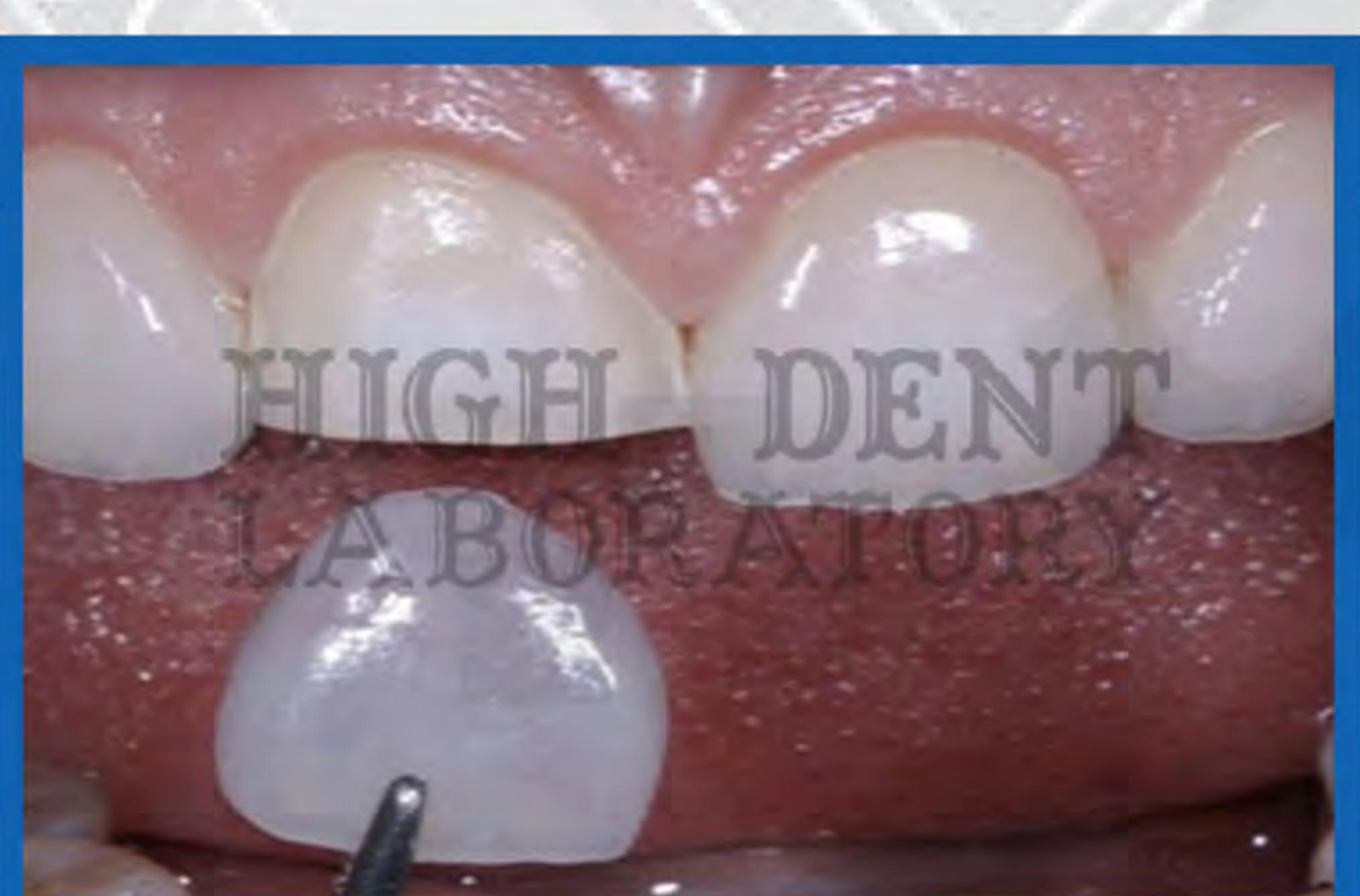
porcelain fused to metal restoration

ترمیم متشکل از یک پوسته سرامیکی است که توسط یک زیرسازی فلزی تقویت شده است.



porcelain jacket crown

تاجی که کاملاً از یک ماده سرامیکی ساخته شده است.



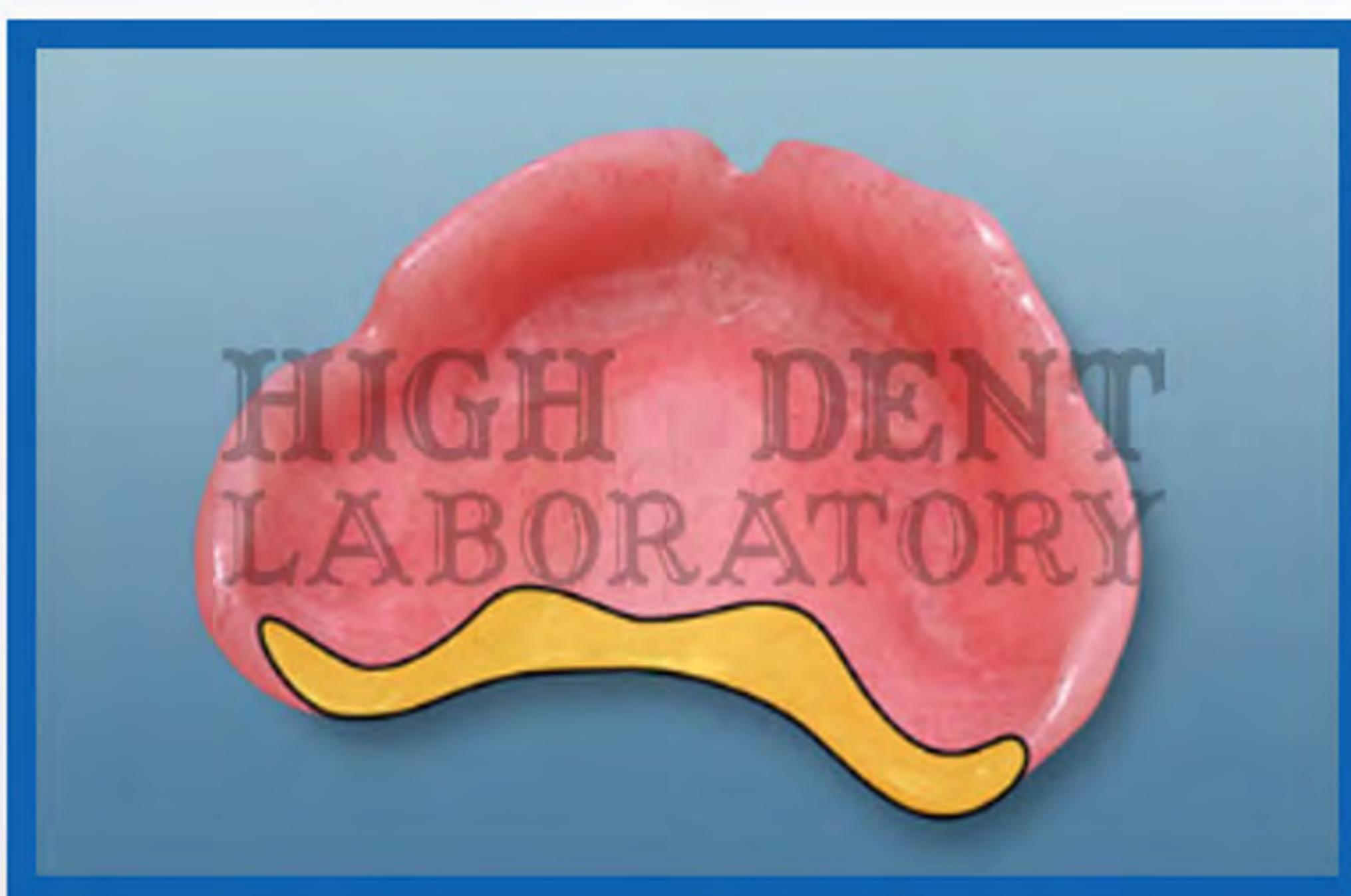
porcelain laminate veneer

یک رستوریشن سرامیکی نازک باند شونده که سطح فاسیال و قسمتی از سطح پروگزیمال دندان‌هایی را که نیاز به رستوریشن زیبایی دارند بازسازی می‌کند.



porcelain separator

یک ماده که برای جلوگیری از چسبیدن پرسلن در پخت داده نشده به دای، از آن استفاده کرد.



post dam

یک خط الراس در قسمت بافت در امتداد مرز خلفی پروتز فوقانی که برای ایجاد یک آب بندی محکم هوا با کام نرم برای ایجاد پروتز در محل استفاده می شود.



post dam line

مرز خلفی پروتز فوقانی. خطی که آب بندی خلفی را تشکیل می دهد.



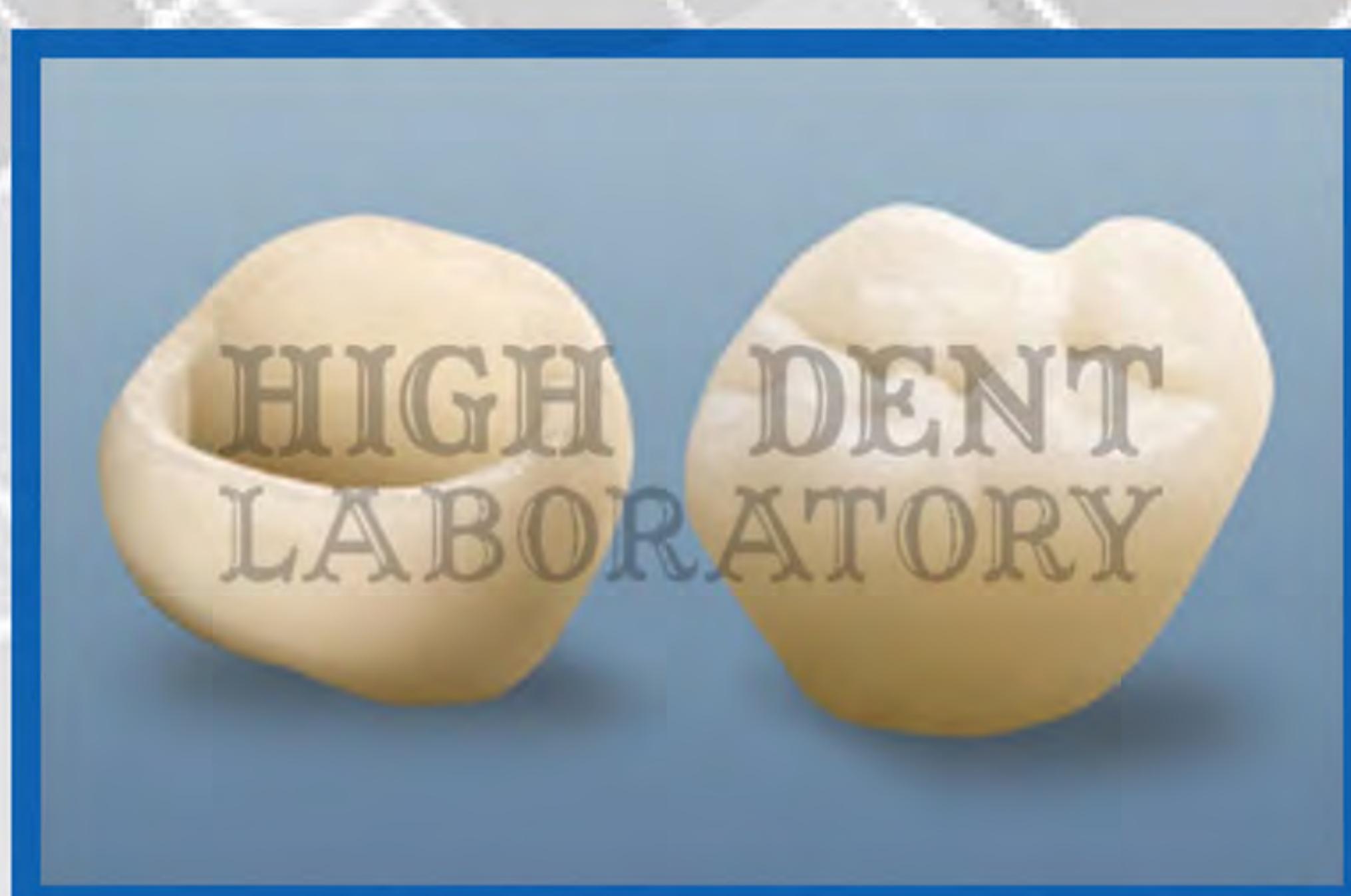
posterior

۱. مربوط به پشت.
۲. پشت دهان.



posterior bridge

ترمیم ثابت که دو یا چند دندان خلفی را به هم وصل می کند.



posterior crown

دندانهای پشت دهان. دندان دو پایه و آسیابهای هر فک.



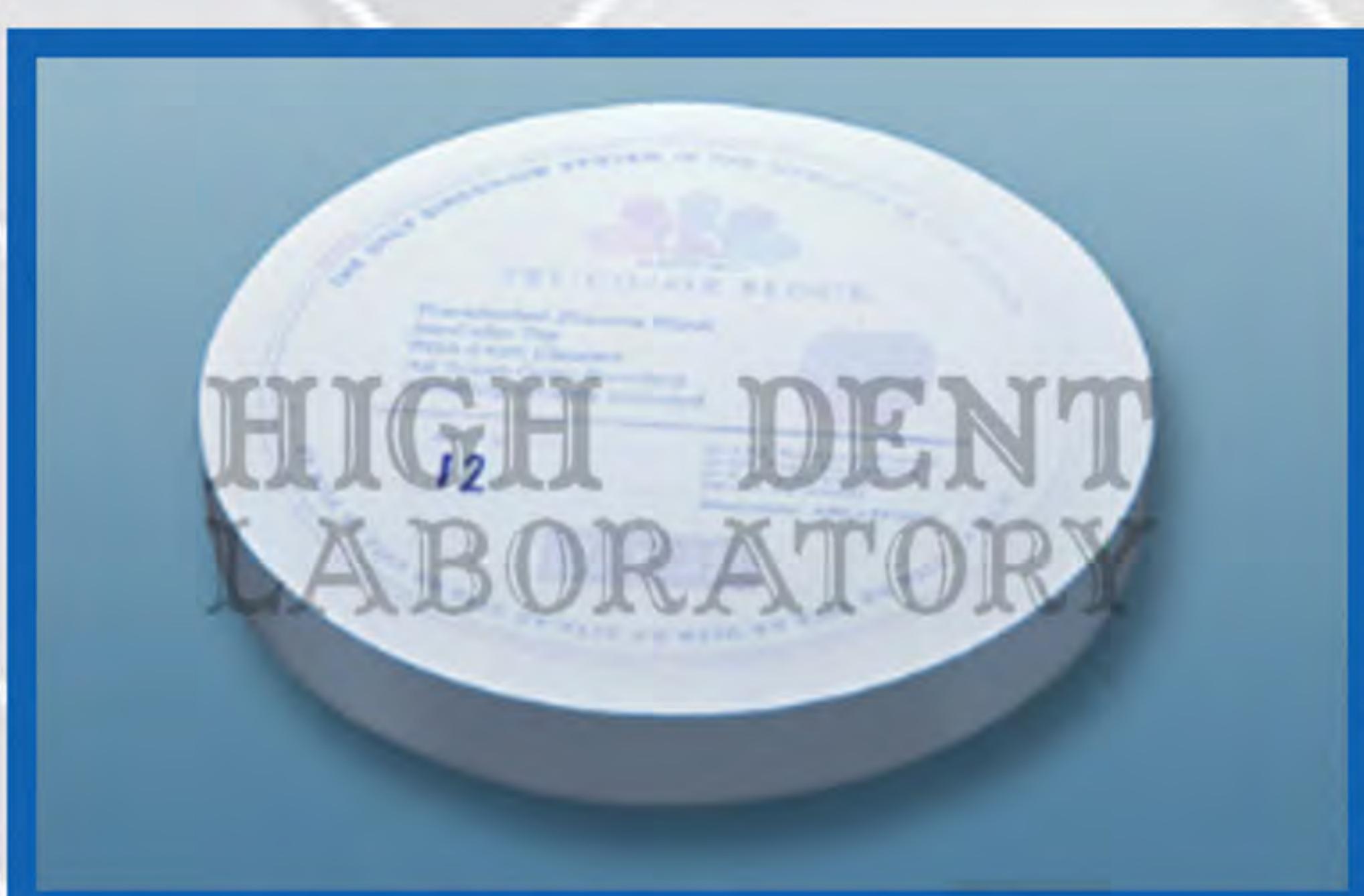
prepared tooth

دندانی که برای پذیرش ترمیم اصلاح شده است.



prescription

پیام کتبی از دندانپزشک که به طور خاص به آزمایشگاه می گوید چه روش هایی را باید انجام دهد.



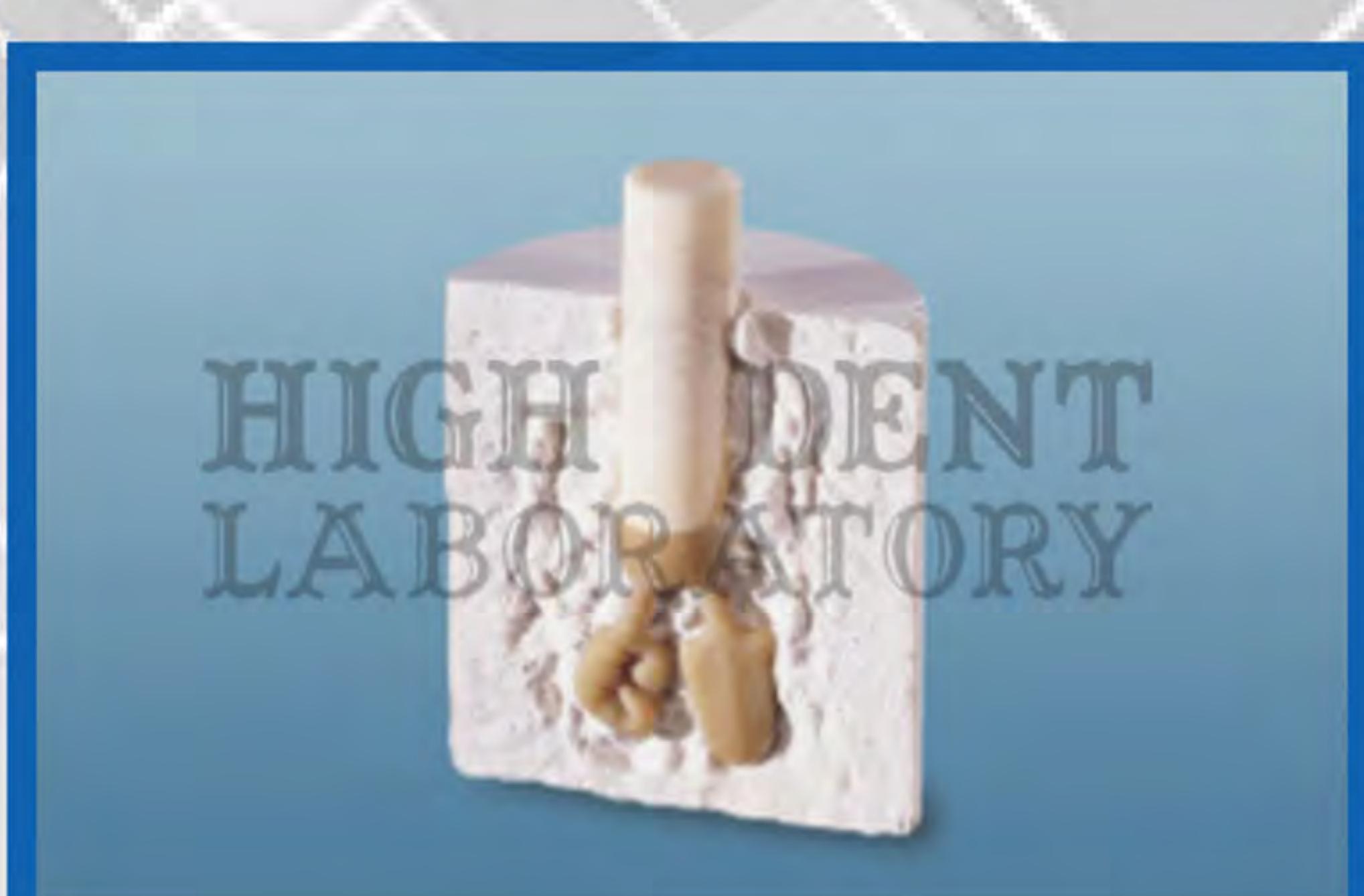
pre-sintered zirconia

زیرکونیا که پخت داده شده است تا به حالت جامد در آید ، اما کاملاً سنتز نشده است. زیرکونیا غالباً در حالت از پیش ساخته شده میلینگ می شود، سپس برای رسیدن به قدرت نهایی خود ، سنگ زنی می شود.



press furnace

کوره ای برای پرس کردن ترمیم های سرامیکی قابل پرس.

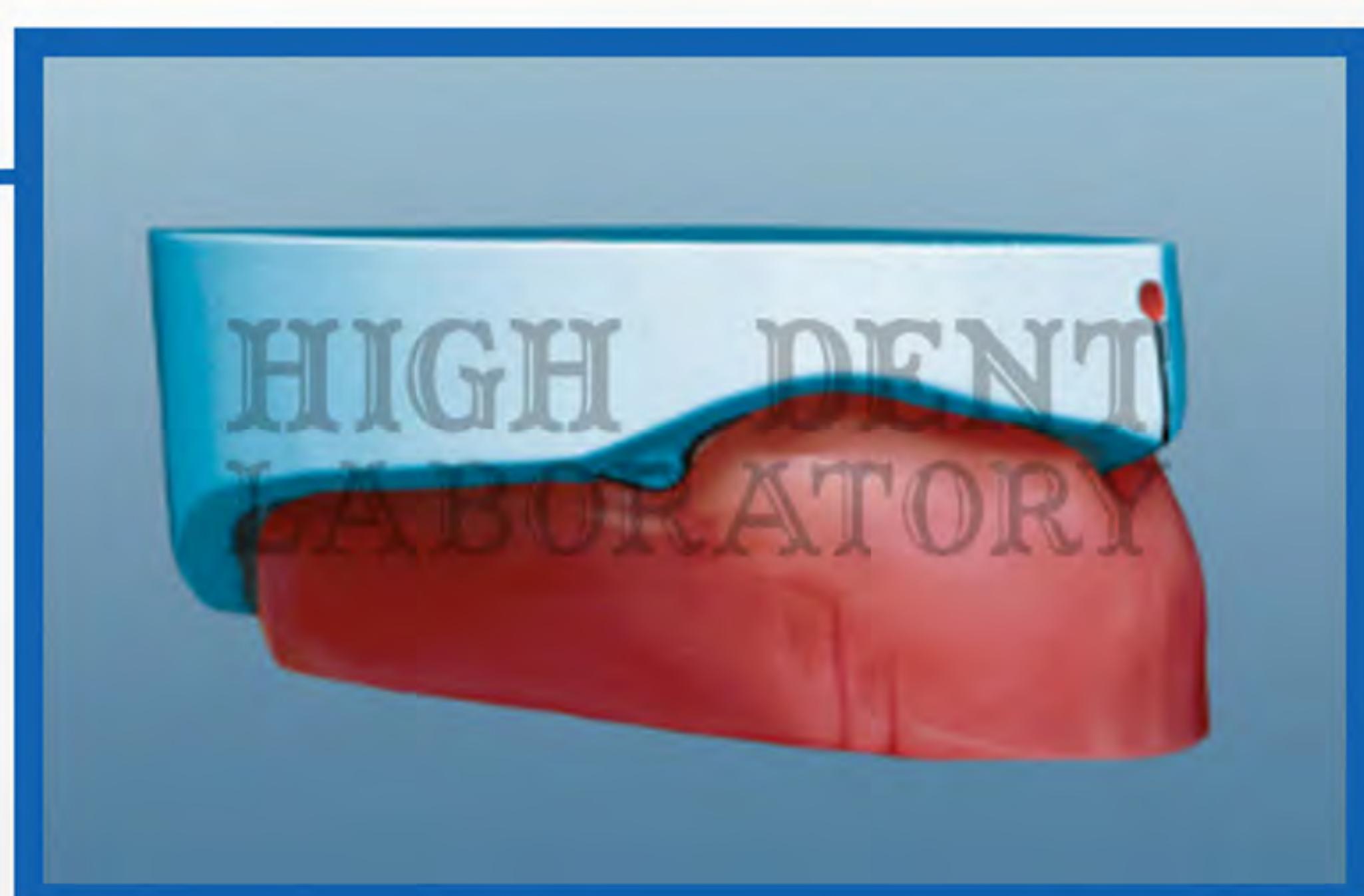


pressed ceramic

ماده سرامیکی است که با استفاده از روش موم از دست رفته با پرس کردن به قالب در دمای بالا تشکیل می شود.

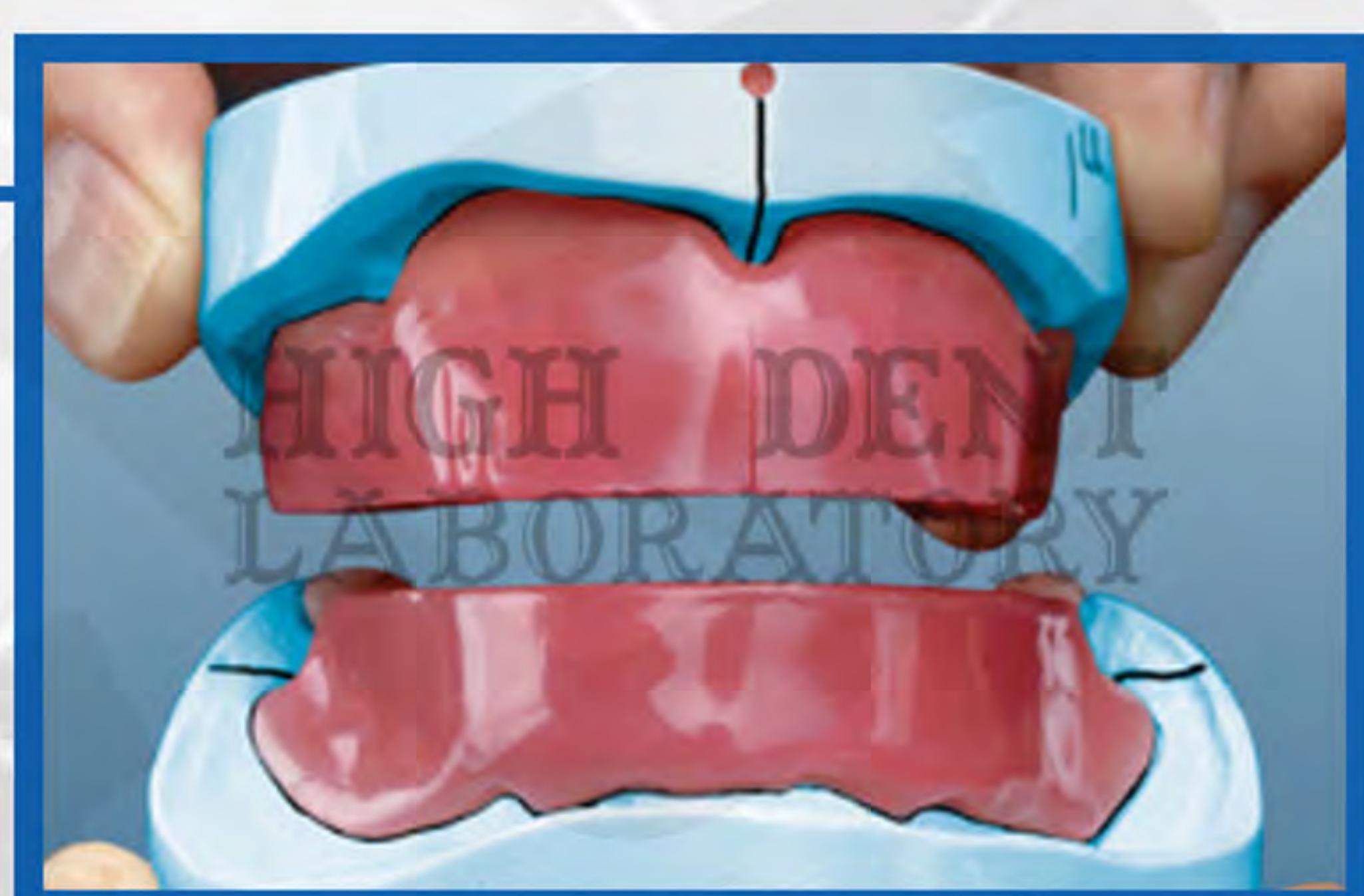
record base

1. قسمت تقویت شده از یک دندان مصنوعی که به شکل خط الراس مانده بیمار ساخته شده است و برای ساپورت از دندان های مصنوعی استفاده می شود.
- 2- یک پایه ترکیبی از موم و پایه دندان مصنوعی برای ثبت نیش و ثبت خط لب و پر بودن برای ترتیب نهایی دندانهای مصنوعی استفاده می شود.



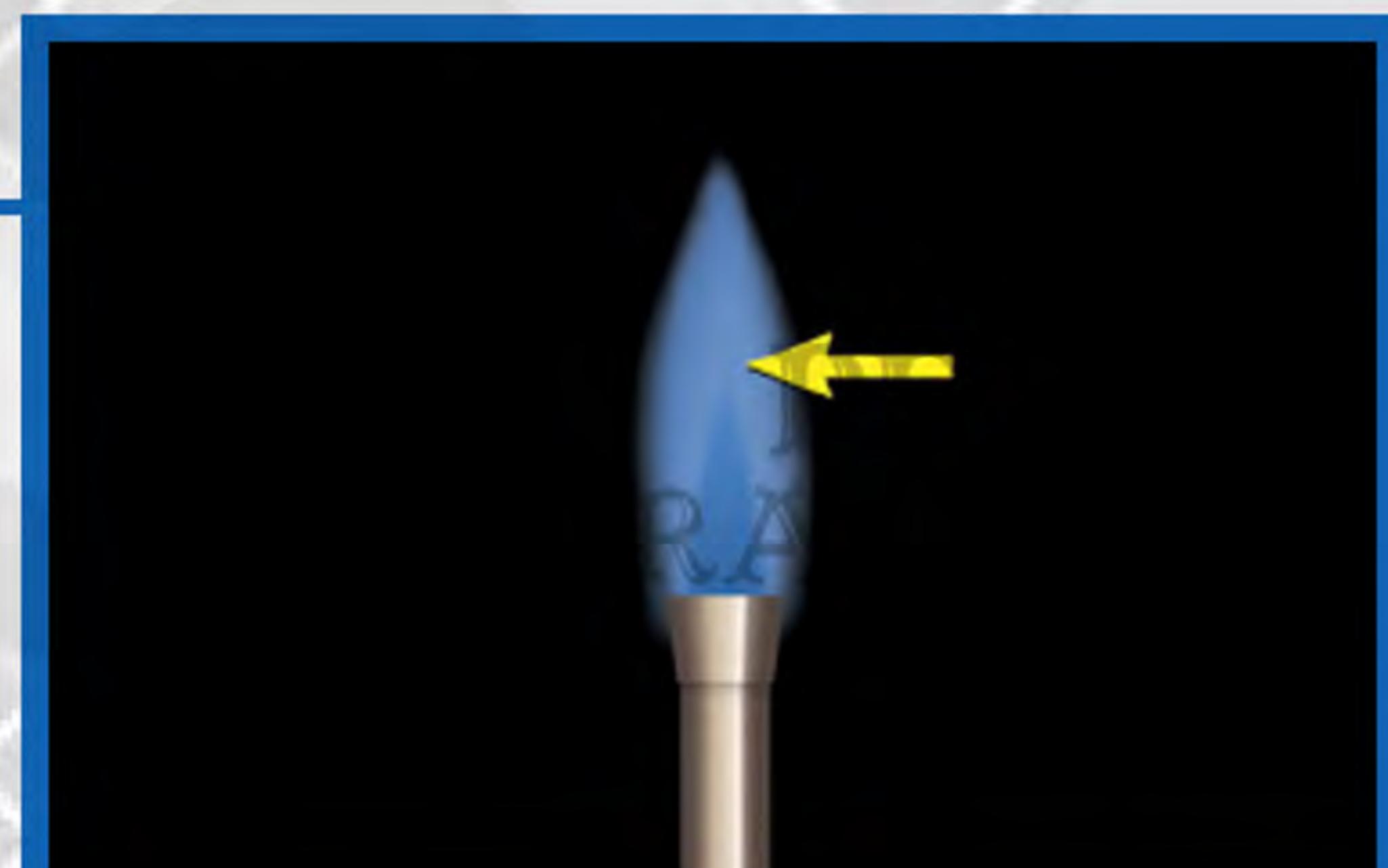
record rim

- دستگاه مومی که توسط پزشک برای ثبت رابطه فکهای بیمار استفاده می شود.



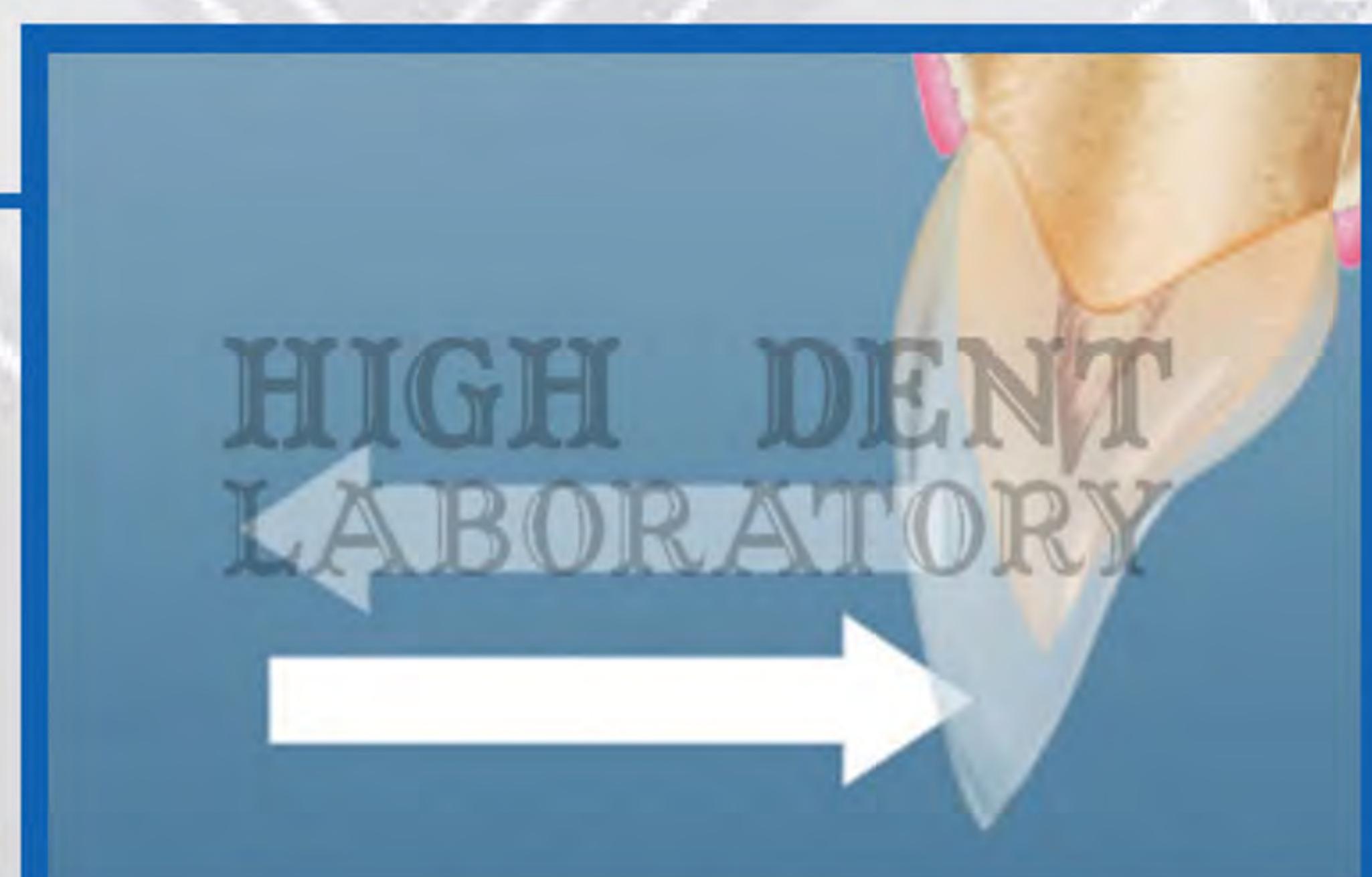
reducing flame

1. شعله گازی با سوخت اکسیژن با مقدار کمی گاز سوختی.
2. قسمت آبی یا مخروط داخلی شعله تولید شده توسط خط لوله یا مشعل بخش نا متناسب برای اکسیداسیون فلز.



reflectance

- مقدار نور منعکس شده توسط یک سطح متناسب با مقدار نوری که توسط سطح جذب می شود.



R

reflection

1. عمل بازتاب.
2. چیزی که منعکس شود.





عضویت در خبرنامه دندانسازی های دنت

با عضویت در خبرنامه، ویدیو و آموزش های
کاملًا کاربردی دندانسازی برایتان ارسال می شود

اینجا کلیک کنید

دوره های جامع و تخصصی نرم افزاری اگزوگد، طراحی لبخند
ارائه خدمات مشاوره و راه اندازی بخش دیجیتال توجیه پذیر و سودآور



برای حرفه ای شدن و متمایز شدن مسیر خودت را سریع و آسان کن

۰۲۱ - ۲۸۴۲۶۰۵۰